https://lh3.googleusercontent.com/olZlP8vzrJ1RRbafKl5tt3J9n1clfqiec9OpPPiFLkkKCL7KzQu0CqANksCe8U9_453e=s85

**دانشگاه حقوق**

**پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد M.A**

**رشته :**

**حقوق جزا و جرم شناسی**

**عنوان :**

**چالش های فرآوری نهاد امنیت قضایی در نظام دادگستری ایران با تاکید بر روش ها و راهکار های پیشگیرانه**

**استاد راهنما:**

**دکتر امین حاجی وند**

**نگارش :**

**دانیال پورناصری**

**بهار 1401**

**تقدیم به :**

**پدر ومادرم و اساتید برجسته همچون دکتر آزمایش که در نور عدالت قدم برداشتند**

**سپاسگزاری : تقدیر و تشکر از آقای دکتر امین حاجی وند**

**چکیده**

امنیت قضایی ، روشن ساختن ابعادی چند از مفهوم امنیت قضایی است . اگر چه کاربرد این واژه در نوشته های امروزی رو به فزونی نهاده است ، با این وصف به نظر می رسد که درک روشن و دقیقی از این واژه در میان عامه مردم و حتی اصحاب قضا و کارشناسان امر، وجود ندارد. ازاین رو در ابتدا به تشریح برخی تعاریف داده شده از امنیت قضایی پرداخته و پس ازبررسی و نقد آنها، تعریف جامعی را پیشنهاد داده است ، در پایان نیز ضمن بررسی مورد پرونده « خفاش شب » از وجود یا نبود امنیت قضایی دررسیدگی به این پرونده سخن گفته است . هدف در این نوشتار آن بوده تا با ارایه شاخص‌های حقوقی مشخصی ، ضمن کمی کردن مفهوم انتزاعی « امنیت قضایی »، میزان قابلیت آن را در تحلیل‌های حقوقی جاری به نمایش گذارد.

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است به تأمین حقوق همه جانبة افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون اساسی " (اصل 3 ـ بند 14)  
برخی از صاحب نظران بدون آن که تعریف مشخصی از امنیت قضایی انجام دهند، به بررسی مصادیقی از شاخص‌های امنیت قضایی و یا بررسی علل و نمونه های فقدان امینت قضایی پرداخته اند. عنوان «امنیت قضایی زنان در ایران » (1)، به بررسی وضعیت امنیت قضایی زنان در جامعه ایران پرداخته است بدون این که تعریف مشخصی از واژه امنیت قضایی به دست دهد، به بررسی برخی از مصادیق ونهادهای موجود در قوانین ایران می پردازد که از نگاه وی ، بر هم زننده امنیت قضایی زنان می باشد. دکتر سیدمحمد هاشمی نیز تعریف مشخصی از این مفهوم نمی کند. با این وصف ایشان به بیان برخی از نهادهای امنیت قضایی در حقوق ایران می پردازد. (2) ایشان همچنین قاضی و قانون را تأسیساتی می داند که تأمین کننده آزادی و امنیت هستند. (3) ، امنیت قضایی عبارت است از کیفیت مناسب عملکرد دادگاه‌ها در به کار بستن ضمانت‌های اجرایی قانون ، به

ترتیبی که شهروندان را قبل از نقض قوانین وتعهدات‌شان ، از آن عمل باز دارد.(4)

واژه های کلیدی :امنیت قضایی ، نظام دادگستری ، روش ها و راهکار های پیشگیرانه

1. مقدمه......................................................................

الف – بیان مساله.................................................................................................................................1

ب – سابقه پژوهش ..........................................................................................................................15

پ\_ نوآوری پژوهش .....................................................................17

ت – ضرورت انجام پژوهش ...........................................................18

س- سوالات پژوهش .....................................................................19

ح- فرضیات پژوهش ...................................................................19

ج- اهداف و کاربرد های پژوهش ...................................................20

خ- روش پژوهش....................................................................21

چ- سامان دهی پژوهش ............................................................21

بخش اول: کلیات

1-2اصل بهره مندی از وکیل................................................................................................26

1-3آگاهی اصحاب دعوا ازموضوع دادرسی ....................................................27

1-4مفهوم شناسی امنیت قضایی .........................................................................................................28

5-1امنیت قضایی...............................................................................................................................31

6-1مبانی لزوم امنیت قضایی......................................................................................................36

7-1اصل تساوی سلاح ها ..........................................................................................................41

بخش دوم: چالش ها و راهکارهای فراروی

1-2حق داشتن وکیل...................................................................................................................45

2-2تامین امنیت قضایی.................................................................................................................52

2-3امنیت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی ما قبل دادرسی.......................................................57

2-4اصول تحقق اهمیت قضایی.................................................................................................................58

2-5قضات عادلانه ......................................................................................................................................58

2-6احترام به حقوق مکتسبه..................................................................................................................59

2-7عملکرد بدون تبعیض..........................................................................................................................59

2-8عدم جواز داوری بیشتر از یک بار.......................................................................................................60

2-9درک مشترک از قانون....................................................................................................................60

2-10تفهیم اتهام یا حق اطلاع متهم از موضوع اتهام............................................................. 61

2-10-1حقوق متهم و ضمانت های اجرائی مرحله........................................................ 62

2-10-2کفایت ادله برای احضار................................................................................................62

2-10-3درج علت احضار و نتیجه عدم حضور.................................................................................63

2-10--4بیان علت حضور در ورقه احضاریه.............................................................................................

2—10-5بی طرفی قضات.........................................................................................................64

2-10-6رویه قضایی وامنیت اقتصادی................................................................................... 66

2—10-7نقش رویه قضایی در نیل به امنیت اقتصادی ....................................................68

--8-10-2چالشها............................................................................................................................ 72

-9-10-2شفافیت راهکاری برای مدیریت تعارض منافع در نظام قضایی .................................... 75

مقدمه

الف – بیان مساله

[سند امنیت قضایی](https://wikicoi.com/view/%D8%B3%D9%86%D8%AF_%D8%A7%D9%85%D9%86%DB%8C%D8%AA_%D9%82%D8%B6%D8%A7%DB%8C%DB%8C) پس از تصویب توسط رییس قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۹۹/۷/۱۶ ، در روز ۲۴ مهر ماه در ۳۷ ماده در اجرای بند «ب» ماده ۱۲۰ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵ و به‌ منظور تحقق اهداف بندهای ۶۵، ۶۶ و ۶۷ سیاست‌های کلی قانون برنامه ششم توسعه کشور مصوب ۱۳۹۴ از سوی حجت‌الاسلام والمسلمین سید ابراهیم رئیسی ابلاغ شد. بنابراین، روح حاکم بر این سند، «تحول نظام قضایی» است  و هدف از آن تنظیم، ایجاد امنیت قضایی برای شهروندان و نهایتاً رسیدن به عدالت قضایی در فرآیند رسیدگی‏های حقوقی و کیفری است. برای رسیدن به این هدف به اصول و قواعدی استناد شده است که غالب آنها در قوانین موضوعه کشور از جمله قانون اساسی و قوانین عادی وجود دارد و لیکن قرائت‌های متفاوت و یا عدم اجرای دقیق آن‌ها ریاست محترم قوه قضائیه را در دوره جدید بر آن داشته که بر رعایت آنها تأکید نماید.

محتوای این سند، عمدتاً برگرفته از قوانین و بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های موجود است و به خودی خود حامل مقرره یا دستورالعمل قانونی جدید و بدیعی نیست.  هر چند تجمیع مطالب آن در قالب یک سند کلی در ایران جدید است ولی سابقه اصلی این اصول مستند به اصول قضایی موسوم به بنگلور است که در سال ۲۰۰۲ میلادی و به دلیل توافق بر تصویب و اجرای آن در شهر بنگلور هندوستان به اصول بنگلور معروف شده است.  در واقع این سند مشابه منشور حقوق شهروندی که توسط دولت ارائه شد، می‌کوشد با تجمیع و یکپارچه‌سازی مواد و اصول پراکنده‌ قانونی، به برجسته‌سازی مسئله‌ تحول در قوه‌ قضائیه بپردازد

آیت الله شریعتمدار جزایری اعتماد شهروندان به قوة قضاییه توانمند و سالم و احترام و التزام به قانون و تساوی تمام افراد جامعه در برابر قانون را، امنیت قضایی می داند. ایشان با بیان لزوم جهت گیری عادلانه سیستم قضایی ، به برخی از قواعد شکلی مورد نیاز برای برقراری امنیت قضایی اشاره می کند آیت الله یزدی ، امام جمعه موقت تهران نیز در یکی از خطبه های نماز جمعه خویش ، اقدام به تعریف امنیت قضایی می کند. ازنگاه وی : امنیت قضایی به معنی داشتن اطمینان به این که قاضی براساس قانون عمل کرده و اگر کسی شکایت دارد می تواند شکایت کند تا رسیدگی شود  
بررسی تعاریف و رویکردهای پیش گفته ، بیانگر این واقعیت است که نگاه روشن ودقیقی به مفهوم امنیت قضایی در میان صاحب نظران وجود ندارد. این در حالی است که مفهوم «امنیت قضایی » عیناً در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وارد گردیده است .

الف ـ قضا به مثابه سیستم

اکنون و به قصد بررسی دقیق تر مفهوم امنیت قضایی ، به تشریح نظام قضایی کشورمی پردازیم . اگر نظام قضایی کشور را یک سیستم در نظر آوریم ، می توانیم با بهره گیری ازمدلهای تجزیه و تحلیل سیستمی به بررسی دقیق تری از این سیستم نایل شویم . بر این اساس با مفاهیمی مانند نظام یا سیستم ،1 اهداف ،2 ورودیها،3 عملکرد یا فرآیند عمل 4 وخروجیها 5 روبرو خواهیم شد. بدین ترتیب ترکیبی مفهومی را در اختیار داریم که متشکل از اهداف ، ورودیها، عملکرد و خروجیهای یک سیستم می باشد.(8)  
هر آن چه را که بتوان سیستم یا نظام نام نهاد، می توان براساس این جدول به بحث وبررسی درآورد. هر نظام ، واجد برخی اهداف است و برای انجام دادن اعمال خویش دررسیدن به اهداف موردنظر، نیاز به برخی داده ها به مثابه ورودی دارد. نتیجه و محصول عملکرد نظام نیز در قالب برخی نتایج (تحت عنوان خروجی ) نمایان.  
فرآیند قضا و نظام قضایی نیز از این قاعده مستثنی نیست . از این زاویه نظام قضایی رانیز همانند هر سیستم دیگری می توان براساس اهداف ، ورودیها، عملکرد وخروجیهایش ، شناسایی کرد.

اهداف نظام قضایی کشور  
براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، اهداف نظام قضایی کشور را می توان شامل تأمین حقوق همه جانبه افراد (بند 14 از اصل سوم ) و پاسداری از حقوق مردم (مقدمه قانون اساسی ) دانست . این امر از طرق زیر محقق می شود:  
1ـ پیگیری و صدور حکم در مورد تظلمات ، تعدیات ، شکایات و حل و فصل دعاوی و رفع خصومات (اصل 156ـ بند 1)  
2ـ اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می کند (اصل 156 ـ بند 2)  
در صورتی که تأمین حقوق افراد از طریق رفع خصومت و اختلاف میان اصحاب دعوی باشد، با مصادیق بند اول از اصل 156 مواجه خواهیم بود. اما اگر تأمین حقوق افراد و پاسداری از حقوق مردم از طریق اخذ تصمیم و بدون اقامه دعوی از جانب کسی باشد، با مصادیق حسبه (بند دوم از اصل 156) سروکار خواهیم داشت .(9)  
در حالت اول ، قوة قضاییه از طریق صدور رأی و اعطای حقوق به ذیحق اقدام به رفع خصومت خواهد کرد. همچنین این قوه از طریق مورادی چون مثلاً نصب قیّم برای برخی افراد که فاقد ولی خاص می باشند (موضوع مادة 1218 قانون مدنی ) اقدام به تأمین و حفظ حقوق (اموال ) ایشان می نماید. اقدام قوة قضاییه در مورد اخیر، اصولاًنیازی به شکایت شاکی و ادعای مدعی ندارد و این قوه رأساً و براساس ترتیبات مقررشده ، نسبت به پیگیری امر و صدور حکم اقدام می کند

ورودی‌های نظام قضایی  
ورودیهای نظام قضایی کشور متعددند. مصادیقی از ورودیهای نظام قضایی کشور رامی توان به شرح زیر فهرست کرد:  
1ـ1 مردم : مردم در جایگاه طرفین اختلاف و یا کسانی که به نحوی با امور حسبیه مربوط هستند از جمله ورودیهای قوة قضاییه به شمار می روند. به عبارت دیگر تا قبل ازمراجعه مردم ، یعنی طرفین اختلاف ، فرآیند قضاء شکل نخواهد گرفت . همچنین می توان از نمایندگان مردم (وکلای ایشان ) نیز به مثابه بخشی از ورودیهای فرآیند قضاءیاد کرد. این نمایندگان (وکلا) فقر دانش و تجربه مردم در برخورد با قوة قضاییه را جبران می کنند.  
1ـ2ـ وابستگان قضایی و اداری قوة قضاییه : قضات ، وابستگان اداری دادگاهها،دادستانها، کارشناسان رسمی ، ضابطین قوة قضاییه و اعضای هیأت منصفه (در جرایم سیاسی و مطبوعاتی ـ اصل 168) از جمله مصادیق وابستگان قضایی و اداری قوة قضاییه هستند. این افراد در مقام بخشی از ورودیهای قوة قضاییه تأثیر زیادی در شکل گیری فرآیند قضاء و تأمین و یا عدم تأمین اهداف نظام قضایی دارند.  
1ـ3ـ قوانین و دیگر مقررات لازم الاجرا: قضاوت نیاز به برخی احکام کلی دارد که دردولتهای امروزی آن را مراجع دیگری قوای مقننه تهیه و در اختیار دادگاه ها و قوة قضاییه قرار می دهند. این متون که مبنای عمل ، رفتار و احکام قضات هستند، شامل موارد زیر می باشند:  
الف ـ قوانین مربوط به تعریف حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی . مجموعه قوانینی مانند قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی و بسیاری دیگر از قوانین ریز و درشت رامی توان در این ردیف شمارش کرد. در واقع چه در امور حسبیه و چه در امور ترافعی ،این گروه از قوانین هستند که مشخص می کنند که چه کسی صاحب حق است از این مجموعه از قوانین می توان به قوانین ماهوی تعبیر کرد  
ب ـ قوانین شکلی مربوط به صلاحیتها و آداب رسیدگی مقررات مربوط به آیین دادرسی و تعیین صلاحیتهای ذاتی و نسبی دادگاهها و شیوة رسیدگی در دادگاهها، دراین طبقه از قوانین و مقررات جای می گیرند؛ این که دادگاهها چگونه طبقه بندی می شوند، کدام دادگاهها به کدامین اختلاف رسیدگی می کند، شیوه و تشریفات رسیدگی چیست ؟ سلسله مراتب دادگاهها چگونه است و نظام نقض و ابرام احکام قضایی چیست ؟ به کمک قوانینی مشخص می گردد که آنها را قوانین شکلی نام می نهیم .  
ج ـ قوانین مربوط به نظام اداری در درون نظام قضایی ، نحوة استخدام وابستگان قضایی و اداری دادگاهها و غیره .

فرآیند قضا مرحله اصلی در نظام قضایی کشور، انجام گرفتن فعالیتی است که آن را قضاوت می نامیم . رسیدگی قاضی به مسأله مورد اختلاف ، شامل برخی مراحل تشریفاتی ومهم و برخی فعالیتهای ذهنی است که آن را قاضی انجام داده و در انتهاء به صدور حکم منتهی می شود. قاضی براساس برخی ورودیهای نظام قضایی (قوانین شکلی ) به برخی دیگر از این ورودیها (قوانین ماهوی ) مراجعه می کند تا موضوع اختلاف میان طرفین دعوی را با آنها منطبق ساخته و بتواند به شناسایی صاحب حق و تأمین حقوق وی اقدام نماید. ممکن است که مرحله جمع آوری ادله و تحقیق را نیز در جرگة همین مرحله (فرآیند قضاء) طبقه بندی کنیم . با این وصف به نظر می رسد که مراحل جمع آوری ادله ،تحقیقات مقدماتی و تبادل لوایح را باید در زمرة ورودیهای نظام قضایی طبقه بندی کرد

مرحله اصلی در نظام قضایی کشور، انجام گرفتن فعالیتی است که آن را قضاوت می نامیم . رسیدگی قاضی به مسأله مورد اختلاف ، شامل برخی مراحل تشریفاتی ومهم برخی فعالیتهای ذهنی است که آن را قاضی انجام داده و در انتهاء به صدور حکم منتهی می شود. قاضی براساس برخی ورودی های نظام قضایی (قوانین شکلی ) به برخی دیگر از این ورودیها (قوانین ماهوی ) مراجعه می کند تا موضوع اختلاف میان طرفین دعوی را با آنها منطبق ساخته و بتواند به شناسایی صاحب حق و تأمین حقوق وی اقدام نماید. ممکن است که مرحله جمع آوری ادله و تحقیق را نیز در جرگة همین مرحله (فرآیند قضاء) طبقه بندی کنیم . با این وصف به نظر می رسد که مراحل جمع آوری ادله ،تحقیقات مقدماتی و تبادل لوایح را باید در زمرة ورودیهای نظام قضایی طبقه بندی کرد

4-خروجی ها نتیجه عملکرد دستگاه قضایی و قضاوت قاضی در صدور برخی احکام قضایی وقرارهای قانونی مشاهده می شود. قرارهایی مانند قرار منع یا موقوفی تعقیب یا حکم برائت یا مجرمیت در دعاوی کیفری و قرارها و احکام دیگری در حوزه امور حقوقی ، ازجمله خروجیهای نظام قضایی کشور است . ترسیم روشنی از عملکرد نظام قضایی کشوررا می توان در جدول صفحه بعد دید.

ب-چیستی امنیت قضایی در بحثهای مربوط به امنیت ملی ، معمولاً به ابعاد ذهنی و عینی مفهوم امنیت پرداخته می شود. بعد عینی امنیت ناظر بر ویژگیها و شرایط خارجی است که به مثابه شاخصهای ظاهری امنیت شناسایی شده اند. اگر نیروهای نظامی کشور همسایه فاقد سلاحهای تهاجمی قوی باشند و یا این که سلاحهای هسته ای در اختیار نداشته باشند، احتمال آسیب پذیری خود را در این زمینه کمتر خواهیم دانست و در این وادی خود را امن ترمی دانیم . ارزیابی صورت گرفته ، در این حالت ناظر بر بود یا نبود یک شاخص عینی خارجی است که در حکم یک متغیر در ارزیابیهای ما وارد می شود. همچنین کاهش میزان بیکاری یا کاهش آشوبهای خیابانی را می توان از مصادیق عینی بهبود شرایط عینی کشور دانست  
در مقابل ، بعد ذهنی امنیت ، ناظر بر احساسی است که در کنش گر نسبت به ایمن بودن یا نبودن خود، ایجاد می گردد. اگرچه انتظار می رود میان ابعاد عینی و ذهنی امنیت ،تلازم منطقی وجود داشته باشد، با این وصف ویژگیهای روانی حیات انسان ، گویای این واقعیتاست که در عمل این احتمال می رود که چنین تلازمی دیده نشود. چه بسا که شرایط عینی نمایانگر بهبود اوضاع امنیتی کشور باشد، حال آن که مردم یا نخبگان آن کشور (به هر علت ) احساس مساعدی در این زمینه نداشته باشند. بالعکس ممکن است شرایط عینی مبین نامساعد بودن اوضاع امنیتی کشور باشد، حال آن که مردم یا نخبگان چنین احساس نداشته باشند

ب –سابقه پژوهش

محترم شمردن قوانین و مهمتر از آن التزام عملی به قانون، از اولین پایه های استمرار و قوام جامعه و ایجاد نظم و امنیت فردی و اجتماعی اسرت. در همین راستا امنیت قضایی، زمانی شکل خواهد گرفت که اصول دادرسی عادلانه به نحو گسترده تضمین کننده حقوق مادی و معنوی شهروندان و خصوصا اصحاب دعوا باشند. امروزه الزام و تمایل به استفاده از مکانیزم های حقوقی و ابزارهایی مادی چون: سامانه های الکترونیکی، تشکیل پرونده شخصیت متهم، الزامات تفهیم اتهام، حق دسترسی بازداشت شدگان به وکیل، استقلال بازپرس در صدور قرارها، اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق و ... موضوعات متنوعی را برای تحقیق و مطالعه فراهم نموده اند که بر آن شدیم تا یکی از موضوعات متنوعی امنیت مدار را به رشته تحریر درآوریم. هدف اصلی ، تبیین مفهومی به نام »امنیت قضائی« با تکیه بر ابزار دادرسی عادلانه و رعایت حقوق متهم در مرحله پیش از دادرسی است. در حقیقت، دادرسی عادلانه، یکی از حقوق بنیادین بشری است که صحت،کارایی و سلامت سیستم قضایی یک کشور را تضمین میکند و از همین اینرو، ضمن رعایت کامل حقوق قضایی، امنیت قضایی را نیز تأمین می نمایدهمچنین امنیت قضایی به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری در اسناد بین المللی مربوط به حقوق بشر و انواع آن، به عنوان حقوقی بنیادین و لازم الاجرا دارای ویژگی های حقوق سخت و از قواعد لازم الاجرا می باشد

از حقوق مربوط به موضوع امنیت قضایی که در اسناد بین المللی معتبر، ازجمله میثاق حقوق مدنی و سیاسی آمده، مواردی چون: آزادی و امنیت شخصی، حق دسترسی به دادگاه، حمایت در برابر بازداشت غیرقانونی و ... میتوان به اجمال نامبرد از آنجا که حاکمیت دولت به معنای اعم به تامین امنیت قضایی تحت عنوان یکی از ابعاد مختلف حقوق شهروندی موظف بوده لذا به نظر میرسد گام اول برای تحقق این امنیت، گسترش بسترهای قانونی در راه آموزش و حفظ حقوق شهروندی باشد. واز طرفی قوانینی در راستای تضمین حقوق قضایی شهروندان و در درجه بعد برای اصحاب دعوا، نزد مراجع انتظامی و محاکم قضائی وضع شود. حال شاید ابتدا به جهت اینکه بحث امنیت قضایی در حقوق کیفری ایران و رویه قضایی آنگونه که باید مورد توجه قرار نگرفته است در ثانی در کنار اهمیت موضوع رایج و مهم دیگر، یعنی رابطه امنیت قضایی و حقوق شهروندی- انجام تحقیق حاضر را به یک ضرورت مبدل ساخته است. مسئله اصلی این تحقیق بررسی این موضوع بوده که اساساً چیستی و مصادیق امنیت قضایی در مرحله پیش از دادرسی چگونه قابل ارزیابی و در نهایت دستیابی و مراقبت است؟ همین جا باید گفت با توجه به پیچیدگی روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... مجریان قانون نمی توانند برای هماهنگی با تغییرات روز جامعه منتظر ارائه تفسیر مناسب از قانونگذار یا تصویب قوانین جدید بمانند لذا اگر به وسیله رویه قضایی این تحول و تطول صورت نگیرد و قاعده حقوقی در راستای تفسیر منطبق با واقعیات و نیازهای جامعه از قانون ایجاد نشود، قانون مسکوت و یا مجمل میماند و یا دارای اثر مورد نظر قانونگذار نخواهد بود. در این پژوهش ضمن توجه دادن به مراتب، سطوح و موضوعات امنیت در کنار عدالت قضائی، با تکیه بر مفهوم متغیری چون »دادرسی عادلانه «، ارتباط عدالت و امنیت به این صورت که عدالت در یک مفهوم زمینه ساز امنیت است و در مفهومی دیگر که نتیجه و توجه به امنیت، عدالت می باشد، ارائه شده است. در پاسخ به سوال مورد تحقیق ابتدا مفهوم امنیت قضایی و مبانی آن، سپس مصادیق امنیت قضایی به طور خاص در مرحله کشف جرم و در ادامه در مرحله تحقیقات مقدماتی تبیین شده و به تحلیل و نتیجه بحث پرداخته می شود

پ-نوآوری پژوهش

امنیت در لغت به معنای ایـمن شـدن، در امـان بودن، آرامش و آسودگی است. در حالی که امنیت قضایی در اصطلاح حقوقی اطمینان خاطری است که بر اساس آن افراد در جامعه ای کـه زنـدگی میکنند تا نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نـداشته بـاشند همچنین این حقوقدان، قاضی و قانون را تاسیساتی تأمین کننده آزادی و امنیت میداند. همانطور که عدهای عقیده دارند: »امنیت قضائی عبارت است از کیفیت مناسب عملکرد دادگاهها در به کار بستن ضمانتهای اجرایی قانون، به ترتیبی که امام علی با فضیلت ترین شهروندان را قبل از نقض قوانین و تعهدات شان از آن عمل باز دارد مردمان را کسی میداند که به بیشترین حد، به حق قضاوت کند. در این ساحت به نظر میرسد که نظام قضائی هر کشوری میتواند مدافع حقوق شهروندان، مجری عدالت و رکن اصلی ایجاد امنیت قضائی باشد. بنابراین امنیت نه تنها یک ارزش و به خودی خود مطلوب است بلکه وسیله ای است برای رسیدن بـه مـطلوبه ای دیگربه عبارت دیگر آثار قوانین در حمایت از ارزشها و منافع اجتماعی بروز پیدا نمیکند مگر اینکه قوه قضائیه این حمایت را قضایی، و حفظ کرامت برای تامین امنیت تضمین و سرپرستی کند. برابر بند 6 اصل 2 ق.ا. ج.ا.ا و ارزش والای انسان و آزادیهای مشروع او در جامعه، تنها راه رسیدن برپائی قسط و عدل واقعی است. از این رو برای اینکه همه افراد در مقابل قانون یکسان تلقی شوند و درنتیجه تساوی عموم در برابر قانون محقق گردد؛ امنیت سازی قضائی اولا: بر عهده حکومت دولتها و ثانیا: وظیفه ذاتی قوه قضائیه خواهد بود. کلید واژهای که عینا در قانون اساسی ایران و ، ازجمله در شرح وظایف بنابراین امنیت دولت به معنی اعم ذکر شده است. قضایی را میتوان در تعریف زیر بیان کرد: عملکرد صحیح، به هنگام و بدون تبعیض سیستم قضایی جهت رسیدن به اهداف تعریف شده و اطمینان عمومی نسبت به این عملکرد.« اگر اهداف نظام قضایی در کشور را، تأمین و دفاع از حقوق شهروندان بدانیم، امنیت قضایی آن هنگام حاصل خواهد شد که قواعداحکام، نهادها، سازمان و فعالان موجود در بخش قضایی کشور مجموع ورودیها، فرآیند قضاء وخروجیهای نظام قضایی در رسیدن به این اهداف، تلاش ورزند، از این رو اگر نظام قضایی موجود باشد و به هر علت نتواند به اهداف یاد شده نایل گردد، خواهیم گفت که به میزان محروم شدن از اهداف نظام قضایی، از امنیت قضایی محرومیم درنتیجه مواردی که تضمین کننده حقوق شهروندان است مانند: اصل برائت برای متهم، شخصی بودن مجازاتها، تساوی افراد در برابر قانون، اصل علنی بودن رسیدگی و محاکمات و همچنین بررسی این قوانین در امنیت قضایی متهم و شاکی در مرحله رسیدگی و تحقیقات مقدماتی، باید همیشه مورد حمایت و حفاظت قرار گیرند

ت-ضرورت انجام پژوهش

هدف از پژوهش در امنیت قضایی ایجاد باور ، خود سازی و ایمان برای سالم سازی دستگاه قضا است و باید با مدیریت و با استفاده از افراد لایق و متخصص جهت کاهش فساد در سیستم قضایی باشیم یک مشکل اساسی این است که ذهن وفکر پژوهشی نداریم نگاه پژوهشی باید به هم افزایی جمعی ختم شود تا انباشت دانش داشته باشیم پژوهش منجر به تغییر و ارتقای سطح دانش و زندگی می شود ذات پژوهش یادگیری ویاددهی است روش مندی ،رسیدن به واژگان مشترک و اهمیت داده ها مراحل مختلف رسیدن به پژوهش است پژوهش فرآِیند هوشمند ،خلاق و روش مند برای بیان ، یافتن ،توصیف ،بازنگری پدیده ها ، رخداد ، رفتار و باور است که منجر به تغییر وخلق دانش جدید می شود

س- سوالات پژوهش

مهم ترین پرسش پژوهش حاضر بررسی میزان انطباق در مقررات شکلی وماهوی درایران در مورد فرآیند رسیدگی به پرونده های قضایی با روش ها و راهکار های پیشگیرانه واین که تا چه اندازه ستختار و تشکیلات قضایی ایران در رابطه با چالش های امنیت قضایی با آنچه در قانون اساسی و قوانین موضوعه منطبق است

ح -فرضیات پژوهش

رسیدگی به چالش های فرآوری نهاد امنیت قضایی بر تمام فرآیند حقوق شهروندی انجام تحقیق حاضر را به یک ضرورت مبدل ساخته است. مسئله اصلی این تحقیق بررسی این موضوع بوده که اساساً چیستی و مصادیق امنیت قضایی در مرحله پیش از دادرسی چگونه قابل ارزیابی و در نهایت دستیابی و مراقبت است؟ همینجا باید گفت با توجه به پیچیدگی روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... مجریان قانون نمیتوانند برای هماهنگی با تغییرات روز جامعه منتظر ارائه تفسیرمناسب از قانونگذار یا تصویب قوانین جدید بمانند لذا اگر به وسیله رویه قضایی این تحول و تطول صورت نگیرد و قاعده حقوقی در راستای تفسیر منطبق با واقعیات و نیازهای جامعه از قانون ایجاد نشود، قانون مسکوت و یا مجمل میماند ویا دارای اثر مورد نظر قانونگذار نخواهد بود.

ج- اهداف و کاربرد های پژوهش

نخستین و ساده ترین بحث در پژوهش این است که پژوهش هدف نیست بلکه ابزار رسیدن به برخی اهداف است که این اهداف بنا به مخاطب متفاوت اند چون مخاطب ما قضات هستند و باید اهدافمان را بر اساس مخاطبمان تنظیم کنیم

اگر اهداف نظام قضایی در کشور را، تأمین و دفاع از حقوق شهروندان بدانیم، امنیت قضایی آن هنگام حاصل خواهد شد که قواعد، احکام، نهادها، سازمان و فعالان موجود در بخش قضایی کشور مجموع ورودیها ، فرآیند قضاء و خروجیهای نظام قضایی در رسیدن به این اهداف، تلاش ورزند، از این رو اگر نظام قضایی موجود باشد و به هر علت نتواند به اهداف یاد شده نایل گردد، خواهیم گفت که به میزان محروم شدن از اهداف نظام قضایی، از امنیت قضایی محرومیم درنتیجه مواردی که تضمین کننده حقوق شهروندان است مانند: اصل برائت برای متهم، شخصی بودن مجازاتها، تساوی افراد در برابر قانون، اصل علنی بودن رسیدگی و محاکمات و همچنین بررسی این قوانین در امنیت قضایی متهم و شاکی در مرحله رسیدگی و تحقیقات مقدماتی، باید همیشه مورد حمایت و حفاظت قرار گیرند

خ- روش پژوهش

با استفاده از روش تحقیق توصیفی – تحلیلی در دو بخش مجزا ساختار تشکیلاتی مراجع قضایی ،دادسرا مربوط به چالش ها در نظام دادرسی مورد بررسی قرار داده است و این که تا چه اندازه این ساختار و قواعد دادرسی در مورد قضات با راهکارهای و روش های پیشگیرانه آمده است

چ- سامان دهی پژوهش

برای شناخت و نیز حمایت از امنیت قضائی، در کنار ظهور مفاهیمی چون مشروعیت و عدالت طبیعی و ... اصلاح قوانین بر اساس مکتب فطری- انسانی اسلام و نیز بهره مندی از تجارب حاصل از رویه قضائی، باید به مقوله کرامت ذاتی انسانها اشاره کرد. انسان به علت داشتن کرامت ذاتی بهره مند از برخی حقهای بنیادین است که این حقوق اولیه در اسناد حقوق بشری منطقهای و بازتاب بین المللی یافته اند.

امنیت و عدالت از ابهام آمیزترین و چالش برانگیزترین اصطلاحات حوزۀ مطالعات علوم انسانی هستند. شاید یکی از دلیل این ابهام و مناقشه، مُشکّک بودن این دو اصطلاح باشد؛ بدین معنا که هم عدالت و هم امنیت مقوله هایی ذومراتب هستند و سطوح و جلوه های مختلفی را در برمیگیرند در واقع امنیت قضائی به این معناست که افراد بتوانند در کوتاه ترین زمان ممکن به حقوق خود اعم از حق فردی یا اجتماعی برسند به اجرای عدالت دست پیدا کنند حال در بررسی واژه امنیت که به معنی فراغت نسبی هر انسانی از تهدید یا حمله میباشد؛ و شامل انواع و دسته بندهایی مانند: امنیت فردی، امنیت عمومی، امنیت خانوادگی، امنیت اجتماعی و ... موضوع امنیت قضائی در مرحله پیش از دادرسی، موضوع بررسی قرار گرفته است

از سوی دیگر امنیت حقوقی به عنوان اصلی پویا از پیشینهای طولانی برخوردار است. به طوری که فقه اسلامی به عنوان ریشه حقوق موضوعه ایران در موارد بسیاری به مصادیق این اصل اشاره دارد ، از جمله برابری آحاد مردم در مقابل قانون، تامین حقوق اجتماعی افراد بیمه سلامت، حق بازنشستگی و ... حق داشتن وکیل و دادخواهی در دادگاهها و دهها حق مسلم دیگر به طور مبنایی برای حفظ کرامت انسان ها و در مسیر ایجاد امنیت قضائی، برخی اصول در نظامهای کیفری تعیین شده است که رعایت آنها به تبع عدالت وامنیت قضایی را تامین میکند

بخش اول :کلیات

امنیت در لغت به معنای ایـمن شـدن، در امـان بودن، آرامش و آسودگی است در حالی که امنیت قضایی در اصطلاح حقوقی »اطمینان خاطری است که بر اساس آن افراد در جامعه ای کـه زنـدگی میکنند تا نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نـداشته بـاشند همچنین این حقوقدان، قاضی و قانون را تاسیساتی تأمین کننده آزادی و امنیت میداند. همانطور که عدهای عقیده دارند: »امنیت قضائی عبارت است از کیفیت مناسب عملکرد دادگاهها در به کار بستن ضمانتهای اجرایی قانون، به ترتیبی که شهروندان را قبل از نقض قوانین

و تعهداتشان از آن عمل باز دارد

در این ساحت به نظر میرسد که نظام قضائی هر کشوری میتواند مدافع حقوق شهروندان، مجری عدالت و رکن اصلی ایجاد امنیت قضائی باشد. بنابراین امنیت نه تنها یک ارزش والای و به خودی خود مطلوب است بلکه وسیلهای است برای رسیدن بـه مـطلوبهای دیگربه عبارت دیگر آثار قوانین در حمایت از ارزشها و منافع اجتماعی بروز پیدا نمی کند مگر اینکه قوه قضائیه این حمایت را قضایی، و حفظ کرامت برای تامین امنیت تضمین و سرپرستی کند. برابر بند 6 اصل 2 ق.ا. ج.ا.ا و ارزش والای انسان و آزادیهای مشروع او در جامعه، تنها راه رسیدن برپائی قسط و عدل واقعی است. از این رو برای اینکه همه افراد در مقابل قانون یکسان تلقی شوند و درنتیجه تساوی عموم در برابر قانون محقق گردد؛ امنیت سازی قضائی اول: بر عهده حکومت ودولتها و ثانیا: وظیفه ذاتی قوه قضائیه خواهد بود. کلید واژهای که عینا در قانون اساسی ایران و ، ازجمله در شرح وظایف بنابراین امنیت دولت به معنی اعم ذکر شده است قضایی را میتوان در تعریف زیر بیان کرد

عملکرد صحیح، به هنگام و بدون تبعیض سیستم قضایی جهت رسیدن به اهداف تعریف شده و اطمینان عمومی نسبت به این عملکرد اگر اهداف نظام قضایی در کشور را، تأمین و دفاع از حقوق شهروندان بدانیم، امنیت قضایی آن هنگام حاصل خواهد شد که قواعد، احکام، نهادها، سازمان و فعالان موجود در بخش قضایی کشور مجموع ورودیها، فرآیند قضاء و خروجی های نظام قضایی رسیدن به این اهداف، تلاش ورزند، از این رو اگر نظام قضایی موجود باشد و به هر علت نتواند به اهداف یاد شده نایل گردد، خواهیم گفت که به میزان محروم شدن از اهداف نظام قضایی، از امنیت قضایی محرومیم درنتیجه مواردی که تضمین کننده حقوق شهروندان است مانند: اصل برائت برای متهم، شخصی بودن مجازاتها، تساوی افراد در برابر قانون، اصل علنی بودن رسیدگی و محاکمات و همچنین بررسی این قوانین در امنیت قضایی متهم و شاکی در مرحله رسیدگی و تحقیقات مقدماتی، باید همیشه مورد حمایت و حفاظت قرار گیرند

برای شناخت و نیز حمایت از امنیت قضائی، در کنار ظهور مفاهیمی چون مشروعیت و عدالت طبیعی و ... اصلاح قوانین بر اساس مکتب فطری- انسانی اسلام و نیز بهره مندی از تجارب حاصل از رویه قضائی، باید به مقوله کرامت ذاتی انسانها اشاره کرد. انسان به علت داشتن کرامت ذاتی بهره مند از برخی حق های بنیادین است که این حقوق اولیه در اسناد حقوق بشری منطقهای و بازتاب بین المللی یافته اند.

از سوی دیگر امنیت حقوقی به عنوان اصلی پویا از پیشینه ای طولانی برخوردار است. به طوری که فقه اسلامی به عنوان ریشه حقوق موضوعه ایران در موارد بسیاری به مصادیق این اصل اشاره دارد ، از جمله برابری احاد مردم در مقابل قانون، تامین حقوق اجتماعی افراد بیمه سلامت، حق بازنشستگی و .. ، حق داشتن وکیل و دادخواهی در دادگاهها و دهها حق مسلم دیگر. به طور مبنایی برای حفظ کرامت انسانها و در مسیر ایجاد امنیت قضائی، برخی اصول در نظامهای کیفری تعیین شده است که رعایت آنها به تبع عدالت وامنیت قضایی را تامین میکند

همچنین برای بررسی میزان مطلوبیت هر موضوع یا فرایند، ، ازجمله قانون و قانونگذاری، به ناچار باید آن را با مقوله عدالت ارزیابی کرد. عدالت در معنای عملی خود با مفاهیم نزدیک و هم خانوادههایی مانند: برابری، اخلاق، قانون، انصاف، آزادی در می آمیزد بدین ترتیب، در این جوامع افراد ملت مشمول محدودیتها و اوامر و نواهی قانونی قرار نمی گیرند مگر با اعمال مقررات قانونی در مراجع قضایی که در آن کلیه معیارهای دادرسی عادلانه، مد نظر قرار گرفته باشد پس امنیت قضایی هر کشور بستگی به کارکرد نهادهای متعدد کشوری بالاخص دستگاه قضایی آن کشور دارد و کارکرد صحیح این قوه و دادگستری ها در اقصی نقاط کشور امنیت و آزادی را به دنبال میاورد مهمترین عناصر و مولفه های امنیت قضایی عبارتند از: حاکمیت قانون، به معنای احترام و التزام مسئولان نظام و مردم به قانون و حسن اجرای آن در جامعه؛ استقلال قضایی؛ به این معنا که قضات مطابق قانون و وجدان و بنابر تشخیص قضایی خود و بدون نفوذ هرگونه مقامی حتی مقامات قضایی بالاتر از خود مبادرت به صدور حکم و اتخاذ تصمیم قضایی نمایند حال تضمین واقعی برای برخورداری افراد یک جامعه از حقوق بنیادین در باب امنیت، یکی تامین دادرسی عادلانه برای شهروندان به معنی عادلانه برگزار شدن دادگاهها، به عنوان یک قاعده کلی و دیگری تشخیص حق از باطل و اجرای عدالت واقعی در جزءجزء فرآیند دادرسی است و لذا استناد و اتکاء بر اصول و ساز و کارهای دادرسی عادلانه عدالت شکلی و به دنبال آن احقاق حقوق و فصل خصومت و ایجاد صلح و سازش عدالت ماهوی در مرئی و منظر عموم مردم، تقویت هر چه بیشتر امنیت قضائی- در مرحله تحقیقات مقدماتی و نیز در مراحل مختلف دادرسی را در بر خواهد داشت. به این منظور به مرور بر اصول هفتگانه دادرسی عادلانه مورد توجه و رعایت نظامهای حقوق؛ می پردازیم

اصل برائت از بنیادی ترین اصول کلی حاکم بر دادرسی، به این معنی است که بنای دادرسی بر عدم ارتکاب جرم توسط افراد قرار دارد؛ مگر اینکه با رسیدگی صحیح و عادلانه، جرم فرد در یک مرجع صالح قانونی ثابت شود. حق بهره مندی از این اصل در اصل 37 ق. ا، بند 2 ماده واحده 2 قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، بند الف ماده 177 قانون آیین 3 دادرسی کیفری مصوب 1387، همچنین ماده 11 اعالمیه جهانی حقوق بشر به صراحت مورد تایید قرار گرفته است؛ و در حال حاضر ماده 4 قانون آئین دادرسی کیفری با ظهور کامل به این 4 اصل اشاره کرده است: از آن جا که اصـل »بـرائت« نتیجه منطقی اصل قانون بودن جرائم به

به شمار می رود و در امور کیفری کاربرد بسیار حائز اهمیتی دارد لذا اصل امنیت حقوقی ایـجاب مـی کند کـه شهروندان اطمینان داشـته بـاشند که به جز در مواقع احـراز جـرم، هیچگاه وضعیت حقوقی آنان دگرگون نمیشود و همواره تا پیش از تغییر وضعیت حقوقی از حمایت نـظام حـقوقی برخوردار هستند علاوه بر این پذیرش اصل برائت دو اثر عـمده دیگر در دادرسـی کیفری دارد: یـک اثـر آن حـقهای دفاعی متهم و دیگری حـق های ناظر بر تأمین آزادی متهم است

یکی دیگر از اصول مهم دادرسی، اصل بی طرفی مقام قضائی در دادرسی است. بی طرف بودن ، ازجمله تعهداتی است که قاضی باید دارا باشد و منظور از اصل استقلال و بی طرفی رسیدگی کننده آن است که اول قضات بدون جانبداری سیاسی، حقوقی و اعتقادی به وظیفه خویش بپردازند و ثانیا؛ رسیدگی قضایی باید مستدل، مستند و در چارچوب قوانین حاکم باشد. درباره تامین این حق و رعایت این اصل در بند 1 ماده 21 اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: »هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاه مستقل و بی طرف، منصفانه و علنا رسیدگی شود.« در ماده 10 این اعلامیه نیز گفته: »هر انسانی سزاوار و محق به دسترسی کامل و برابر به دادرسی آشکار و عادلانه توسط دادگاهی بیطرف و مستقل است تا در برابر هر گونه اتهام جزایی علیه وی، به حقوق و تکالیف وی رسیدگی کند«. اکنون در مقررات ایران نیز به صراحت از بیطرفی در دادرسی سخن رفته است و ماده 3 قانون آئین دادرسی کیفری مقرر داشته: »مراجع قضایی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاهترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند ملاحظه می شود در بیان اصول قطعی دادرسی عادلانه و برای تامین امنیت قضائی قانونگذار سال 1392 در بخش اول به نام کلیات، فصل اول در جایگاه تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن، اصول حقوقی و قواعد آمرهای را درج و اشاره کرده است که آرزوی مجریان دستگاه قضائی و شهروندان بوده است. در کنار این، رویه قضایی به واسطه عوامل مهمی چون استقلال قاضی، قضاوت عادلانه، احترام به حقوق مکتسبه، درک مشترک از قانون، عملکرد بدون تبعیض نقش بسیار مهمی در تحقق امنیت قضایی دارد همچنین در ارزیابی ها، قضاوت براساس میزان عدل مورد سنجش قرار میگیرد ولازمه سلامت این معیار، خالی بودن دستگاه قضایی از هرگونه اثرپذیری از منافع یا عواطف شخصی میباشد البته وظیفه قانون نیز تضمین بی طرفی از طریق تعیین دلیلی که ممکن است منجر به عدم ایجاد بی طرفی شود، میباشد. بنابراین قانون میبایست بیطرفی دستگاه قضایی را از طریق اعمال وظایف مشخص بر قوه قضائیه بر عهده بگیرد . بنابراین یکی از سازوکارهای تأمین امنیت قضایی در روایات، رعایت عدالت و تساوی افراد در برابر قانون است که از پایه های اساسی قضاوت به شمار آمده است. در همین راستا در کلامی امام صادق( ع )فرموده اند: »هر کس درگیر قضاوت شد، باید در اشاره و نگاه کردن و محل نشستن، تساوی را رعایت کند

اصل علنی بودن محاکمات نیز به عنوان یکی از اصول اساسی دادرسی عادلانه، وضعیتی است که در آن بدون ایجاد مانع بر سر راه حضور افراد عادی و رسانه های عمومی، جلسات رسیدگی به اتهام متهم تشکیل و اداره میشود. ماده 14 میثاق بین المللی حقوق مدنی و بند 1 ماده اعلامیه حقوق بشر بر علنی بودن رسیدگی تاکید کرده اند. البته اصل 165 قانون اساسی مقرر کرده است: »محاکمات علنی انجام میشود و حضور افراد بالامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمات علنی نباشد.« اگرچه تحقیق مقدماتی پیش از دادرسی چه در دادسرا و چه در محاکم بدوی غیرعلنی است، ولی این مقطع با اصل دادرسی توسط مقامی بی طرف تضمین خواهد شد، یعنی محرمانه بودن تحقیقات برای کشف حقیقت است نه جمع آوری علیه متهم لذا با گذر از محدودیت ماده 192 قانون آئین دادرسی کیفری میتوان به دادرسی علنی و رسیدگی عادلانه در نظام کیفری ایران اشاره نمود، چراکه علنی بودن محاکمه یک اصل بدیهی و مقبول جوامع است. پس از سپری شدن مرحله تحقیقات مقدماتی؛ اصل بر ترافعی و علنی بودن محاکمه است

1-4اصل علنی بودن دادرسی

اصل علنی بودن محاکمات نیز به عنوان یکی از اصول اساسی دادرسی عادلانه، وضعیتی است که در آن بدون ایجاد مانع بر سر راه حضور افراد عادی و رسانه های عمومی، جلسات رسیدگی به اتهام متهم تشکیل و اداره میشود. ماده 14 میثاق بین المللی حقوق مدنی و بند 1 ماده اعلامیه حقوق بشر بر علنی بودن رسیدگی تاکید کرده اند. البته اصل 165 قانون اساسی مقرر کرده است»محاکمات علنی انجام میشود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه ،علنی

بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمات علنی نباشد.« اگرچه تحقیق مقدماتی پیش از دادرسی چه در دادسرا و چه در محاکم بدوی غیرعلنی است، ولی این مقطع با اصل دادرسی توسط مقامی بیطرف تضمین خواهد شد، یعنی محرمانه بودن تحقیقات برای کشف حقیقت است نه جمع آوری علیه متهم لذا با گذر از محدودیت ماده 192 قانون آئین دادرسی کیفری میتوان به دادرسی علنی و رسیدگی عادلانه در نظام کیفری ایران اشاره نمود، چراکه علنی بودن محاکمه یک اصل بدیهی و مقبول جوامع است. پس از سپری شدن مرحله تحقیقات مقدماتی؛ اصل بر ترافعی و علنی بودن محاکمه است

1-5اصل بهره مندی از وکیل

حق داشتن وکیل یکی دیگر از اصول دادرسی منصفانه را حق متهم به داشتن وکیل عنوان میکنند که در اصل 35 قانون اساسی پیش بینی شده است. در حال حاضر این حق ضمن مواد 5 ،تبصره 2 ماده 13 ،48 ، 68 ،86 ،152 ،154 ،190 ،195 ،263 و ... قانون آپین دادرسی کیفری مطرح و تثبیت شده است و در صورت عدم رعایت این ضوابط نظیر سلب حق همراه داشتن وکیل، منجر به محکومیت انتظامی قضات خواهد شد. در این قسمت با ذکر مواد مرتبط، گذری به موضوع اصل بهره مندی از وکیل می شود :

حق دسترسی به وکیل: »ماده 5 -متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود

تقاضای همراهی وکیل: »ماده 48 -با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم میتواند تقاضای حضور وکیل نماید.«

نحوه حضور و اختیارات وکیل: ماده 190« متهم میتواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ میشود. وکیل متهم میتواند با کسب اطلاع از اتهام و دلیل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورتمجلس نوشته میشود اصل بهره مندی از وکیل حق داشتن وکیل به عنوان یکی از اصول دادرسی عادلانه در جهت تامین امنیت قضائی افراد جامعه تا به آنجا مورد نظر قانونگذار قرارگرفته است که برای رعایت اصل برابری سلاح ها، در مقطعی وکیل میتواند در محاجه با مقام قضائی مبادرت به تذکر موضوع تبصره ماده 195 نماید »تبصره– وکیل متهم میتواند در صورت طرح سؤالات تلقینی یا سایر موارد خلاف قانون به بازپرس تذکر دهد .اصل تفهیم اتهام به متهم این حق متهم میباشد که از جانب مقام قضایی اتهام وی به نحوهای بیان شود که با توجه به شرایط و وضع متهم برای او قابل درک باشد. تفهیم اتهام باید با ذکر ماده قانونی که توسط متهم نقض شده و از جانب مقام قضایی صورت بگیرد. حق اطلاع دقیق از زمینه اتهام، نوع و درجه آن که در ابتدایی ترین مراحل تعقیب و تحقیق باید صورت پذیرد تا متهم بتواند خود را برای دفاع مناسب آماده سازد پیش از این در ماده 127 و بعد ماده 129 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1378 ضمن اشاره به لزوم تسریع در تحقیقات مقدماتی به این اصل تفهیم اتهام اشارهای شده بود و حق تفهیم اتهام برای متهم را به رسمیت شناخته شده بود. به دلیل اهمیت تفهیم در بند 2 ماده 9 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر شده: »هرکس دستگیر میشود باید در موقع دستگیر شدن از جهات علل آن مطلع گردد و در اسرع وقت اخطاریه ای دایر به هرگونه اتهامی که به او نسبت داده میشود، دریافت دارد و اما در ادامه قانون آئین دادرسی کیفری در مواد 5 ،6 و 7 برای تأمین عدالت قضائی و تشریفات دادرسی عادلانه هر چه تمام تر پایه گذاری امنیت قضائی را شکل میدهد: آگاهی از حقوق دفاعی متهم: ماده 5« متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود

1-6آگاهی اصحاب دعوا ازموضوع دادرسی :

ماده 6« متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذیربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود« رعایت حقوق شهروندی و ضمانت اجرای نقض آن: ماده 7« در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در »قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب 15/2/1383 »از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده 570 قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده مصوب 2/3/1375 محکوم می شوند، مگر آنکه در

این قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد پس به طورکلی تحقق امنیت قضایی از مهمترین نیازها وحقوق انسانی شهروندان است. امنیت قضایی موجب اعتماد و اطمینان شهروندان نسبت به جامعه می شود و زمینه ی رشد و بالندگی جوامع را فراهم میکند و فقدان یا ضعف آن موجب اختالل در نظم اقتصادی و سیاسی می شود

1-7مفهوم شناسی امنیت قضایی

امروزه تامین امنیت در راس دغدغه هایی هر نظام حقوقی قرار گرفته است یکی از ابعاد مهم امنیت که احساس آرامش شهروندان را به دنبال خواهد داشت تامین امنیت قضایی است امنیت قضایی یعنی در امان بودن ، جان ، مال ، ناموس ، آزادی ، حیثیت و حقوق شهروندان از هر گونه تجاوز ، سازوکار های مناسب برای نیل به این مقصود و تامین امنیت قضایی شهروندان به ویژه متهمین چیست ؟ نظام های حقوقی ایران در این زمینه ، چه گام هایی برداشته اند و چه اقداماتی را پیش بینی کرده اند ؟تامین امنیت قضایی در پرتو ضمن اصول دادرسی عادلانه و منصفانه و حضور قضاتی مستقل و بی طرف در مراجع قضایی و رعایت حقوق دفاعی ایشان مانند اصل برائت ، حق داشتن وکیل و تفهیم آن حاصل می شود رعایت اصل برائت وپایبندی به آن وحضور وکیل در فرآیند کیفری ،علاوه براین که به عنوان یاور دادرس شناخته می شود در اجرای عدالت نیز سودمند است مورد توجه نظام حقوقی ایران ودر کانون اصلی توجه اسناد بین المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر 1948 قرار دارد مطابق قانون آیین دادرسی کیفری ایران کسی را نباید بدون دلیل کافی برای انتساب اتهام به عنوان متهم احضار یا جلب کرد این مقرره به اصل برائت اشاره دارد وتامین کننده امنیت قضایی است که شهروندان می توانند در پرتو آن خود را از هرگونه پیگیرد غیر قانونی در امان دارند واز سوی دیگر در صورت توجه اتهام با برخورداری از یک وکیل به دفاع از خود بپردازد با توجه به اهمیت وکیل در فرآیند دادرسی کیفری ،حضور وکیل در تمام مراحل دادرسی در نظام حقوقی ایران پیش بینی شده است

تامین حقوق متهم و منافع جامعه و حفظ نظم و مصالح اجتماعی از هدف های مهم نظام های حقوق کیفری است بدون آن که دفاع از منافع جامعه تمسکی برای نادیده گرفتن حقوق متهم باشد ویا مقررات دادرسی کیفری به نحوی وضع شوند که مجرم بتواند از چنگال عدالت فرار کند ویا این که احیانا بی گناهی را به ناحق گرفتار عقاب سازد توجه به حقوق متهم و جامعه پیوسته باید مد نظر حاکمیت باشد اما در دوره هایی از تاریخ ، گاهی فقط تامین منافع متهم و گاهی تنها حفظ مصالح اجتماع مورد توجه قرار گرفته است در حالی که تامین حقوق متهم وبرخورداری وی از دادرسی عادلانه هم زمان با رعایت مصالح اجتماعی دست یافتنی است برای تحقق هدف مذکور و برخورداری از امنیت قضایی و برای پرهیز از هر گونه تجاوز و تهدید نسبت به جان ، مال ،ناموس آزادی ، شرف و احقاق حقوق قانونی و مشروع شهروندان چه باید کرد ؟ قانون گذار ایران در راستای رسیدن به این هدف ،سعی نموده با شناسایی معیار های دادرسی منصفانه ، در جهت حمایت از منافع متهم و جامعه گام های اساسی و مهمی بردارد زیرا امنیت قضایی در پرتو حقوق دفاعی متهم شکل می گیرد از این رو ، حقوق دفاعی متهم را به عنوان یکی از معیار های دادرسی عادلانه ابتدا در قانون اساسی و سپس در قانون آیین دادرسی کیفری آورده است حقوق دفاعی متهم در اصول 38، 37 ، 35 قانون اساسی پیش بینی شده تا متهم بتواند فعالانه در جهت رد اتهامی که متوجه وی شده است اقدام نماید قانون آیین دادرسی کیفری نیز با بکارگیری الگو های دادرسی عادلانه و با هدف تامین امکانات برابر برای طرفین دعوی ، تحولاتی را ابتدای فرآیند کیفری کشف جرم و تحقیقات مقدماتی در جهت حفظ حقوق متهم پیش بینی کرده است

مطابق ماده 68 ق.آ.د.ک مصوب 1392نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام ، کسی را به عنوان متهم احضار یا جلب کرد ، به عنوان اصلی بنیادین به امنیت قضایی همه شهر وندان اشاره دارد ، که می تواند از یک سو زیر سایه آن احساس آرامش کنند و خود را از هر گونه تعقیب و احضار ناصواب مصون دارند و از سوی دیگر در صورت توجه اتهام با برخورداری از وکیل به دفاع از خود بپردازد حضور وکیل در فرآِیند دادرسی کیفری ، آنچنان پراهمیت است که سیاست گذاران جنایی بین المللی وملی حق برخورداری از وکیل را در شمار حقوق بنیادین متهم وبزه دیده گنجانده اند با این وجود ، اگرچه در تمامی اسناد و موازین حقوق بشر ، بر لزوم حق بهره مندی از مساعدت وکیل به عنوان یکی از تضمینات دادرسی عادلانه تاکید شده لیکن در خصوص مبنا و ضرورت به رسمیت شناختن این حق برای متهم هیچ گونه تصریحی در اسناد فوق به عمل نیامده است

مبانی بحث مانند اصل برائت ، تساوی سلاح ها ، تسریع رسیدگی و به حق برخورداری متهم از وکیل پرداخته می شود

1-8امنیت قضایی

کلمه امنیت ریشه در واژه امن دارد وبه معنی در امان و آرامش بودن است امن و امنیت را ر اصل به معنای آرامش نفس و از بین رفتن ترس است در لغت ، حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله ویا آمادگی برای رویارویی با هرتهدید وحمله را گویند

دراصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی ، امنیت اجتماعی ، امنیت ملی و بین المللی به کار برده می شود تعاریف متعددی از امنیت ارائه شده که شاید یکی از اختلافات مهم در مفهوم امنیت ،میزان وسعت مفهوم امنیت از جهت بخش ها و ابعاد آن است واژه امنیت ابتدا در ادبیات سیاسی آمریکا متداول شد وبعد از تغییرات مهمی که پس از جنگ جهانی دوم در سیاست بین الملل پدید آمد ، باعث شد تا این مفهوم نیز هر چه بیشتر کارایی پیدا کند

امنیت قضایی نیز عبارت است از ایمنی و مصون ماندن فرد از هر گونه تعرض ، تجاوز ، ارعاب و تهدید نسبت به جان ، مال ، ناموس ، آزادی ، شرف ، حیثیت ، شغل و مسکن وبه طور کلی تمامی حقوق قانونی و مشروع او است امنیت قضایی ، فرآیندی برای رسیدن به یک نظام قضایی عادلانه و منصفانه است که در آن همگان به عدالت دسترسی داشته باشد ، حقوق افراد به طور مناسب تامین شود وعدالت نسبی میان افراد جامعه وبه ویژه حاکمان وشهروندان برقرار شود امنیت قضایی عبارت از توسعه عدالت در جامعه ، تامین آزادی های مشروع و حمایت از آنها و به کار بردن تشریفات ومقررات قضایی روان ومناسب است

امنیت قضایی ، حالتی است که در آن ، حیثیت ، جان ، مال وتمامی امورمادی ومعنوی انسان در حمایت قانون ودر صیانت قوه قضائیه باشد برای ایجاد چنین حالتی ، باید مولفه های اساسی رعایت شوند تا از آن طریق به توان به هدف امنیت قضایی که دستیابی به عدالت قضایی است ، دسترسی یافت تامین چنین امنیت عادلانه ای برای همه وتساوی عموم در برابر قانون ، طبق بند 14اصل 13 واصل 156 قانون اساسی بر عهده حکومت و قوه قضائیه است

احترام و التزام به قانون ، از اولین شرایط قوام جامعه وایجاد نظم و امنیت فردی و اجتماعی است برنامه ریزی های بلند مدت به منظور ایجاد و امکان تحول ورشد ، تنها در جامعه ای میسر است که قانون ، نظم و امنیت ، ثبات وامید به آینده و اعتماد متقابل حکم فرما باشد

دادرسی عادلانه ، خود یکی از حقوق بنیادین بشر است که صحت ، کارایی وسلامت سیستم قضایی یک کشور را تضمین می کند و از این راه امنیت قضایی را نیز تامین می نماید امنیت قضایی زمانی شکل خواهد گرفت که اصول و رویه هی دادرسی ، به نحوی عادلانه ، تضمین کننده حقوق مادی و معنوی افراد جامعه باشند و همه افراد ، هنگام حضور در مراجع عدالت کیفری و توسل به قضات دادگستری از حقوق قضایی نظیر حق داشتن وکیل ، حق آگهی از موضوع اتهام ، حق سکوت برخوردار باشند و به وسیله اعمال اصول و رویه هی متعارف یک دادرسی عادلانه ، مانند : اصل برائت ، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ، نسبت به اجرای تمام حقوق قضایی خویش و دم تضییع آن ، اطمینان حاصل کنند فقط از این راه می توان به وضعیت مطلوب عدالت قضایی دست یافت

با توجه به امنیت قضایی آن چه از تفکیک حقوق بشر و حقوق شهروندی در مثال احترام به آزادی مشروع و حقوق شهروندی ایران حاصل می شود این است که برخی از مصادیق حقوق قضایی هم جنبه حقوق بشری دارند و هم جنبه حقوق شهروندی ، اما نسبت به این که جز حقوق بشر تلقی گردند یا حقوق شهروندی ، می تواند آثار متفاوتی را در پی داشته باشند برای مثال ، حق بر خورداری از محاکمه عادلانه در جامعه جهانی وبیشتر نظام های حقوقی پذیرفته شده است و از نظر مفهومی از دید بیشتر جوامع ، جز حقوق بنیادین بشر محسوب می شود اما از آنجا که حقوق شهروندی ، مقید به مرزهای جغرافیایی خاصی است و قوانین ومقررات هر جامعه ، به مفهوم خاص، برقراری نظم ، امنیت و عدالت را دنبال می کند مفهوم حق محاکمه عادلانه و شرایط و تضمین حق مزبور ، هرگز نباید به گونه ای باشد که ماهیت وجود چنین حقی را زیر سوال ببرد شرایط باید به نحوی باشد که قانون حق محاکمه عادلانه از جمله حقوق متهم را برای تمامی افراد جامعه ، براساس ضوابط و مقررات خاص آن جامعه تامین کند ، حقوق قضایی مجموعه قواعدی هستند که مبنای اصلی آن ها مقررات حقوق بشر است مبنای اصلی حقوق قضایی ، حق بشر است وهریک از حقوق قضایی در یک جامعه خاص ، به عنوان یکی از حقوق اساسی و بنیادین شهروندان ، براساس مقررات وضوابط خاص جامعه تامین وتضمین می شود این تامین و تضمین نباید به نحوی باشد که بر ماهیت و محتوای حقوق مزبور و فلسفه وجودی آن ،خللی وارد آورد جهت برخورداری از امنیت قضایی و دادرسی منصفانه گفته می شود که دادرس کیفری باید جنگی جوانمردانه میان دولت و متهم باشد کلیه اقدامات حقوقی و قضایی و دادرسی عادلانه لازم و ملزوم یکدیگرند و مولفه های دادرسی عادلانه تا حد زیادی همان مصادیق امنیت قضایی هستند می توان تضمینات ناظر بر تامین امنیت قضایی از قبیل ، اصل برائت ، حق داشتن وکیل و تفهیم آن ، اصل تساوی سلاح ها و تسریع در رسیدگی برشمرد

رسالت عدالت کیفری تعادل بخشی میان دو کارکرد اصلی خود در قبال شهروندان است

نخست: تضمین عادلانه حقوق شهروندان در برخورداری از امنیت فراگیر در مقابل مجرمان

دوم : تضمین واقعی حقوق انسانی و دفاعی شهروندان در مقابل مراجع عدالت کیفری ، از این رو

عدالت کیفری ، گذشته از نظام مندی ، مبتنی بر فرآیندی با مراحل مختلف است که از دستگیری تا اجرای مجازات و مرحله پسا کیفری را شامل می شود افزون بر این ،عدالت کیفری کنشگران و نهاد هایی دارد که برپایه سلسله قواعد ومقررات به فرآیند رسیدگی می پردازد

حقوق دفاعی متهم که امروزه به عنوان جز ء جدایی ناپذیر دادرسی منصفانه در قوانین و مقررات داخلی و بین المللی مطرح وحمایت می شود ، به معنای مجموعه امتیازات و امکاناتی است که در یک دادرسی منصفانه لازم است متهم از آن برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که برخلاف فرض برائت ، علیه او مطرح شده است در شرایطی آزاد و انسانی از خود دفاع کند حق دفاع متهم عبارت از مجموع تضمینات قانونی و قضایی است که در سطح ملی ، منطقه ای ویا بین المللی برای افرادی که در مظان اتهام ارتکاب بزه قرار می گیرند ، در سراسر یک رسیدگی کیفری وبا هدف اتخاذ تصمیمی عادلانه منظور گردیده است حق دفاع متهم را های قانونی جهت جلو گیری از اثبات مجرمیت وی در کلیه مراحل فرآیندکیفری اطلاق می گردد حقوق دفاعی متهم در مراحل مختلف رسیدگی به یک اتهام ، در مقرره های بین المللی از جمله میثاق بین الملللی حقوق مدنی وسیاسی ودر عرصه داخلی نیز ، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و هم در قانون آیین دادرسی کیفری تضمین شده است در فلسفه حقوق و حقوق کیفری ، وقتی از حقوق دفاعی متهم صحبت می شود منظور بار ارزشی آن نیست و موضوع گزاره های اخلاقی قرار نمی گیرد ، بلکه مراد بررسی بهره مندی متهم از حق ها وتضمین های مقرر شده برای وی در جریان تحقیقات مقدماتی ودادرسی است بنابراین حقوق دفاعی ،زیر مفهوم حق داشتن قرار می گیرد ، نه زیر مفهوم حق بودن به بیان ساده تر حقوق دفاعی متهم به معنای برخورداری متهم از برخی امکانات ، امتیاز ها ، حمایت ها وتضمین های قانونی و قضایی در جریان دادرسی است یکی از مهم ترین این حقوق حق برخورداری متهم از وکیل است

1-9مبانی لزوم امنیت قضایی

در ارزیابی فرآِیند عدالت کیفری سوال این است که منافع چه کسانی در اولویت سیاست های تقنینی و قضایی قرار می گیرد چنانچه نظام های عدالت کیفری در پی برقراری عدالت به معنای واقعی آن باشند ، منافع عموم شهروندان دغدغه اصلی در فرآِیند کیفری خواهد بود اما در صورتی که در پی خدمت به حکومت ها باشند و امنیت واستمرار آن ها را هدف خود بدانند ، اولویت های نظام سیاسی حاکم را درصدر برنامه های رسیدگی کیفری قرار می دهند ، هر چند موازین دادرسی عادلانه نفی گردد به همین جهت ، سیاست گذاران جنایی با پیروی از آموزه های حقوق بشری ، جرم شناسانه وبزه دیده شناسانه ، حق این دو کنشگر (بزه دیده ومتهم )در بهره مندی از وکیل را در سراسر فرآِیند کیفری را به رسمیت شناخته اند ، تا در پرتو آن بزه دیدگان ومتهمان ، بتوانند از حقوق خود در پهنه ی عدالت کیفری دفاع نمایند

تضمین حقوقی دفاعی متهم واجد اهمیت فراوانی است وبا پذیرش حضور وکیل چه از طرف متهم وچه از طرف بزه دیده ، به این امر نه تنها به عنوان یک حق می نگرد ، بلکه آن را در زمره اصول دادرسی منصفانه می انگارد نقش وکیل را می توان به عنوان یاور دادرس در امر دادرسی دانست علاوه بر این حضور او در جریان فرآِیند کیفری در اجرای عدالت نیز سودمند است ودر کانون اصلی توجه اسناد مختلف حقوق بشر از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر (1948)قرار دارد همچنین با مداقه در دیگر اسناد بین المللی حقوق بسر همچون مجموعه اصول حمایت از همه افراد تحت هر گونه بازداشت یا حبس ، اصول اساسی نقش وکلا ونیز ملاحضه اسناد منطقه ای مشابه خصوصا کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر وآزادی های اساسی این نکته مهم احراز می شود که در بررسی لزوم حق برخورداری از وکیل ، به حقوق متهم بیشتر توجه شده است وحقوق جامعه در مرحله دوم قرار دارد مبانی که از سوی طرفداران این الگو به عنوان مبانی حق بهره مندی از وکیل ارائه شده است

اصل برائت

تاریخچه اصلی وقدیمی اصل برائت را بایستی در سفارشات ائمه معصومین ( علیهم السلام )جستجو نمود که همواره تاکید بر اصل بی گناهی انسان ها داشته اند روایات موجود درباره امام علی (ع) بیانگر حاکمیت این اصل بنیادین در سیره ایشان هستند ایشان می فرمایند :(( انی لا ااخذ علی التهمه ولا اعاقب علی الظن )) من به خاطر تهمت کسی را مورد بازخواست قرار نمی دهم وبا ظن وگمان کسی را کیفر نمی دهم واصل برائت در حقوق اسلام کاربرد زیادی دارد زمانی که اصول فقه به عنوان یک رشته علمی مستقل ، تدوین نیافته بود قواعد و مقررات اصل برائت در میان آیات و روایات قرآن وجود داشت البته لازم به ذکر است که اصل برائت از قواعد فقهی است اما چون مدرک استنباط حکم شرعی در مجاری خود قرار می گیرد ، بنابراین در علم اصول مطرح شده است اصل برائت در حقوق اسلام در قالب قواعد متعددی مثل ((قاعده درا))، ((اصاله الاباحه ))و نهایتا ((قاعده برائت عقلی)) مطرح است

اصل برائت یکی از اصول مترقی است که دارای سابقه ای طولانی است وبه طور کلی بیانگر این مهم است که متهم تکلیفی در ارائه دلیل برگناهی خود ندارند که موجب علم واقناع وجدان قاضی شود مطابق این اصل ، مقام تعقیب کننده یعنی دادستان بایستی نزد دادگاه بی طرف ، ارکان جرم را به اثبات برساند ودلایل کافی علیه متهم در خصوص عنصر معنوی جرم ارائه نماید ، چرا که اصل بر بی گناهی متهم است و اثبات گناهکاری وی بر عهده مقام تعقیب کننده است بر اساس این اصل هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر این که اتهام او در دادگاه ثابت شود امنیت قضایی وقتی است که دادگاه ها و مراجع قضایی ، در اجرای وظایف قانونی خود ، به گونه ای رفتار کنند که به حقوق افراد لطمه وارد نشود و آزادی آن ها تهدید نگردد

از این رو ، در جریان کشف جرم و تعقیب و مجازات مجرمان ممکن است بزهکاری افراد تحت تعقیب و اتهام هنوز به اثبات نرسیده باشد ومقامات مسئول با تردید مواجه شوند در چنین حالتی حکم به محکومیت و اعمال مجازات نسبت به فردی که هنوز انتساب جرم به او محرز نشده دور از انصاف خواهد بود به همین دلیل برای تعیین مسئولیت متهم ، تا زمانی که شک و تردید نسبت به مجرمیت این افراد وجود داشته باشد به اصل برائت متوسل می شوند

امروزه این اصل مهم ، مورد توجه همه نظام های حقوقی دنیا قرار گرفته است ودر ماده 11 هعلامیه جهانی حقوق بشر مورد پیش بینی قرار گرفته است براساس بند 1 این ماده: هرکس که به بزهکاری متهم شده باشد ، بی گناه فرض خواهد شد تا این که در جریان یک دادرسی که در آن کلیه تضمین های لازم برای دفاع او تامین شده باشد و تقصیر او به نحو قانونی اثبات گردد همچنین به موجب بند 2 ماده 14 میثاق بین المللی حقوق مدنی وسیاسی و بند 2 ماده 6 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هر کس به اتهام جرمی متهم شده باشد حق دارد بی گناه فرض شود تا این مقصر بودن او طبق قانون محرز شود امروزه ، هیچ یک از نظام های حقوقی خود را

بی نیاز از اصل برائت نمی دانند این اصل مهم و راهبردی در اصل 37 قانون اساسی نیز مورد جرم اشاره قرار گرفته است : هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد در ق.آ.د.ک مصوب 1392 نیز ، مقنن در فصل اول آن اصول اساسی حاکم بر آیین دادرسی کیفری را بیان نموده است ودر ماده 4 صراحتا به اصل برائت اشاره کرده است در واقع ، این ماده ناظر برجنبه قضایی اصل برائت است

از لحاظ آیین دادرسی کیفری ، پذیرش اصل برائت از یک سو تکالیفی را برای مقامات قضایی یک کشور و حتی مقامات دولتی آن ایجاد می کند و از سوی دیگر متهم را در شرایط مساعدی قرار می دهد و او را از امتیازاتی برخوردار می کند از جمله این امتیازات می توان به حق دفاع متهم اشاره کرد به عبارت دیگر حق دفاع متهم از مهم ترین آثار اصل برائت است وقتی دستگاه قضایی در صدد اثبات اتهام فرد و زیر سوال بردن فرض برائت و بی گناهی اوست حق دفاع از آن خواهد بود همان طوری که حق بهره مندی از مساعدت وکیل از الزامات حقوق دفاعی متهم به شمار می رود وکیل با حضور در مراحل دادرسی با تاکید بر اصل مذکور و رعایت آزادی متهم ، تا زمان اثبات توجه اتهام به متهم وآن هم پس از ارائه دلایل مقنن ، می تواند نقش بسزایی در دفاع از موکل به عمل آورد

اصل برائت هم در بعد تقنینی وهم در بعد قضایی آثار و مقتضیاتی دارد در بعد تقنینی ، اصل برائت مقتضی آن است که هیچ عملی جرم محسوب نمی شود ، مگر این که مقنن آن را جرم شناخته وبرای آن مجازات تعیین کرده باشد در بعد قضایی ، اصل برائت مقتضی آن است که شخصی که به عنوان متهم در یک دعوای عمومی تحت تعقیب قرار گرفته است ، تا زمان صدور حکم محکومیت قطعی ، بی گناه فرض شود

اصول قانون اساسی در خصوص اصل برائت بیشتر حقوق متهمان و تشکیل دادگاه های صالح برای اثبات مجرمیت را مد نظر داشته در حالی که ماده 4 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 پس از بیان این که اصل برائت است بر ضرورت حفظ آزادی های فردی و حریم خصوصی افراد با عنایت به کرامت انسانی شهروندان ، توسط مقامات قضایی تاکید ورزیده است بدیهی است که این اصول و قواعد را بایستی مکمل یکدیگر تلقی نمود

اصل برائت یافرض بی گناهی متهم دارای آثار متعددی در ارتباط با حقوق دفاعی متهم است از جمله : تکلیف دادستان یا شاکی به ارائه دلیل اتهام ، منع توسل به روش های غیر قانونی جهت تحصیل دلیل ، تفسیر مضیق به نفع متهم وممنوعیت صدور حکم بر مبنای ظن وگمان ، تفهیم فوری نوع و علت اتهام ، خودداری از پیش داوری در مورد متهم ، حق داشتن وکیل مدافع وتامین امکانات دفاعی لازم برای متهم

رعایت اصل برائت و پایبندی به آن در جهت حفظ و بقای نظام و جلوگیری از آسیب ها و ناامنی در حوزه امنیت قضایی لازم و ضروری است در واقع ، اصل برائت امنیت قضایی را برای شهروندان فراهم می کند بنابراین ، بایستی از سوی تمامی نهادهای عدالت کیفری مورد احترام قرار گیرد و افرادی همچون نیروی انتظامی وضابطان دادگستری بایستی با احتیاط عمل کنند تا خدشه ای بر این اصل بنیادین وارد نشود ، چرا که همه شهروندان (حتی متهمین ) در پرتو این اصل بنیادین ، بی گناه تلقی می شوند و شهروندان بایستی از هر گونه ظن و گمان ناروا در امان باشند تا احساس امنیت کرده و به نظام قضایی اعتماد پیدا کنند عدم رعایت اصل برائت باعث خدشه به آزادی افراد و ایجاد هرج ومرج در جامعه و ورود لطمه به منیت قضایی شهروندان خواهد شد

10-1اصل تساوی سلاح ها

حقوق و آزادی های فردی، در برابری انسان ها تجلی می یابد به همین دلیل ، برابری از اصول حقوق عمومی محسوب می شود همه مردم صرف نظر از جنس ، نژاد ، طبقه ، مذهب ، ثروت وشغل باید از حقوق و تکالیف یکسان و مساوی برخوردار باشند مراد از برابری ، این است که همه افراد در استفاده از موهبت ها ،نعمت ها ومزیت های اجتماعی یکسانند قانون گذار بایستی امکانات وتسهیلات اجتماعی ، اقتصادی ، و سیاسی را به طور یکسان در اختیار افراد دهد اسناد بین المللی نیز بر تساوی افراد در برخورداری از حقوق و آزادی تاکید دارند به موجب ماده 2 اعلامیه جهانی حقوق بشر : ((هر کس می تواند بدون هیچ گونه تمایز مخصوصا از حیث نژاد ،جنس ، زبان ، مذهب ، عقیده ، سیاسی ، یا هر عقیده دیگر و مچنین ملیت ، وضع اجتماعی ، یا هر موقعیت دیگر ، از تمام حقوق و آزادی هایی که در اعلامیه جهانی ذکر شده است بهره مند گردد

اصل تساوی سلاح ها ، مهم ترین معیار تضمین دادرسی عادلانه است وحکایت از برابری دادستان و متهم دارد به همین دلیل اگر دادستان در یک جلسه دادرسی حاضر اما متهم از حضور در آن محروم باشد ، این اصل نقض شده است این اصل نظام قضایی را به تامین موقعیت برابر طرفین ملزم می کند ، لیکن دو برداشت متفاوت از بربری طرفین وجود دارد اولین برداشت که طی سالیان از سوی دادگاه اروپایی حقوق بشر ارائه شده ، متضمن این است که متهم نباید در یک موقعیت شکی نامساعد نسبت به دادستان قرار گیرد در این معنا این اصل تنها نسبت به متهم اعمال می گردد ،به تعبیری معاهدات حقوق بشری منع نمی کند که متهم در وضعیت مساعدی نسبت به دادستان قرار گیرد

یعنی در فرآِیند دادرسی کیفری ، مقام تعقیب به دلیل حیثیت عمومی دعوا وبه عتبار ادعای نقض نظم عمومی توسط متهم علیه وی اقامه دعوا می کند بدیهی است چنین مقامی از اقتدار خاصی برخوردار است و متهم در برابر وی دارای چنین امکاناتی نیست از این رو کنوانسیون ها و اسناد حقوق بشری به دنبال حمایت از وی برآمدند دومین برداشت برابری طرفین را یک جزء اساسی ساختار ترافعی دادرسی است ، که بر مفهوم محاکمه به عنوان نزاعی بین دو طرف استوار است

طبق این رویکرد ، برای هر دو طرف دادرسی داشتن حقوق مساوی اجتناب ناپذیر است در غیر این صورت مبارزه منصفانه ای بین دو معرض وجود نخواهد داشت و ناظران نسبت به نتیجه متقاعد نخواهد شد پس این اصل دو طرفه است و دادستان نیز حق دارد در موضع نامساعدی ، در مقایسه با متهم ، قرار نگیرد در حالی که در یک سیستم تفتیشی نیاز به برابرسازی امکانات میان متهم و دادستان مهم است می توان که مهم ترین تعبیر از برابری اصحاب دعوی ، برابری در ابزار وامکانات میان آن هاست زیرا وکیل با دانش حقوقی خود می تواند مطالبی که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم لازم است به قاضی اعلام وقسمت های تاریک پرونده را روشن کند زیرا به عقیده اکثر قریب به اتفاق علمای اجتماعی ومذهبی اگر مجرمی تبرئه شود بهتر است تا این که بی گناهی محکوم گرددبه عبارت دیگر مطابق اصل تساوی سلاح ها ، تعیین وکیل در امور جزایی اغلب برای دفاع از متهم در مقابل دادستانی است که به نمایندگی جامعه در مقام کشف جرم و جمع آوری دلایل و تعقیب و دستگیری متهم برآمده و مجازات او را از لحاظ جنبه عمومی جرم برای حفظ نظم اجتماعی ویا تسکین ورضای زیان دیده از جرم از دادگاه تقاضا می کند در این صورت وکیل دادگستری با آشنایی به قوانین ، دفاع از متهم را بر عهده می گیرد تا موازنه بین دادستان و متهم برقرار شود و دادگاه برمبنای عدالت رسیدگی کند

این اصل مستلزم آن نیست که چیزی را یک طرف نیاز دارد دیگری نیز دریافت کند اصل برابری مقتضی آن است که طرفین امکان یکسان دسترسی به اسناد و مدارک پرونده را ، دست کم تا آنجا که در شکل گیری رای دادگاه موثر است داشته باشند ، و هر طرف از فرصت اعتراض به ادله دیگر برخوردار باشند و اگر احیانا مشکل و موانعی در کار باشد که به عادلانه بودن خلل وارد آورد ، هر یک از طرفین که منافع او در خطر است مکلف است برای چاره جویی ، مراتب را بدون تاخیر بی جهت به اطلاع دادگاه برساند با توجه به مراتب فوق اصل مذکور معتبرترین نظریه ارائه شده در زمینه حق بهره مندی از وکیل است که با تشبیه تقابل متهم و مقام تعقیب به طرف های مبارزه ولزوم در اختیار داشتن امکانات دفاعی مساوی ،سعی بر حفظ حقوق متهم از طریق برخورداری از مساعدت وکیل شده است بنابراین ، برای تامین امنیت قضایی و دادرسی عادلانه ، دادرسی کیفری باید جنگی جوانمردانه میان دادستان و متهم باشد

بخش دوم :چالش ها و راهکار های فراروی

این سخن ((تاخیر عدالت ، انکار عدالت است )) بیانگر یکی از شروط بدیهی دادرسی عادلانه یعنی تسریع در دادرسی است برخورداری متهم از اصل برائت تنها در صورتی منطقی است که تا حد امکان به سرعت بی گناه یا مجرم بودنش احراز شود اجرای عدالت در مدت معقول از وجوه اساسی دادرسی کیفری و یکی از ضروری ترین شروط یک نظام قضایی مناسب است که در جوامع مورد وفاق عمومی است ((سیستم قضایی باید بی گناه را بدون تاخیر حمایت کند همان گونه که باید مجازات مجرمان را هم بدون تاخیر صادر کند تسریع در دادرسی موضوع جدیدی نیست ودر طول تاریخ همواره متخصصان کیفری بر آن تاکید داشته اند ولی منظور عجله در کار قضاوت نیست زیرا کار قضایی نیاز به دقت فراوان دارد واشتباه ناشی از بی توجهی ، به علت سرعت ، آثار زیان باری در بر خواهد داشت بلکه منظور از تسریع این است که دادرسی سریع بدون این که به حقوق اساسی فرد ، اصل برائت و حق دفاع و داشتن وکیل ، صدمه وارد آید انجام شود

حق محاکمه متهم در مدت زمانی معقول ، بدون توجه به بازداشت یا آزاد بودن او ، در قوانین اساسی بسیاری از کشور ها به صراحت آمده است ، بسیاری دیگر نیز از بازداشت متهم وحق محاکمه سریع در کنار هم سخن گفته اند بعضی هم حق محاکمه سریع را تنها نسبت به اشخاص بازداشتی مطرح کرده اند این اصل در معاهدات بین المللی حقوق بشر وارد شده است و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ( بند 1 ماده 6 این شرط را برای همه محاکمات لازم شمرده است و بیان می دارد که (( هر شخصی حق دارد به دعوای او در مدت زمان معقول رسیدگی شود ))

علاوه بر این ، در اغلب مقررات بین المللی سریع بودن و منصفانه بودن در کنار هم بکار رفته است این نشان دهنده آن است که در دادرسی ، سرعت اهمیت زیادی دارد و بدون آن دادرسی منصفانه نخواهد بود این اصل برای تضمین دادرسی عادلانه نقش تعیین کننده دارد زیرا ، تاخیر های ناروا ممکن است سبب از دست دادن ادله یا ضعف حافظه و فراموشی شهود گردد

تصمیم گیرندگان سیاست جنایی بین المللی و ملی تسریع در فرآیند کیفری را به منزله یکی از جلوه های حمایت از ((حقوق کنشگران دعوای کیفری )) و از مصادیق حقوق بشری پیش بینی کرده اند ، در حالی که تدبیر آنان از زاویه پیشگیری از بزهکاری وسیاست جنایی بزه دیده مدار ، موجب عادلانه شدن دادرسی را فراهم می کند ، ولی از منظر آموزه های پیشگیری واکنشی ، سازوکار مناسبی برای کاهش میزان بزهکاری به شمار می رود بدین سان ، سرعت بخشی به فرآیند کیفری همراه با رعایت حقوق کنشگران دعوی کیفری ، سرعت متناسب و توجه به موازین حقوق بشر ، می تواند از سویی نظام دادرسی عادلانه و از سوی دیگر ، نظام عدالت کیفری پیشگیران را به وجود می آورد

در واقع ، تسریع در فرآیند کیفری و صدور حکم نهایی و اجرای آن مورد انتظار عموم مردم و به نفع جامعه است زیرا تعقیب کیفری بزهکار و صدور حکم و اعمال سریع مجازات نسبت به او زمینه ارتکاب جرم را در دیگران از بین می برد و از بیم مجازات سریع دست به ارتکاب جرم نمی زنند در واقع این روش به سودمندی مجازات ها از طریق ارعاب و عبرت به کیفیتی موثر تحقق می بخشد در حالی که تاخیر و اطاله رسیدگی به امر کیفررری افکار عمومی را نسبت به دستگاه عدالت بی اعتماد می کند

تسریع در دادرسی عجله در رسیدگی نیست زیرا ، شتاب زدگی در امر قضاوت ، اجرای عدالت را مخدوش خواهد ساخت چون دادرسی کیفری دارای مسائل دقیق ودشواری است که احاطه بر

آن ها برای اشخاص غیر حقوقدان به آسانی و سرعت میسر نمی شود احاطه به شیوه تنظیم شکایات ولوایح ، انتخاب اسناد و سایر ادله ، زمان وطریق ارائه ادله و استناد به آن ها ارائه دفاعیات و اقدامات لازم به ترتیب و طریق ودر مهلتی که قانون پیش بینی می کند لازمه اثبات و احقاق حق در دادرسی است در مواردی که متهم قبل و حین محاکمه در بازداشت به سر می برد اهمیت تسریع دادرسی دو چندان می شود

1-2حق داشتن وکیل

یکی از معیار های و اصول دادرسی عادلانه ، برخورداری متهم از وکیل است و هدف از آن ایجاد تساوی سلاح ها و امکانات برابر برای متهم وایجاد دادرسی منصفانه و عادلانه است در صورت عدم آشنایی متهم به علم حقوق ممکن است حق او در فرآیند کیفری تضییع گردد داشتن وکیل مدافع واستفاده از معاضدت های قضایی ، حقی اساسی در قوانین و اسناد بین المللی مورد تاکید قرار گرفته است به طوری که در کمیته منع شکنجه سازمان ملل متحد حضور وکیل مدافع به عنوان هدفی اساسی در کاهش شکنجه اعلام کرده است

حق داشتن وکیل توسط متهم که یکی از اقسام حقوق دفاعی متهم است همچون دیگر اقسام حقوق دفاعی متهم ریشه در اصل برائت دارد و این حق باید درتمام مراحل دادرسی رعایت شود اگر متهم نتواند برای خود وکیل انتخاب کند دستگاه عدالت قضایی مکلف است برای او این حق را فراهم کند زیرا منصفانه نیست که به دلیل عدم توانایی مالی متهم ، رسیدگی بدون حضور وکیل صورت گیرد به همین خاطر قانون گذار حضور وکیل در جریان تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به برخی از جرائم را الزامی کرده است

در چنین بستری است که قانون گذار فرانسوی به منظور رعایت هر چه بیشتر حقوق فردی وتحت تاثیر رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر و شورای قانون اساسی آن کشور ، حق داشتن وکیل در مرحله تحت نظر را به رسمیت شناخته است این حق که بتدا در سال 1993 میلادی به صورت یک ملاقات ساده از بیستمین ساعت تحت نظر پذیرفته شد ، به موجب اصلاحات تقنینی درسال های 2000و2011 میلادی به حضور فعال وکیل شخص تحت نظر در این مرحله تبدیل شده است در قوانین داخلی در بند 3 قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی کهه در سال 1383 به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید بیان شده است :

محاکم ودادسراها فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای طرفین دعوی فراهم کنند از این بند چنین بر می آید که حق استفاده از وکیل در تمام مراحل دادرسی مجاز است اما در واقع در عمل اینگونه نبود و شامل مرحله تحت نظر متهم نمی شد وتنها شامل مراحل تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در محاکم می شد اما به موجب ماده 48 قانون آ.د.ک مصوب 1392: ((با شروع تحت نظر قرار گرفتن ، متهم می تواند تقاضای حضور وکیل نماید وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات ومذاکرات ، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ، ملاحضات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد)) لازم به ذکر است که این موضوع با محدودیت هایی همراه است : نخست این که ملاقات نباید بیش از یک ساعت طول بکشد ، دوم متهم باید با وکیل ملاقات کند نه آن که وکیل از متهم دفاع کند ، فقط جنبه ملاقاتی دارد ، سوم متهم می تواند تقاضای حضور وکیل کند ، اجباری در حضور وکیل نیست

نقش وکیل در دفاع از متهم آن چنان اهمیت دارد که اگر متهم تمکن مالی به انتخاب وکیل نداشته باشد ویا قدرت انتخاب نداشته باشد ، نظام عدالت کیفری در جرائمی اقدام به انتخاب وکیل برای او می کند این امر آن چنان واجد اهمیت است که در اسناد بین المللی به آن اشاره شده است ، از جمله در ماده 14 میثاق بین المللی حقوق مدنی وسیاسی ، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ، اساسنامه دیوان بین الملل کیفری به وکیل تسخیری اشاره کرده اند علت حضور وکیل مدافع در پرونده هایی که حضور وکیل تسخیری الزامی است به دلیل دفاع از حقوق متهمان بوده است

قانون گذار برای اولین بار به تعیین وکیل تسخیری اختصاص به مرحله دادرسی داشت که این نوآوری در قانون از تضمینات حقوق دفاعی متهم می باشد اگر متهم وکیل انتخاب نکند و باز پرس هم از این کار امتناع ورزد تخلف انتظامی محسوب می شود برابرتبصره 2 ماده 190 ق.آ.د.ک مصوب سال 1392 (( در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است ، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید ، باز پرس برای وکیل تسخیری انتخاب می کند))

متهم در جریان تحقیقات مقدماتی می تواند از محتویات پرونده آگاهی داشته وآن را مطالعه کند این امر موجب تضمین حقوق دفاعی متهم می شود ، زیرا زمانی که متهم از پرونده ای که در جریان تحقیق است آگاهی داشته باشد ، بهتر می تواند از خود دفاع کند اما ، اگر باز پرس تشخیص دهد که از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی باشد و این که با ضرورت کشف حقیقت منافات داشته باشد ویا جرائم منافی عفت باشد ، بازپرس قرار عدم دسترسی به پرونده را صدر می کند و چنانچه مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق ، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند ، یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد با ذکر دلیل ، قرار عدم دسترسی به آن ها را صادر می کند

در ق. آ.د.ک مصوب 1378 هیچ ماده ای مبنی بر اعلام یا تفهیم داشتن وکیل توسط متهم از سوی بازپرس یا ضابطین وجود نداشت ، اما تبصره ماده 190 ق.آ .د.ک مصوب 1392 در جهت حفظ حقوق متهم به این حق اشاره کرده و مقرر می دارد : سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب محکومیت انتظامی تا درجه سه و هشت می شود این حق باید پیش از شروع به تحقیق توسط بازپرس به متهم اعلام شود در واقع علاوه بر این که نقش وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی به رسمیت شناخته شده است ، اعلام و تفهیم آن هم برای باز پرس تکلیف قانونی است این حق باید در احضاریه قید شود و در صورتی که متهم بدون ارسال احضاریه یا در صورت جلب حضور یافته باشد باید این حق حضور را به وی تفهیم شود در صورتی که متهم حضور پیدا کرد ، در احضاریه این حق چه اشاره شده باشد چه نشده باشد ، حق مزبور به طور حضوری به وی تفهیم می شود و عدم تفهیم آن ضمانت اجرای سنگینی دارد بازپرس نمی تواند به بهانه های مختلف از تفهیم این حق به متهم خودداری کند

قانون گذار در ماده 190 ق.آ .د.ک . مصوب 1392 برای نخستین بار داشتن وکیل در ((مرحله تحقیقات مقدماتی )) را مطرح کرده است وکیل متهم می تواند دلایل و مطالبی که برای کشف حقیقت ودفاع از متهم لازم بداند ارائه کند، به این معنا که در جریان تحقیقات وکیل می تواند از متهم دفاع کند در حالی که در ماده 128 ق.آ.د.ک .1378 وکیل نمی توانست در امر تحقیق مداخله کند فقط پس از خاتمه تحقیقات برای دفاع از متهم می توانست در امر تحقیق مداخله کند فقط پس از خاتمه تحقیقات برای دفاع از متهم می توانست دلایل ومطالب را ارائه کند در ماده 190 ق.آ.د.ک .مصوب 1392 قانون گذار فقط داشتن یک وکیل را در مرحله تحقیقات مقدماتی مجاز دانسته و تعداد وکلا را نپذیرفته است در صورتی که در مرحله دادرسی این چنین نیست با توجه به مطالب ذکر شده می توان چنین نتیجه گرفت که تاقبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری 1392 حق داشتن وکیل در مرحله بازجویی وتحت نظر منتفی بود و داشتن این حق بستگی به نظر قاضی داشت

درنظام حقوقی فرانسه ، زمانی که شخص متهم تحت تعقیب قرار گرفت ، ضابطان بایستی محلی را به منظور ملاقات خصوصی در اختیار شخص متهم و وکیل وی قرار دهند ، ضابطان نیز حق حضور و دخالت را نخواهند داشت بنابراین ، از اولین لحظات تحت نظر قرار گرفتن ومتهم شدن به جرم ، شخص حق انتخاب وکیل را داراست داشتن وکیل در مراحل مختلف دادرسی یکی از نکات بسیار مثبت این نظام حقوقی است ، این حق علیرغم مخالفت های ضابطین که اعتقاد دارند حضور وکیل در تمام مراحل دادرسی ، کشف حقیقت را به تاخیر خواهد انداخت ، در جهت تامین امنیت قضایی تمامی شهروندان به رسمیت شناخته شده است در واقع شناسایی و تضمین حقوق دفاعی متهم از جمله حق برخورداری از وکیل از همان لحظه ای که وی تحت تعقیب قرار می گیرد ، مورد حمایت قرار گرفته است

در حقوق فرانسه ، حق ملاقات با وکیل در برخی جرایم محدود گردیده است در این زمینه ماده 706-88 آ.د.ک فرانسه مقرر می دارد : ((با نقض مواد 4-63 و 2-4-63 چنانچه شخص به دلیل یکی از جرایم مندرج در ماده 73-706 تحت نظر قرار گرفته باشد ، مداخله وکیل می تواند با اتخاذ تصمیمی مبتنی بر شرایط خاص تحقیق ، ناشی از جمع آوری با بررسی دلایل ، یا به دلیل پیشگیری از تعرض به اشخاص ، برای حداکثر 48 ساعت و چنانچه جرم ارتکابی مربوط به بندهای 3یا 11ماده 73-706 باشد ، برای حداکثر 72 ساعت به تعویق افتد )) با توجه به عبارات ماده ، تاخیر در حق ملاقات با وکیل جنبه الزام آور نداشته وتنها در صورت وجود دستور مقام قضایی این امر امکان پذیر است ضمنا بر اساس ماده مذکور محرومیت از حق ملاقات با وکیل تا 24 ساعت از اختیارات دادستان شهرستان است که می تواند راسا یا با درخواست افسر پلیس قضایی تصمیم گیری نماید و برای مدت بیش از 24 ساعت ، از اختیارات قاضی آزادی ها و بازداشت که از نظر سلسله مراتب قضایی بالاتر از دادستان است می باشند که با در خواست دادستان شهرستان تصمیم گیری می نماید در خصوص زمان شروع تحت نظر ، در حقوق فرانسه این مرحله از زمان سلب آزادی شخص تحت نظر بوده و از لحاظ علمی ، در موردی که وی به طور ارادی وبدون الزام مامورین ، نزد افسر پلیس قضایی حاضر می شود واجباری برای ماندن وی در اداره پلیس نباشد، از زمان جلسه استماع وی است

در صورت عدم امکان انتخاب وکیل توسط تحت نظر ، پلیس مکلف است از طریق کانون وکلای محل ، وکیلی را به در خواست شخص تحت نظر ، برای او تعیین کند در حقوق ایران با آن که ماده 48 حق استفاده از وکیل مدافع رایگان برای متهمانی که قادر به تعیین وکیل برای خود در این مرحله نیستند نکرده است

حق برخورداری متهم از وکیل و تفهیم حق داشتن وکیل از نوآوری های قانون گذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال 1392 است این موضوع در جهت تامین منافع متهم بوده و در روند رسیدگی به پرونده و حقوق شهروندی وامنیت قضایی نقش مهمی دارد از طرفی دیگر عدالت قضایی نیز به سبب تضمین امنیت قضایی می شود ، ایجاب می کند تا فردی که به اطلاعات حقوقی و قوانین آشنایی دارد در کنار متهم حضور یابد و از طریق متهم به علت عدم آشنایی به قوانین دچار سردرگمی نشود

2-2تامین امنیت قضایی

آزادی و امنیّت شخصی هر فرد یکی از حقوقی است که برای همه انسانها به رسمیّت شناخته شـده و در اسـناد بین المللی حقوق بشر مصوب 10 دسامبر 1948 مطابق با 19 آذر 1327 خورشیدی همانطور که دولتها موظّف به پاسداری از آن شده اند. چون این حق آثـار مـهمّی دارد لذا بـرپایه آن، همه افراد همواره باید از حقّ آزادی برخوردار باشند و سلب آزادی از اشخاص باید در موارد استثنایی باشد که بـرپایه قانون و دستورِ مرجع قضایی و به حکم ضرورت گریزناپذیر انجام گیرد و باز هرچه زودتر دادرسـی عادلانه و منصفانه درباره کـسانی کـه آزادیشان سلب شده به عمل آید. اشخاص دستگیرشده حقّ اعتراض به دستگیری یا بازداشت خود را داشته باشند وخسارت آنان در صورت دستگیری یا بازداشت غیرقانونی جبران گردد تعهّدات دولتها در زمینه پاسـداری از حقّ آزادی و امنیّت شخصی در اسناد جهانی همچون: میثاق بینالمللی حقوق مدنی و سیاسی )ماده 9 )و در اسناد اعلامیه جهانی حقوق بشر، مانند: کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی )ماده 5 )تصریح و به آثار چنین حقّی نـیز اشـاره شده است. این مسئله دارای سابقه زیادی نیز در سطح اتحادیه اروپا میباشد؛ به گونهای که مقررات بسیاری برای حمایت از افراد در سطح اتحادیه اروپا در برابر بازداشت های خسارت آنان در صورت دستگیری یا بازداشت غیرقانونی جبران گردد تعهّدات دولتها در زمینه پاسـداری از حقّ آزادی و امنیّت شخصی در اسناد جهانی همچون: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ماده 9 و در اسناد منطقه ای اعلامیه جهانی حقوق بشر، مانند: کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی ماده 5 تصریح و به آثار چنین حقّی نـیز اشـاره شده است. این مسئله دارای سابقه زیادی نیز در سطح اتحادیه اروپا میباشد؛ به گونهای که مقررات بسیاری برای حمایت از افراد در سطح اتحادیه اروپا در برابر بازداشت های غیر قانونی وجود دارد

طی مباحث حقوق اساسی برخی از مصداق های حقّ آزادی و امنیّت شخصی به رسمیّت بر ممنوعیّت توقیف خودسرانه تأکید شناخته شده است؛ به طور مثال در اصل 32 قانون اساسی شده و مرجعی که به بازداشت دست مـیزند بـاید حدّاکثر در 24 ساعت پرونده مقدّماتی را به مرجع صالح قضایی بفرستد. اصول 33 ،36 ،37 ،38 ،39 قانون اساسی نیز آثاری از حقّ آزادی و امنیّت شخصی را به رسمیّت شناخته است. اگرچه کمبودهای قانونی چشمگیری در زمینه پاسداری از حـقّ آزادی مـتّهم وجود دارد و بهویژه در قانون آیین دادرسی کیفری با اعطای اختیار گسترده به قاضی برای بازداشت و نیز پیشبینی قرار بازداشت اجباری، حقوق ناظربر آزادی متّهم سخت محدود گردیده است بر اساس ماده 44 و برابر ذیل ماده 46 قانون فقط در صورتی میتوانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد. علاوه بر ضابطان تکلیف مقام تحقیق نیز در این ماده اجرای ترتیب تفهیم اتهام و تعیین تکلیف متهم تا پیش از اتمام مهلت بازداشت قانونی توسط مرجع انتظامی و مهلت قضائی توسط داسرا است. از این رو چون رویه قضایی نقش مهمی در تحقق امنیت قضایی و حتی اقتصادی جامعه دارد؛ باید مورد بررسی قرار بگیرند. برای تشریح رویه قضایی در خصوص منع بازداشت غیرقانونی باید به پرونده سال 1388 معروف به کهریزک اشاره کرد که در آن دادستانی در کیفرخواست خود چند تَن از قضات مسئول پرونده را که در حوادث مربوطه به صورت خودسرانه و با دستورات فاقد وجاهت قانونی موجبات بازداشت عده ای شهروندان را فراهم نمودند را متهم به مشارکت در بازداشت غیرقانونی کرده است. از همین منظر درنتیجه باید گفت وقتی بازداشت غیرقانونی احراز شود؛ نه تنها موجب مسئولیت کیفری قاضی میشود بلکه مطابق ماده 255 قانون آیین دادرسی کیفری مسئولیت مدنی مرتکب را نیز به دنبال دارد که در حقوق کیفری تحت عنوان تقصیر قاضی نام برده می شودازجمله رعایت تشریفات و تضمینات ناظر بر احضار و جلب متهمان، عادلانه بودن دادرسی کیفری و ایجاد احساس امنیت قضائی برای شهروندان جامعه خواهد بود. همچنان که عدالت قضایی مانعی در جهت سوءاستفاده متجاوزین به حقوق افراد از طریق وسیله قرار دادن دستگاه عدالت کیفری به منظور رسیدن به امیال نامشروع خود من باب احضار یا جلب متهمان میشود در قوانین آیین دادرسی کشورهای مختلف اولین مرحله جهت تحقیقات از متهم، احضار و یا فراخواندن فرد میباشد لذا اصل بر احضار ابتدایی بوده و حربه جلب متهم، یک استثنا بر احضار تلقی میگردد. البته رویه قضایی کشورهایی چون انگلستان نیز مشابه ایران میباشد به هرحال آمره بودن قواعد احضار و شرایط احضارنامه، امری بدیهی و مورد تاکید مراجع استنادی همچون اداره کل حقوق قوه قضائیه میباشد: در مقابل قوانین ماهوی جزایی، قوانینی وجود دارد که سازمان، نیروی انسانی و طرز تشکیل و فعالیت مراجعی را که به جرایم رسیدگی میکنند. چگونگی شکل گیری دادرسیهای جزایی، نحوه احضار و بازجویی از متهم، شهود، شاکی، صدور رأی و اعتراض بر احکام را تنظیم و تنسیق مینماید که آنها را حقوق جزای شکلی و یا آیین دادرسی جزایی می نامند: احضار از طرق دیگر مانند: پیام نگار ایمیل، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن و نظایر آن تا پیش از این مبنای قانونی نداشت ولی قانون جدید آیین دادرسی کیفری در احضار متّهم راهی فراتر از قوانین کیفری مصوب تاکنون را برگزیده و از این لحاظ نوآوری قانون حاضر موجب تامین هر چه بیشتر امنیت قضائی متهم در مرحله پیش از دادرسی شده است. در بیان شرایط احضار و بر اساس ماده 169 قانون آیین دادرسی کیفری، احضار متهم الزاما به موجب فرم های مخصوص »احضاریه« صورت میگیرد که مطابق با ماده170 قانون مذکور در احضاریه مشخصات شخص احضار شده، تاریخ و محل و ساعت حضور، علت احضار و نتیجه عدم حضور قید میگردد و به امضاء مقام قضایی میرسد؛ پس این برگ تنها به امضا مقام قضائی صادر کننده آن دارای اثر حقوقی بوده و امضا منشی یا ضابط در آن واجد اعتبار نخواهد بود. البته برابر تبصره ماده اخیر »در جرایمی که به تشخیص مرجع قضایی، حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضاء کند، علت احضار ذکر نمیشود، اما متهم میتواند برای اطلاع از علت احضار به دفتر مرجع قضایی مراجعه کند« از آنجا که احضار بدون تنظیم برگ احضاریه، موجب تخلف و محکومیت است در یک نمونه رای به عنوان رویه قضائی تصریح شده است که: »... با عنایت به اینکه دستورات مورخ 7/11/83 و 27/11/83 تشخیص داده نشد، بنابراین به استناد صدر ماده 20 نظام نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات، آقای »ع. ک« دادرس وقت دادگستری ... به کسر عشر حقوق به مدت یک ماه محروم می شود. این رای قطعی است احضاریه باید موارد شکلی خاص مندرج در قانون رعایت شود و ثانیا: باید این برگ به متهم ابلاغ گردد و در صورت فقدان شرایط ابلاغ اعم از واقعی یا قانونی، یعنی فقدان اطلاع از نشانی متهم برای ابلاغ احضاریه، ناچار مکانیزم اطلاع رسانی آگهی روزنامه کثیرالانتشار باید رعایت شود و در صورت عدم رعایت این قواعد تخلف انتظامی مقام رسیدگی کننده قابل بحث و تامل خواهد بود. در این خصوص میتوان به نمونه ای از محکومیت اشاره کرد که عدم ابلاغ اوراق قضایی در اقامتگاه شاکی و اهمال در انجام وظایف قانونی موجب محکومیت بازپرس شده است. براین اساس عملکرد آقای پ در عدم ابلاغ اوراق قضایی در اقامتگاه شاکی انتظامی، اهمال در انجام وظایف مخصوصه تشخیص داده میشود و دفاعیات به عمل آمده در لایحه تقدیمی به نظر موثر در مقام نیست لذا دادگاه به استناد ماده 14 نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات حکم بر اخطار کتبی بدون درج در برگ خدمت صادر و اعلام میدارد رای صادره قطعی است

حال مسئله مهم دیگر در اعتبار یا فقدان اعتبار قانونی بودن احضار وقتی است که شاکی و مرجع قضایی از محل اقامت متهم اطلاعی ندارند و به طریق دیگری مثل حضور اتفاقی و دفاعی متهم در مرجع انتظامی یا قضائی و یا دفتر شعبه رسیدگی کننده منتهی به ابلاغ حضوری به وی شود، این احضاریه فاقد اثر قانونی بوده و لذا واحد حقوقی شناخته نمیشود. در این گونه موارد ضمن بررسی راه حلهای قانونی برای جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و البته جلوگیری از تعذر ابالغ احضاریه، نهایتا متهم بر طبق ماده 174 قانون آیین دادرسی کیفری از طریق نشر آگهی در روزنامه احضار میگرددبا توجه به افزایش روشهای جدید ارتباطی میان مردم، قانونگذار نیز در صدد بر آمده است که از این ابزارها برای ابلاغ احضاریه ها و سایر اوراق قضایی استفاده کند. به همین دلیل در ماده 175 قانون آیین دادرسی کیفری برای نخستین بار پیش بینی شده است که: استفاده از سامانه های )سیستم های( رایانه ای و مخابراتی، از قبیل پیام نگار )ایمیل، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن، برای طرح شکایت یا دعوا، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضایی و همچنین نیابت قضایی با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی بلامانع است.« از آنجا که این شیوه ابلاغ، جدید و فاقد سابقه بوده، تبصره ماده یادشده، شرایط و نحوه استفاده از سامانه های مذکور را به موجب آیین نامه ای دانسته که به تصویب رئیس قوه قضاییه میرسد. این آیین نامه در تاریخ 24مرداد1395 به تصویب رئیس قوه قضاییه رسیده و هم اکنون بخش عمدهای از ابلاغ اوراق قضایی از طریق سامانه الکترونیکی به روشهای متعدد مذکور ابلاغ میگردد

2-3امنیت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی ما قبل دادرسی

منظور از امنیت قضائی، امنیتى است که اساس تنظیم روابط انسان ها است و تحقق این مهم همانطور که بیان شد عموماً بر عهده قوه قضائیه میباشد؛ اگر چه نقش قوای دیگر را نیز نمی توان نادیده گرفت، به عبارت دیگر قانونگذاری مناسب لازمه امنیت قضائی عادلانه است. با این حال

چنانکه گفته شد بار اصلی بر دوش قوه قضائیه میباشد

امنیت قضایی در واقع نوعی اطمینان و تضمینی است که دولتها برای حفاظت و صیانت از شهروندان خود در مقابل هرگونه تجاوز و تعدی به حقوق فردی و اجتماعی آنان ایجاد میکنند تا شهروندان در سایه این امنیت بتوانند فعالیتهای فردی و اجتماعی خود را در چارچوب »قانون« به انجام برسانند. امنیت قضایی با اجرای قانونی« رابطه تنگاتنگی دارد؛ زیرا اجرای صحیح و مداوم قانون در جامعه، مستلزم وجود »امنیت قضایی« است و در فرض تعدی و تجاوز به قانون، نهادی باید این حالت را به نظم و ثبات اولیه بازگرداند؛ از این رو امنیت قضایی پیشنیاز »اجرای قانون« است و از سوی دیگر نیز امنیت قضایی در سایه اجرای صحیح قانون از سوی حکومت و مردم در جامعه به وجود می آید به اختصار به عوامل مؤثری که نقش رویه قضایی را در تحقق امنیت قضایی را نشان میدهند

2-4اصول تحقق اهمیت قضایی

استقلال قضات

قضات در رسیدگی پرونده ها و دعاوی که به آنها محـول گردیـده اسـت از نظـر قـانون دارای استقلال رأی هستند و دادگاه عالی انتظامی نیز از نظر حسن اجرای قـوانین در ارشـاد قضـات سـهم بسزائی را واجد اسـت سـپس در صـورت حفـظ و اسـتقلال رای و بـی نظری قاضی، مردم از اجرای قوانین و عدالت بنحو صحیح و بدون هیچگونه تبعیضـی برخـوردار و از مزایای امنیت فردی و اجتماعی بیشتری بهره مند خواهند گشت

2-5قضات عادلانه

امنیت قضایی وقتی به وجود می آید که دادگاه ها و مراجعه قضایی در اجـرای وظـایف قـانونی خود به گونهای رفتار نمایند که به حقوق و آزادیهای افراد لطمـه وارد نشـود و حرمـت انسـان هـا مورد تهدید قرار نگیرد. به منظور ایجاد امنیت قضایی برای شهروندان در موجهه با دستگاه عـدالت کیفری و حفظ حقوق و آزادیهای آنها بر اساس موازین حقـوق بشـر، قـانون اساسـی و قـوانین و مقررات عادی، تضمین های مختلفی درنظرگرفته شده است بدیهی است که عامل شاخص اجرائی عدالت، شخص قاضی است

2-6احترام به حقوق مکتسبه

به نظر میرسد که یکی از مبانی اصل امنیت قضائی، اصل احترام به حقوق مکتسبه افراد باشـد . برای این اصل دو مبنا را میتوان شناسایی کرد: اعمال آزادیهای بنیادین و حمایت از حقوق ناشی از قراردادها.

2-7عملکرد بدون تبعیض

»عملکرد بدون تبعیض نظام قضایی« نیز شرط دیگری بـرای حصـول بـه امنیـت قضـایی است عملکرد صحیح و به هنگام دستگاه قضایی در برخی موارد و عملکرد غیر صحیح یا دیر هنگـام در موارد دیگر، امنیت آفرین نیست. وجود تبعیض در شیوه عمل و فرآیند قضاوت و احکام صادره نه

تنها برخی شاخص های عینی امنیت قضایی را زایل مـی کنـد بلکـه از طریـق تأثیرگـذاری منفـی در ذهنیت مردم، اطمینان را از اذهان ایشان فراری می دهد

هر قانون، مدلی از نظم را دیکته میکند که به شکل تدریجی پا میگیرد و آحاد مردم و جامعه تخصصی به تدریج به آن عادت میکنند. وجود وحدت رویه، ضامن امنیت قضایی است. از اطالـه رسیدگیها جلوگیری مینماید. حال منظور از رویه قضایی، معنای عام آن است، چرا که از جهتی، مهمتر از رویه قضایی به مفهوم خاص آن میباشد. رویه قضایی خاص، آرای هیات عمـومی دیـوان عالی کشور است که در مقام وحدت رویه صادر میشـود و هـم ارزش علمـی داشـته و هـم قـاطع اختلافات میباشد، اما آن چیزی که فرهنگ قضایی و فرهنگ حقوقی را در جامعه نشـر مـی دهـد، رویه قضایی، به معنای عام کلمه است، یعنی آرایی که شعب مختلف دادگاهها در سطح کشـور در

موضوعات واحد بیان میدارند

2-8عدم جواز داوری بیشتر از یک بار

مانع شدن از نا هماهنگی آراء قضایی در یک موضوع واحد، امری که باعث عـدم اطمینـان بـه احکام دستگاه قضایی میشود. قوه قضاییه تا مادامی که دارای کلام نهایی نباشد و یک نزاع واحد چندین بار به دادگاه ارائه شود و یا با مرور زمان به قضـات مختلـف عرضـه شـود در ایـن صـورت پوشیده نیست که دستگاه قضایی هیچ احترام و کرامتی نخواهـد داشـت . هـم چنـین ناهمـاهنگی در احکام، قضا را بدنام میکند و باعث از بین رفتن اعتماد به آن و احکام صادره از دادگاه می­شود

2-9درک مشترک از قانون

ضمن بازگشت به مفهوم نظم حقوقی، مجموعه ای از قواعدی دیده میشود که همه باید آن را پذیرفته و به اجرا گذارند و یکی از مقتضیات نظم حقوقی فهم مشترک از قواعد حقوقی است، بـه طوری که قانون موجود و دستوری که قانون صادر مینماید برای کلیه کسانی که در عمل با آن مواجه هستند به یک صورت درک شده و بدان عمل گردد. در دستگاه قضـایی نیـز اگـرمشـخص نگردد که افراد به چه شکلی برای انجام دادن امور دادرسی خـود و طـی سلسـله مراحـل آن عمـل نمایند عملًا دادرسی با مشکل مواجه خواهد شد. باید یـک بـاور مشـترک نسـبت بـه قـوانین بـرای تحقق نظم حقوقی وجود داشته باشد و همه آحاد جامعه از قانون یـک مطلـب را برداشـت نماینـد، هرچند که امکان اختلاف نظر علمـی بـین متخصصـان وجـود دارد، امـا بایـد از قـانون فهـم عرفـی واحدی صورت پذیرد

2-10تفهیم اتهام یا حق اطلاع متهم از موضوع اتهام

حق اطلاع از موضوع اتهام به عنوان یکی از حقوق اساسی در نظام کیفری ایران، ازجمله در قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری مورد توجه قرار گرفته است به طوری که از ابتدا و به صراحت پلیس را مکلف نموده است که در صورت ضرورت بازداشت و لزوم تحت نظر قرار دادن متهم، اتهام به وی تفهیم و ابلاغ شود که این امر هم باید قبل از تحت نظر قرار دادن افراد صورت گیرد تا شخص متهم پیش از سلب نوعی آزادی از وی در جریان علت و نوع اتهام بازداشت خود قرار گیرد. حال ممکن است پس از اطالع از موضوع اتهام، دلائل و مدافعاتی از سوی متهم ارائه گردد که حاکی از برائت و بیگناهی او باشد و ضرورتی به تحت نظر قراردادن متهم و یا ادامه تحقیقات و تحت تعقیب قرار دادن وی نباشد

در رویه قضایی نیز مدت زمان بیشتر از 24 ساعت برای متهم تحت نظر موجب محکومت بوده و قضات به این عنوان محکومیت یافته اند. یک نمونه از این نوع محکومیت: »آقای ... دادرس علی البدل وقت دادگاه عمومی تهران اولاً: علیرغم اینکه متهمین در یک مرحله با دستور معاون قضایی به مدت24 ساعت تحت نظر بوده اند دستور داده تحت نظر باشند و خلاف ماده 127 قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب عمل کرده است. ثانیاً: جلسه دادگاه را بدون وکیل تعیین شده متهم و ابالغ وقت به وی تشکیل داده است. علی هذا با احراز تخلف قاضی موصوف مستنداً به ماده 14 و 20 نظام نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به کسر یک هشتم حقوق برای مدت سه ماه محکوم میگردد.« از حق تفهیم اتهام به عنوان یک حق اساسی برای متهم در ماده 195 قانون آئین دادرسی کیفری این گونه مراقبت شده است که: »بازپرس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم میکند و به او اعلام مینماید که اقرار یا همکاری مؤثر وی میتواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازدوآنگاه شروع به پرسش میکند... .«

2-11حقوق متهم و ضمانت های اجرائی مرحله احضار

نخستین اقدام در مرحله تحقیقات مقدماتی برای بازجوئی از متهم، احضار وی به مرجع قضائی است. رعایت مواد قانونی کمک میکند تا امنیت قضائی محقق شود: پس تا زمانی که طبق ماده 169 احضار متهم به وسیله احضاریه به عمل میآید و برابر ماده 170 در احضاریه، نام و نام خانوادگی احضار شونده، تاریخ، ساعت، محل حضور، علت احضار و نتیجه عدم حضور قید میشود و به امضاء مقام قضایی میرسد؛ امنیت قضائی هر فرد و خصوصا متهم تامین میشود لکن مهمترین نکته این بخش رعایت مواعد و زمان مقرر است که در ماده 171 کمترین فاصله را پنج روز تعیین کرده است؛ لذا قید به محض روئیت حضور به هم رسانید که رویه جاری دادسراها شده است، مالک و معیار قانونی و درستی ندارد.

2-12-کفایت ادله برای احضار

اگرچه بر اساس بند »الف« ماده 64 قانون آیین دادرسی کیفری شکایت شاکی برای شروع به رسیدگی کافی است، ولی صرف وجود شکایت یا حتی گزارش ضابطان دادگستری علیه کسی، کافی برای احضار او نبوده بلکه عمل مجرمانه ای که به آن شخص نسبت داده میشود؛ باید مستند به قرائنی باشد که لااقل احتمال ارتکاب آن از جانب مظنون داده شود از این روست که ماده 8 قانون آیین دادرسی کیفری صریحاً مقرر میدارد: »بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند.« امری که طبق تبصره ماده یادشده تخلف از آن موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار برای مرجع احضار کننده است. برای تامین امنیت قضایی بیشتر، رعایت قاعده کفایت دلیل احضار ضرورت داشته و مراجع قضایی باید مفّاد آن را دقیقاً مورد توجّه قرار دهند. ولی رویه ناصوابی که اکنون دیده میشود این است که گاهی به محض وصول شکایت و یا اعلام جرم، دستور احضار متّهم و بازجویی از او صادر میگردد که این شتاب و عجله با موازین حقوق بشر و مقررات قانونی سازگار نیست. این موضوع بیشتر عالوه بر بستگی داشتن به شخصیت و نحوه آموزش و تربیت مقام قضائی صادر کننده برگ احضار، وابستگی تامی با نوع جرم و اوضاع و احوال بزه انتسابی و مرحله کشف جرم دارد؛ در هر صورت نباید قواعد شکلی تحقیقات پیش از دادرسی دچار نقص و یا نقض گردد.

2—13-درج علت احضار و نتیجه عدم حضور

در ماده 170 قانون آیین دادرسی کیفری مندرجات احضاریه با تغییراتی نسبت به ماده 113 چنانچه ملاحضه میشود در این 1 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1378 همراه شده است. تبصره تجویز شده است که احضار کننده در صورت مصلحت میتواند دو مورد را در احضارنامه قید نکند: الف. علت احضار ب. نتیجه عدم حضور؛ طبق قانون آیین دادرسی کیفری حاضر نتیجه عدم حضور در هر صورت باید در احضاریه قید گردد. پس در مقررات جدید آئین دادرسی کیفری این مصلحت حذف و مفاد تبصره ماده 170 قانون )به تشخیص مرجع قضایی، حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضاء کند( حکمفرا است

2-14-بیان علت حضور در ورقه احضاریه

هر احضار شدهای نگران وضع خود بوده و به حکم فطرت انسانی میخواهد علّت احضار خود را بداند. نگران گذاشتن فرد احضار شده در بره های از زمان با حقوق انسانی او مغایرت دارد. در رویه قضایی ایران احضار فرد یا افراد با قید جلب بدون اینکه معلوم گردد به عنـوان مطلـع احضار شده اند و در ادامه به مانند متهم با آنها برخورد و عمل شود؛ نیز تخلف محسوب گردیده است و به این ترتیب که در رای محکومیت قید شده: » ... اقدام قاضی مشتکی عنه در زمینه جلب متهم پرونده امر بدون سابقه احضار و نیز عدم اخذ تامین کیفری از متهم فوق الاشعار علیرغم اعتقاد به مجرمیت وی و همچنین احضار وبا قید جلب دونفردیگربدون اینکه تعیین نماید به عنوان مطلع احضار شده اند یا متهم به ترتیب منعکس در گزارش مبنای کیفرخواست، تخلف است و دفاع وی در این موارد موثر نیست. بنا به مراتب آقای ... دادیار دادسرای عمومی و انقالب ناحیه 6 تهران را بابت تخلفهای مذکور به استناد صدر ماده 20 نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات، به کسر عشر حقوق ماهیانه به مدت سه ماه محکوم مینماید

2-15--بی طرفی قضات

قضاوت براساس میزان عدل مورد سنجش قرار میگیرد ولازمه سلامت این معیار، خالی بودن دستگاه قضایی از هرگونه اثرپذیری از منافع یا عواطف شخصی باشد. ولی این استقلال به تنهایی میزان سلامت عدالت را تضمین نمیکند؛ تا زمانیکه حکم صادره از سوی قاضی بر اساس تحکم و استبداد نباشد، میتوان این حکم را بی طرفانه دانست. برای همین بی طرفی دستگاه قضایی یک عامل مکمل استقالل قوۀ قضائیه به شمار میرود؛ از سوی دیگرارزش واقعی قانون بستگی به اجرای بی طرفانه آن دارد. پیمان نامه های بین المللی بر اصل بی طرفی دستگاه قضایی تأکید میکنند. اعالمیه بین المللی حقوق بشر مصوب سال 1313 در ماده 11 ،کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب سال 1366 که مصر نیز در سال 1311بدان پیوست، و توافقنامه اروپا مصوب سال 1311 در ماده 6 همگی بر بی طرفی دستگاه قضایی تأکید دارند. همچنین در همایش بین المللی قضات که در سال 1313 در نیودلهی برگزار شد، بر عدم استبداد و تحکم قاضی تأکید شد. بی طرفی دستگاه قضا از اصول کلی قانون اساسی مصر به شمار میآید. اگرچه این موضوع بطور صریح در قانون اساسی این کشور نیامده است. این اصل را میتوان از اصل استقلال دستگاه قضایی استنباط نمود و نتیجه گرفت.استقلال دستگاه قضایی سبب خواهد شد تا ضمانت اجرایی محکمی جهت حمایت از آزادی های فردی فراهم شود.

اگر قوه قضائیه بر اساس اصل بی طرفی این حمایتها را پیگیری و برقرار نکند، دیگر استقلال این قوه معنایی ندارد. اگر قضات یا مسؤولین قوه قضائیه تابع امیال یا منافع شخصی باشند، دیگر استقالل این قوه معنایی نخواهد داشت. بی طرفی دستگاه قضایی مستلزم دوری از استبداد رای و زورگویی این قوه میباشد. وظیفه قانون تضمین بی طرفی از طریق تعیین دلیلی که ممکن است منجر به عدم ایجاد بی طرفی شود، میباشد. بنابراین قانون میبایست بی طرفی دستگاه قضایی را از طریق اعمال وظایف مشخص بر قوه قضائیه بر عهده بگیرد. در ماده 23 قانون قوه قضائیه مصر، قاضی مجاز به فعالیت تجاری همزمان با انجام قضاوت نمیباشد. یعنی نمیتواند هم به امر قضاوت بپردازد و همزمان با آن به کارهای دیگر مشغول باشد. همچنین قاضی مجاز نیست به هرکاری اعم از دریافت مزد یا بدون دریافت مزد بپردازد که منطبق با استقلال دستگاه قضایی، کرامتش و جایگاه وی نباشد. یا کاری که در حال انجام آن میباشد در تعارض با وظایف قاضی یا حسن انجام کار وی باشد. همچنین طبق قانون قوه قضائیه مصر تأثیرپذیری قاضی از منافع شخصی چه در زمان قبل از قضاوت )انجام امور مربوط به وکالت( و چه در زمان بعد از قضاوت ممنوع میباشد. در ماده 63/3 قانون قوه قضائیه آمده است: »جایز نیست که محل کار قاضی در اداره دادگاه بدوی که به عنوان وکیل در آنجا کار میکرده است، باشد. مگر اینکه 3 سال از زمان قاضی شدن وی بگذرد«. در ماده 321 قانون مدنی مصر آمده است: »جایز نیست که قضات، نواب و وکالت دادستان و مدیران دفاتر و مسؤولین دفاتر اسناد رسمی به نام یا بعضا ً حق متنازع فیه را کال خود یا به نام مستعار ابتیاع نمایند، مشروط براینکه موضوع حق مالی به عنوان دعوی در محکمه ای که مباشر رسیدگی است، مطرح باشد، در صورت عدم رعایت مقررات مذکور بیع باطل است

ماده 311 قانون آئین دادرسی بر منع قاضی از اینکه مانند یک مشتری یا خریدار در یک مزایده شرکت کند چه برای خودش و چه با نام مستعار تأکید دارد. این ضمانت های پیشگیرانه مسؤولیت تضمین بی طرفی قاضی را برعهده دارد. قانون با موانعی که بر سر راه قاضی میگذارد بی طرفی در قوه قضائیه و قضات را سازماندهی می کند و قدرت قاضی را هنگام حل اختلافات کاهش میدهد. مواردی که از تحکم قاضی در حل اختلافات جلوگیری میکند، قدرت قانون در پیشبینی و بررسی مقامات قضایی در تصمیم گیری ها و اقدامات میباشد. بنابراین موانع بی طرفی قوه قضائیه در حالت اول موانع قانونی و در حالت دوم موانع فرضی و تخمینی است

2-16-رویه قضائی و امنیت اقتصادی

مفهوم امنیت اقتصادی

می توان در تعریف امنیت اقتصادی گفت: »وضعیتی است که طی آن سرمایه گذار، در سایه اقتصاد سالم، دغدغه ای در بازگشت سرمایه به علاوه حداقلی سود نخواهد داشت در کنار تعریف فوق، با نگاهی گذرا به قوانین و مقررات در ایران در می یابیم تقریبا اصطلاح امنیت اقتصادی نخستین بار در سال 1311 و در سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق 1313 هجری شمسی سند چشم انداز بیست ساله نظام آمده است. مطابق سند مزبور سیاستهای کلی نظام در خصوص امنیت اقتصادی عبارتند از:1حمایت از ایجاد ارزش افزوده و سرمایه گذاری و کارآفرینی از راههای قانونی و مشروع هدف از ایجاد امنیت سرمایه گذاری، ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه ساز برای عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور است. وضع قوانین و مقرراتمربوط به مالیات و دیگر اموری که به آن هدف کمک میکند، وظیفه الزامی دولت و مجلس است قوانین و سیاستهای اجرایی و مقررات باید دارای سازگاری و ثبات و شفافیت و هماهنگی باشد نظارت و رسیدگی و قضاوت در مورد جرایم و مسایل اقتصادی باید دقیق، روشن تخصصی باشد شرایط فعالیت اقتصادی دسترسی به اطلاعات، مشارکت آزادانه اشخاص در فعالیتهای اقتصادی و 2-برخورداری از امتیازات قانونی( برای بخشهای دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط عادی باید یکسان و عادلانه باشد. همچنین در بند دهم سیاستهای کلی برنامه سوم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در بخش اقتصادی( از سند مزبور آمده است: »حفظ امنیت سرمایهگذاری و ارج نهادن به سازندگی و کارآفرینی و حفظ حرمت و ارزشهای ناشی از راهی مشروع«.

2-17-نقش رویه قضایی در نیل به امنیت اقتصادی

در این بین نقش قوه قضاییه بسیار پر رنگ است. یکی از شرایط توسعه اقتصادی پس از تأمین صلح و اصل دارا شدن بلا جهت و تصویب قوانین مطلوب، وجود قوه قضاییه مستقل و توانمندی است که بتواند اجرای دقیق و صحیح قوانین را تضمین نماید. در واقع دستگاه قضایی با رسیدگی و صدور احکام صحیح و عادلانه ، نقشی اساسی در تحقق امنیت اقتصادی داشته، نیازی به ورود این نهاد به حوزه ها و مسایل جزیی اقتصادی نیست. به بیان دیگر برای سرمایه گذار داخلی یا خارجی هیچ تضمینی بالاتر از احساس امنیت قضایی در کشور یا منطقه میزبان سرمایه وجود ندارد. در سند چشم انداز بیست ساله نیز،مقنن دربند 3 از سیاستهای کلی در خصوص امنیت اقتصادی از نقطه نظر قضایی آورده است: »نظارت و رسیدگی و قضاوت در مورد جرایم و مسایل اقتصادی باید دقیق، روشن و تخصصی باشد«. بدین ترتیب راه کارهای قضایی توسعه اقتصادی و امنیت عبارتند از: 1 .تضمین اصل بی طرفی و اهتمام در جلی اعتماد عمومی از طریق تقویت استقالل دستگاه قضایی و توسعه وحدت رویه در تصمیمات قضاوت 2.تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی اقتصادی و تجاری توسعه روش داوری و حکمیت در حل و فصل دعاوی تجاری کاستن از مراحل دادرسی به منظور دسترسی به قطعیت احکام در زمان مناسب رعایت اصل سرعت در رسیدگی به پرونده های تجاری و اقتصادی توجه به اهمیت اصل سرعت در عالم تجارت و اقتصاد تفسیر قوانین به نفع اجرای تعهد و نه نقض آن. تحلیل اقتصادی حقوق که عبارت است از اعمال روشهای اقتصادی تحلیل حقوق، از مفاهیم اقتصادی برای توضیح آثار مقررات، ارزیابی قواعد حقوقی کارآمد از نظر اقتصادی و پیشبینی اقبال مردم به قواعد حقوقی استفاده میکند. در رویکرد واقع گرا که از اوایل قرن بیستم و با نظریه های پاسنر تحت عنوان تحلیل اقتصادی حقوق و تحت عنوان هزینه های اجتماعی مطرح گردید، با رویکرد جدیدی در رشته حقوق و نیز سایر حوزه های علوم انسانی مواجه شدیم که در آن با استفاده از ابزارهای جاری در اقتصاد خرد سعی در تحلیل روابط اجتماعی میکنند. در این رویکرد که امروزه به عنوان تحلیل اقتصادی شناخته میشود. همواره سعی در پیشبینی علمی رفتارهای کنشگران اجتماعی در قالب غریزه منفعت طلبی و ضررگریزی با استفاده از ابزاراقتصاد خرد مینمایند به نظر پاسنر،میل به حداقل رساندن هزینه ها در انتخاب بین دقت و ملکیت تنظیم قواعد حقوقی و معیارها مبنای توجه است. نظریه پاسنر متضمن شماری از فرضیه های آزمون پذیر راجع به ساختار قاعدهسازی حقوقی و تقسیم مسؤولیتهای وضع قواعد است. بررسی اتفاقی ادله موجود نشان میدهد که شماری از این فرضیه ها گرچه کار تجربی منظم و پایش نظریه محسوب میشوند اما مستلزم بررسی بیشترند. پاسنر در تنظیم قواعد حقوقی قائل به دو دسته میشود، یک به لحاظ قدیم دسته قواعد نوشته که به معمولی نبودن و به روز نبودن کمتر کارآیی اقتصادی دارند و یک قواعدی که توسط قضات به وجود می آیند که معمولا چون در رابطه با قضیه مطرح و در حال بررسی ً و جدیدی وضع میشوند با واقعیات اقتصادی آن مقطع زمان سازگارترند.

تمایل به افزایش ثروت و به حداقل رساندن هزینه ها همانطور که از معیارهای مورد توجه در مرحله وضع قوانین است، در مرحله اجرای آن نیز مورد توجه میباشد؛ چرا که قضات در حال رسیدگی به دعاوی هستند که بیانگر واقعیات دوره زمانی آنهاست و به همین دلیل همانطور که بیان شد آرای همانند دادرسان میتواند موجب رسیدن به نقطه بهینه باشد، در زمینه تفسیر و اجرای قانون، توجه به این معیارها نیز میتواند موجب تکرار آرای همانند دادرسان باشد؛ لذا دارای اثر متقابل هستند با اجرای وظایف عادی قضات، به تدریج قاعده حقوقی شکل میگیرد؛ به نحوی که این عمل به صورت نهادی سازمان می یابد و این عمل سازمان یافته است که به رویه قضائی کلیت میدهد و قاضی میتواند در پرونده های مشابه به آن مراجعه میکند؛ همانطور که میتواند به تفسیری که قاضی دیگری از آن قانون داده مراجعه کند. یک چنین مراجعه به آراء قبلی آن قدر عادی و راحت صورت میگرد که کم کم سوابق در یک جهت جمع می شوند

امروزه مراجعه به سوابق با توجه به الزامی که قضات در زمینه توجیه تصمیمات خود دارند، که آن هم مورد کنترل دیوان عالی است، قوت گرفته است. تصمیم باید الزاما استدلال حقوقی و به ویژه بیانگر تفسیر قاعده حقوقی باشد. به طور کلی وجه مشخصه و غایت روش تحلیل و تفسیر اقتصادی همانا تعیین نقطه تعادل بهینه در رفتارهای اجتماعی است، پس منظور از تفسیر اقتصادی تبیین و تعیین نقطه تعادل، و برآوردن معیار کارایی است. مسلما در تمام نظام های پیشرفته حقوقی کارایی اقتصادی جزء یکی از اهداف نظام حقوقی است اما گسترش نگرش اقتصادی به کل نظام حقوقی و توجه تنها به عوامل اقتصادی و کنار گذاشتن سایر عناصر قاعده حقوقی بسیاری از شاخه های حقوقی را مانند حقوق اموال، قراردادها، مسؤولیت و حقوق جزا را از هم می پاشد و آنها را به ابزارهایی برای سیاست اقتصادی تبدیل میکند. حقوقدانان باید برای تأیید فرض هایشان از اقتصاد به عنوان وسیله ای فنی بهره گیرند و به جای اینکه حقوق ابزار سیاست اقتصادی باشد، اقتصاد باید ابزاری باشد در خدمت حقوق و عدالت. تمایل به به حداقل رساندن هزینه ها همانطور که از معیارهای مورد توجه در مرحله وضع قوانین است، در مرحله اجرای آن نیز مورد توجه میباشد؛ چرا که قضات در حال رسیدگی به دعاوی هستند که بیانگر واقعیات دوره زمانی آنها است و به همین دلیل همانطور که بیان شد آرای همانند دادرسان و درک مشترک از قانون میتواند موجب رسیدن به نقطه بهینه باشد، در زمینه تفسیر و اجرای قانون، توجه به این معیارها نیز میتواند موجب تکرار آرای همانند دادرسان باشد؛ لذا دارای اثر متقابل هستند.

امروزه ناممکن است کسی بخواهد منکر ویژگی هنجاری رویه قضایی شود. اهمیت این منبع رویه قضایی در عرصه های گوناگونی که در آنها موجب وضع مقررات گردیده است سنجیده میشود: حقوق خانواده، حقوق قراردادها، مسؤولیت مدنی ناشی از جرم و ... در نظامهای حقوق نوشته مانند حقوق ایران و مصر رویه قضایی نقطه تبلور حقوق است. رویه قضایی به قانون عینیت میبخشد، به آن تحرک میدهد، نقاط ضعف، شدت و نارسایی آن را برطرف کرده و با نیازهای اجتماعی منطبق میسازد؛ معیار خوبی است برای سنجش عدالت و سرانجام انعکاسی است از اخلاق و تمدن یک ملت و استفاده از آن آسانتر از قواعد قانونی است رویه قضایی نقش مهمی در تحقق امنیت قضایی و اقتصادی دارد؛ از آنجا که قاضی با تفسیر قانون است که میتواند آن را با نیازهای روز جامعه هماهنگ سازد که با معیار رویکرد تحلیل اقتصادی نیز سازگار است، اهمیت نقش قاضی در تفسیر منطبق با معیارهای تحلیل اقتصادی مانند کارایی و رسیدن به نقطه بهینه به خوبی روشن میشود. رویه قضایی عامل مهمی در تحقق نظم حقوقی است و با فقدان قوانین که از هر حیث جامع و کامل باشند، بهتر است از تصمیمات مشابه گذشته برای نیل به عدالت و امنیت قضایی برای پر کردن خلاهای قانونی استفاده کنیم و باید بپذیریم که نقش رویه قضایی را نمیتوان نادیده گرفت. در حقوق مصر باور این است که رای صادره در یک دعوی از سوی قاضی با تمام اختیارات قضایی که دارد شکل میگیرد. در حقوق این کشور به فاکتورهای مهم و اساسی در تحقق عدالت و امنیت که در آنها رویه قضایی نقش اساسی را دارد بسیار پرداخته شده است که استقالل و بی طرفی قضات و ضمانت اجرای آنها و هم چنین اهمیت هماهنگی آراء در تحقق عدالت مطرح میشود. قوانین با توجه به پیچیدگی روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... نمیتوانند برای هماهنگی با تغییرات روز جامعه منتظر ارائه تفسیر مناسب از قانونگذار یا تصویب قانون جدید بمانند؛ لذا اگر در رویه قضایی این امر صورت نگیرد و قاعده حقوقی در راستای تفسیر منطبق با واقعیات و نیازهای جامعه از قانون ایجاد نشود، قانون مسکوت میماند یا دارای اثر مورد نظر قانونگذار نخواهد بود. از سوی دیگر اقتصاد و استفاده از معیارهای تحلیل اقتصادی مانند افزایش ثروت یا کارآمد بودن قواعد جز با استفاده از رویه قضایی در تفسیر و موجد قاعده حقوقی بودن آن قابلیت تحقق ندارد و اگر جایگاه متناسب با کاربرد خود را داشته باشد قطعا به پیش برد نظام حقوقی کمک خواهد کرد.

9-11-2چالش ها

با این مقدمه، لازم است از منظر و دریچه [مدیریت تعارض منافع](https://wikicoi.com/view/%D9%85%D8%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C%D8%AA_%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9) به [سند امنیت قضایی](https://wikicoi.com/view/%D8%B3%D9%86%D8%AF_%D8%A7%D9%85%D9%86%DB%8C%D8%AA_%D9%82%D8%B6%D8%A7%DB%8C%DB%8C) نیم‌نگاهی بیفکنیم. اگر مسئله‌ [تعارض منافع](https://wikicoi.com/view/%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9) را چنانکه کارشناسان متعددی تصریح می‌کنند یکی از مهم‌ترین علل ناکارآمدی نهادهای حاکمیتی قلمداد کنیم، جا داشت که در [سند امنیت قضایی](https://wikicoi.com/view/%D8%B3%D9%86%D8%AF_%D8%A7%D9%85%D9%86%DB%8C%D8%AA_%D9%82%D8%B6%D8%A7%DB%8C%DB%8C) برای این مسئله تمهیداتی در نظر گرفته می‌شد و یک سرفصل در بخش اول سند به بحث [مدیریت تعارض منافع](https://wikicoi.com/view/%D9%85%D8%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C%D8%AA_%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9) اختصاص داده می‌شد.

کشورهای جمهوری اسلامی ایران، ایالات‌ متحده آمریکا و انگلستان هر یک تا اندازه‌ای در نظام حقوقی خود قوانین و مقرراتی بدین منظور تصویب کرده‌اند. با مقایسه سه کشور فوق می‌توان به این نتیجه رسید که با توجه به شناسایی زود هنگام مفهوم [تعارض منافع](https://wikicoi.com/view/%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9) در آمریکا و انگلیس و به‌تبع تدوین، تصویب و اجرای مقدم این قوانین نسبت به ایران، [تعارض منافع](https://wikicoi.com/view/%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9) موجود در نظام قضایی این کشورها روند کاهشی داشته است و مسئولان قضایی و مردم نیز با اطلاع و تفهیم این موضوع در [مدیریت تعارض منافع](https://wikicoi.com/view/%D9%85%D8%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C%D8%AA_%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9) نقش به سزایی داشته‌اند ولی در نظام حقوقی ما هنوز مفهوم مستقلی به نام [تعارض منافع](https://wikicoi.com/view/%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9) نتوانسته است جایگاه مناسب خود را در قوانین پیدا کند و نیز در نتیجه روندِ آن چنان محسوسی از [مدیریت تعارض منافع](https://wikicoi.com/view/%D9%85%D8%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C%D8%AA_%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9) در نظام قضایی را شاهد نبوده‌ایم. در یادداشت کوتاهی با عنوان مصادیق [تعارض منافع](https://wikicoi.com/view/%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9) در نظام قضایی و حقوقی کشور، نمونه‌هایی از [تعارض منافع](https://wikicoi.com/view/%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9) در دستگاه قضایی را به این شرح برشمرده است:

• وجود رابطه استخدامی بین نمایندگان عضو کمیسیون قضایی و قوه قضائیه و دریافت حقوق این نمایندگان مجلس از قوه قضائیه

• اعطای پروانه وکالت به قضات پس از بازنشستگی

• انفصال قضات از قوه قضائیه و ورود به وکالت بدون گذراندن آزمون وکالت

مطابق قانون اساسی وظایف پیشگیری از وقوع جرم و حل و فصل اختلافات بر عهده قوه قضائیه نهاده شده است. یعنی اگر قوه قضائیه در امر پیشگیری از وقوع جرم و اختلافات موفق عمل نکند نتیجه آن به خودش بر‌می‌گردد و این شاید انگیزه‌ای شود تا در امر پیشگیری تلاش فراوان نماید اما سیاست‌های بودجه‌ای قوه قضائیه دقیقاً عکس این موضوع را تقویت می‌کند. در قانون بودجه، بخشی از هزینه‌های دادرسی که باید به خزانه واریز شود به عنوان بودجه به قوه قضائیه تخصیص می‌یابد. بنابراین از یک سو پیشگیری از وقوع جرایم و اختلافات بر عهده قوه قضائیه است و از سوی دیگر بروز اختلاف منجر به افزایش درآمد قوه قضائیه می‌شود. معنای آن این است که اطاله‌ دادرسی و پرپیچ و خم شدن آن می‌تواند به افزایش درآمد و کاهش مشکلات بودجه‌ای قوه‌ قضائیه بیانجامد؛ هرچند منظور وی ظاهراً افزایش تعرفه‌های دادرسی است، اما این افزایش هزینه از طریق طولانی شدن فرآیند دادرسی نیز ممکن است حاصل شود. بنابراین می‌توان مشاهده کرد که [موقعیت تعارض درآمد و وظیفه](https://wikicoi.com/view/%D9%85%D9%88%D9%82%D8%B9%DB%8C%D8%AA_%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D8%AF%D8%B1%D8%A2%D9%85%D8%AF_%D9%88_%D9%88%D8%B8%DB%8C%D9%81%D9%87) نیز می‌تواند بسترساز یکی از مشکلات شهروندان در مواجهه با قوه‌ قضائیه شود. علاوه بر موارد فوق، مصادیق دیگری از [تعارض منافع در قوۀ قضائیه](https://wikicoi.com/view/%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9_%D8%AF%D8%B1_%D9%82%D9%88%DB%80_%D9%82%D8%B6%D8%A7%D8%A6%DB%8C%D9%87) در سطح سازمانی مطرح است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

• تعقیب جرائم عمومی توسط دادستان‌ها و قضاوت در مورد آنها توسط دادگاه‌ها، اگر چه به صورت مستقل انجام می‌شود اما از آنجا که هر دو امر فوق ذیل وظایف یک قوه قرار گرفته است موجب بروز [موقعیت تعارض وظایف](https://wikicoi.com/view/%D9%85%D9%88%D9%82%D8%B9%DB%8C%D8%AA_%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%88%D8%B8%D8%A7%DB%8C%D9%81) در قوه قضائیه می‌شود.

• همچنین پیش‌بینی سازوکار انتخاب وکیل در مرکز مشاوران توسط قوه قضائیه که وظیفه دفاع در قوه قضائیه را بر عهده دارند با وظیفه قضاوتی قوه قضائیه، زمینه تعارض منافع را فراهم می‌کند.

• نگهداری زندانیان در زندان که تحت مدیریت سازمان زندان‌ها به عنوان بخشی از قوه قضائیه انجام می‌شود با وظیفه قوه قضائیه در نظارت بر عملکرد زندان ها که توسط قضات و دادستان ها انجام می‌شود.

• از یک طرف نظارت بر اجرای قوانین توسط قضات در قوه قضائیه توسط دادگاه‌های انتظامی قضات انجام می‌شود و از طرف دیگر نظارت بر اجرای قوانین توسط قضات دادگاه‌های انتظامی توسط بخش دیگری از قوه قضائیه انجام می‌شود.

این مصادیق ناشی از [موقعیت درب های گردان](https://wikicoi.com/view/%D9%85%D9%88%D9%82%D8%B9%DB%8C%D8%AA_%D8%AF%D8%B1%D8%A8_%D9%87%D8%A7%DB%8C_%DA%AF%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D9%86)، اشتغال بیرونی، [موقعیت تعارض وظایف](https://wikicoi.com/view/%D9%85%D9%88%D9%82%D8%B9%DB%8C%D8%AA_%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%88%D8%B8%D8%A7%DB%8C%D9%81) و نظارت بر خود هستند. اگر کنکاشی در مصادیق و موقعیت‌های [تعارض منافع](https://wikicoi.com/view/%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9) در نظام قضایی صورت گیرد، شاهد فهرستی طولانی از این موقعیت‌ها و مصادیق خواهیم بود که بدون تردید از علل بروز ناکارآمدی و فساد در سیستم قضایی است. به رغم اهمیت و فوریت مسئله‌ [مدیریت تعارض منافع](https://wikicoi.com/view/%D9%85%D8%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C%D8%AA_%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9) در بخش‌های مختلف حاکمیت، دیده نشدن این مسئله در [سند امنیت قضایی](https://wikicoi.com/view/%D8%B3%D9%86%D8%AF_%D8%A7%D9%85%D9%86%DB%8C%D8%AA_%D9%82%D8%B6%D8%A7%DB%8C%DB%8C)، خلاء بزرگی برای آن محسوب می‌شود.

10-11-2شفافیت راهکاری برای مدیریت تعارض منافع در نظام قضایی

قابل ذکر است که کسانی که در تدوین سند مذکور نقش داشته‌اند به خوبی اهمیت مسئله‌ی شفافیت را درک کرده و یکی از مواد ۳۷ گانه‌ این سند (ماده‌ ۵) به اصل شفافیت اختصاص داده شده است. در این ماده، تمهیداتی برای نگارش همه‌فهم لوایح و بخشنامه‌های قضایی، اعلام تصمیمات اداری به طرفین دعوا، انتشار برنامه و اوقات رسیدگی جلسات علنی دادگاه‌ها در تارنمای قوه قضائیه، ضبط و نگهداری صدا و تصویر جلسات رسیدگی به درخواست طرفین دعوی و امکان دسترسی وکلا به این محتوا و انتشار آراء قطعی دادگاه‌ها با هدف تحلیل و نقد صاحب‌نظران و متخصصان به‌صورت کامل ضمن حفظ حریم خصوصی اشخاص در تارنمای قوه قضائیه در نظر گرفته شده است.    
با توجه به ارتباط بین [تعارض منافع و فساد](https://wikicoi.com/view/%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9_%D9%88_%D9%81%D8%B3%D8%A7%D8%AF)، پیشگیری از [تعارض منافع](https://wikicoi.com/view/%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9) راهکاری اساسی جهت پیشگیری از فساد است و این مسئه به حدی مهم است که بسیاری از اقتصادانان عامل اصلی عدم ایجاد اصلاحات اقتصادی را وجود [تعارض منافع](https://wikicoi.com/view/%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9) در ایران می‌دانند.  برای حل این مسئله، اصطلاحاً موقعیت‌های [تعارض منافع](https://wikicoi.com/view/%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9) باید مدیریت گردند. [مدیریت تعارض منافع](https://wikicoi.com/view/%D9%85%D8%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C%D8%AA_%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9) به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که تلاش دارد تا از انتخاب نفع شخصی به جای نفع عالی و عمومی جلوگیری کند.‌ برای این مجموعه اقدامات راهبردهای بسیاری طراحی شده است که این راهبردها به دو صورت کلی تأثیر بر تصمیم افراد برای انتخاب نفع برتر و یا تأثیر بر ساختارها و قواعد تقسیم‌بندی می‌گردند. یکی از راه‌های تأثیر بر تصمیم افراد برای مدیریت موقعیت [تعارض منافع](https://wikicoi.com/view/%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9) استفاده از راهبرد شفافیت است.

نمونه‌ها و مصادیقی از شفاف‌سازی که در ماده‌ ۵ [سند امنیت قضایی](https://wikicoi.com/view/%D8%B3%D9%86%D8%AF_%D8%A7%D9%85%D9%86%DB%8C%D8%AA_%D9%82%D8%B6%D8%A7%DB%8C%DB%8C) ذکر شده گرچه بسیار مهم است و در صورت تحقق عملی کمک بزرگی به تسهیل دادرسی و اقامه‌ حقوق شهروندان می‌کند، اما برای مقصود [مدیریت تعارض منافع](https://wikicoi.com/view/%D9%85%D8%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C%D8%AA_%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9) کفایت نمی‌کند. این ناظر بر شفافیت فرآیندهای قضایی برای شهروندان است؛ اما شفافیت در وضعیت کارکنان و زیرسیستم‌های نظام قضایی را مدنظر ندارد. برای مثال، آن نوع شفافیتی که می‌تواند به [مدیریت تعارض منافع](https://wikicoi.com/view/%D9%85%D8%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C%D8%AA_%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9) در یک سازمان کمک کند، انتشار عمومی یا درون‌سازمانی ارتباطات شغلی، مالکیت و سهامداری بیرونی، اظهارنامه‌های منافع متعارض توسط کارکنان، اظهارنامه‌های دریافت هدایا و مواردی از این دست است که ضامن پیشگیری از قرار گرفتن کارکنان قوه‌ی قضائیه در معرض [تعارض منافع](https://wikicoi.com/view/%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D8%B6_%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%81%D8%B9) است.

قضاوت و دادرسی، که در روزگار قدیم به صورت ساده و ابتدایی و در قالب داوری خصوصی جریان داشت، امروز به صورتی پیچیده در آمده است و متناسب با درجه تمدن، نوع حکومت و مقتضیات سیاسی ،اجتماعی و علمی جوامع ،تغییر و تحول یافته است

به عبارت دیگر، پویایی، جزء لاینفک و اجتناب ناپذیر نظام قضایی است  
تحول پرفراز و نشیب نهاد دادرسی در سرزمین کهن ایران، نسبت مستقیم و گسترده ای با نوع حکومت، دین رایج و وضعیت سیاسی و اجتماعی داشته است. در زیر، به اختصار، به روند تاریخی تحول نظام قضایی ایران از عهد هخامنشی تا پیروزی انقلاب اشاره می شود:  
نظام قضایی در عهد هخامنشی  
کلمه «دات» در فرس قدیم هخامنشی و اوستا به معنای «قانون» است. این کلمه در فارسی به «داد» تبدیل شده و «داتیک» منسوب به «دات» به معنای عدل و داد است. قضاوت و داوری در عهد هخامنشی زیر نظر شاه انجام می گرفت. مغان و پیشوایان مذهبی، مجری قانون و مسئول صدور احکام بودند. «مغان» نزد ایرانیان از فرزانگان به شمار می رفتند، به طوری که حتی کسی پیش از آموختن تعالیم مغان، به پادشاهی نمی رسید. تمام فدرت و اختیارات، از جمله امر قضاوت، زیر نفوذ شاه بود. شاه امر قضاوت و انتخاب قضات را به یکی از دانشمندان سالخورده واگذار می کرد. محاکم به دو دسته عالی و محلی تقسیم می شدند و محاکم عالی از هفت قاضی تشکیل می شد. قوانین توسط کاهنان وضع می شد. محاکمات از روند خاصی پیروی می کرد و یکی از روندها پیشنهاد سازش از طریق داوری بود. با افزایش میزان امور قضایی، گروه خاصی به نام سخنگویان قانون ( وکیل امروزی) پیدا شدند که مردم را در کارهای قضایی راهنمایی و ارشاد می کردند. سوگند دادن و اجرای احکام از دیگر روندهای قضای بود.  
نظام قضایی در عهد اشکانیان  
نظام قضایی در زمان اشکانیان دگرگون نشد و تغییرات جزیی در روش های قضایی به وجود آمد. ریاست قوه قضاییه به شاه اختصاص داشت. گفتار پادشاه قابل نقض و نقد نبود و اگر کسی در محاکمات محلی به حقوق خود نمی رسید، می توانست به شخص شاه شکایت کند شاه سالی دو بار در ایام نوروز و مهرگان بار عام می داد و مردم می توانستند شکایات خود را، از شاه و سایر افراد کشور، مطرح کنند. شاه و مردم، در صورتی که شاکی و مدعی داشتند، به وسیله موبدان (موبد میر بذان میربد و ایران ذبیربذ)، که مقامات روحانی و قضایی بودند، محاکمه می شدند.  
پیش از ظهور اسلام در ایران و در عصر ساسانی، سازمان قضایی و آداب قضا و دادرسی در دست موبدان زرتشتی بود و مبانی حقوق و قضایی، کتاب اوستا و اجماع (مجموع فتاوای علمای روحانی) بود. پس از سقوط امپراطوری ساسانی و تسلط مسلمانان بر ایران، احکام قضا مبنی بر فقه اهل سنت بود. با قدرت گرفتن سلسله صفوی و رواج مذهب شیعه، نظام قضایی بر محور فقه امامیه تنظیم شد که امور شرعی و عرفی از یکدیگر تفکیک شدند. دادگاه های شرعی زیر نظر فقها و دادگاه های عرفی زیر نظر دولت اداره می شدند. در دوران زندیه و افشاریه، امر قضا با همین روند ادامه داشت . در دوران قاجاریه و زمان ناصرالدین شاه، «عدلیه» شکل گرفت و در دیوانخانه به شکایات و اختلافات رسیدگی می شد. شکایات و دعاوی حقوقی توسط روحانیان و مجتهدان رسیدگی می شد و دعاوی غیرحقوقی توسط مقامات دولتی حل و فصل می گردید. در شهرستان ها نیز امور حقوقی را علما و امور جزایی و انتظامی را حکومت ها حل و فصل می کردند. رئیس دیوانخانه توسط شاه منصوب می شد. در عصر قاجاریه در نظام قضایی ایران در سه مقطع بازنگری شد:  
۱. در عصر میرزا تقی خان امیرکبیر.  
۲. در عصر میرزا حسین خان مشیرالدوله.  
۳. در تحولات جنبش مشروطه که این مرحله به تشکیل عدالتخانه انجامید.  
در دوران مظفرالدین شاه، طبق اصل ۲۷ متمم قانون اساسی، قوه قضاییه مستقل بود. نیز طبق اصل ۷۱، صلاحیت محاکم شرع و عرف،که سنت دوران صفویه بود، به رسمبت شناخته شد و طبق اصل ۷۲ قانون اساسی، رسیدگی به جرایم سیاسی در صلاحیت دادگاه های عام قرار گرفت. در زمان وزارت فرنفرما (وزیر عدلیه) چهار محکمه «ابتدایی»، «جزایی»، «استیناف» و «تمیز» فعالیت خود را آغاز کردند. در سال های بعد و در دوران وزارت مشیر الدوله پیرنیا، مدعی العموم (دادستان) و دیوان تمیز به تشکیلات عدلیه اضافه شد. در کمیسیون وزارت عدلیه در مجلس، تغییراتی در ساختار تشکیلات عدلیه به تصویب رسید که بر اساس آن، دادگاه های رسمی به سه دسته «صلح»، «استیناف» و «تمیز» تقسیم شدند. قوانین به اصول محاکمات حقوقی جزایی و تجارتی تقسیم شد و در همین دوران به تصویب رسید.  
تا پیش از روی کار آمدن سلسله پهلوی، امر دادرسی و قضاوت از نظم و تمرکز خاصی برخوردار نبود. در دوران پهلوی، قوانین عرفی، بدون توجه به ضوابط و معیارهای شرعی تعیین می شد. در زمان پهلوی اول، قانون مدنی (مشتمل بر ۹۵۵ ماده در مورد مالکیت) و نیز حقوق قراردادها در سال ۱۳۰۷ به تصویب رسید. آیین دادرسی مدنی در سال ۱۲۹۰ با نام «اصول محاکمات» از قانون فرانسه اقتباس شد و به تصویب رسید که در حدود سال ۱۳۱۸ اصلاح شد. جلد دوم وسوم قانون مدنی (احوال شخصیه و اقامت) با توجه به قوانین مدنی فرانسه، بلژیک و سوئیس تهیه و تصویب شد. نظام قضایی ایران در عصر پهلوی به سمت عرفی سازی و سکولاریزه کردن جامعه سوق داده می شد  
پس از سقوط رضا شاه و در دوره سلطنت سی و هفت ساله پهلوی دوم، عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران در معرض فراز و نشیب های فراوان قرار گرفت. بروز تغییرات سطحی، که تنها شامل شکل نظام قضایی می شد و نه بنیان های آن، از ویژگی های مهم تحول نظام قضایی در این دوره است. این دوره نه مانند صدر مشروطه، دوره پی ریزی نظام قضایی بود و نه مانند دوره رضاخان، دوره نوسازی و جهان پسند کردن دادگستری، بلکه در این دوره، از دستاوردهای نظام قضایی دو دوره قبل بهره برداری شد. سوای برخی تغییرات جزئی و محدود در نظام قضایی، شکل و محتوای آن تقریباً به حال سابق باقی ماند. چارچوب قوانین شکلی، از قبیل قانون آیین دادرسی مدنی و قانون آیین دادرسی کیفری، حفظ شد.  
تغییرات نظام قضایی در عصر پهلوی دوم، هماهنگ با تغییرات و تحولات سیاسی، به سه دوره قابل تقسیم است:  
دوره اول: تغییرات بعد از شهریور ۱۳۲۰ تا روی کارآمدن دکتر مصدق (تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲)  
دوره دوم : تحولات دوره کوتاه زمامداری مصدق.  
دوره سوم: تا سقوط خاندان پهلوی در سال ۵۷ .

دوره اولا از شهریور 1320 تا کودتای 28 مرداد 1332  
ـ در شرایط بی ثباتی و تزلزل تمام امور مملکت، تحولات قضایی از ثبات و استحکام برخوردار نبود.  
ـ به موجب قانون مصوب ۱۶ مهر ماه ۱۳۲۰ ریاست عالیه کلیه قوا، که طبق قانون مصوب ۲۰ دلو ۱۲۰۳ به رضا شاه اعطا شده بود، از شاه سلب شد.  
ـ بیشترین سروصدایی که دادگستری بعد از شهریور ۱۳۲۰ به پا کرد، مربوط به محاکمه عمال قصر رضاخانی به ویژه عناصر پلیس رضاخان بود.  
ـ موضوع دیگری که دادگستری را به صحنه کشاند، استرداد املاک غضب شده در دوره رضاخان بود که با اختراع فرمول «هبه نام» به تسکین احساسات عمومی پرداخت. نهایتاً در ۱۲ خرداد ۱۳۲۱ لایحه «تعیین تکلیف املاک واگذاری» به تصویب نمایندگان رسید.  
ـ محدود کردن صلاحیت محاکم نظامی با تصویب ماده واحده سال ۱۳۲۲ .  
ـ به استناد مصوبه ۱۳ دی ۱۳۲۰ هیأت وزیران قوه قضاییه کشور از هر حیث از قوه قضاییه مجزا شد.  
ـ نبود تغییرات بنیادی و گسترده در ساختار حکومت، مانع از پذیرش اصلاحات و تغییرات در نظام قضایی از سوی تمام ارکان حکومت شد.  
ـ افزایش صلاحیت دادگاه های نظامی، بوی‍‍‍‍ژه از سال ۱۳۲۷ به بعد، وجه دیگر نقض صلاحیت عمومی دادگستری بود.  
ـ «نفوذ سیاست در قضاوت»، به معنای مداخله و نفوذ ارکان قدرت در امور قضایی، ویژگی خاص این دوره است.  
دوره دوم (دوره مصدق)   
دوره زمامداری دکتر مصدق (از اردیبهشت ۱۳۳۰ تا مرداد ۱۳۳۲) یکی از بحث انگیزترین ادوار تاریخ معاصر ایران است. از حیث بررسی تحولات نظام قضایی، دوره زمامداری مصدق به دو دوره کاملاً متمایز قابل تقسیم است:  
1 در یک سال نخست زمامداری دکتر مصدق، تحول قابل توجهی در نظام قضایی رخ نداد. مهم ترین برنامه دولت مصدق، اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت بود و به همین دلیل،کمتر به اصلاحات داخلی توجه شد.  
2. پس از قیام عمومی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ مرحله جدیدی از زمامداری دکتر مصدق، که ویژگی اصلی آن پرداختن به اصلاحات داخلی بود، آغاز شد. در برنامه پیشنهادی دولت مصدق، بر ایجاد اصلاحات در زمینه های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و قضایی تأکید شد.  
تغییرات قضایی در دوره زمامداری مصدق به معنای دگرگونی چارچوب نظام قضایی نبود. لایحه تحول شامل مجموعه ای از تغییرات شکلی بود که متناسب با فضای سیاسی آن روز و با هدف دموکراتیک کردن دستگاه قضایی صورت گرفت. در حقیقت، تحول نظام قضایی دوره مصدق، خارج کردن دستگاه قضایی از حال و هوای حکومت استبدادی رضاخان بود. این تغییرات را می توان در بندهای زیر مرتب کرد:  
ـ سازمان دادگستری، شامل تشکیلات قضایی و اداری، بیش از سایر جنبه های نظام قضایی در معرض تغییرات قرار گرفت.  
ـ تلاش برای تقویت دستگاه قضایی و استقلال آن، دادن جایگاه واقعی به قوه قضاییه در سازمان حکومت و در رابطه با قوای مقننه و مجریه و افزایش کارآیی دستگاه قضایی از طریق تجدید نظر در قوانین قضایی، مهم ترین نقاط مثبت اصلاحات قضایی دکتر مصدق بود.  
دوره سوم (1328-1357)  
در دوره ۲۵ ساله پس از کودتا تحولات در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و قضایی با ادوار قبل کاملاً متفاوت بود. در این دوره، پی ریزی نظام سیاسی و اجتماعی و قضایی خاصی مطرح نبود، بلکه در تمام عرصه ها برنامه های به جای مانده از ادوار قبل، با تغییرات اندکی، تداوم یافت. در مدت کوتاهی پس از کودتا اصلاحات مصدق لغو و یا در آنها تجدید نظر شد و کلیه قوانین ناشی از اختیارات دکتر مصدق ملغی گردید. مهم ترین عرصه های تغیییرات قضایی در این دوره عبارتند از:  
ـ دادگاه سیار، به موجب لایحه قانونی ۳۰ بهمن ۱۳۳۵ (مصوب کمیسیون مشترک مجلس) به تصویب رسید.  
ـ سازمان و تشکیلات قضایی مملکت بعد از کودتای مرداد تا انقلاب اسلامی، ترکیب و ساختار قبلی خود را حفظ کرد. به عبارت دیگر، سازمان قضایی مملکت در این دوره ۲۵ ساله، سازمان به جای مانده صدر مشروطه و دوره رضاخان بوده که تغییرات جزئی و محدود یافت.  
ـ وقوع انقلاب اسلامی ایران به تنهایی می تواند دلیل کافی بر ضعف دستگاه قضایی در سال های قبل از انقلاب باشد.  
2-11-11نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران  
در اوایل انقلاب، به علت نبود قانون اساسی، تغییرات چندانی در سیستم قضایی به وجود نیامد. بعد از مدتی کمیته انقلاب در دادگستری تشکیل شد و به شکایات مردم از مسئولان سابق رسیدگی کرد. در ۱۷ اسفند سال ۱۳۵۷ لایحه قانونی اصلاح سازمان دادگستری و قانون استخدام قضات به تصویب شورای انقلاب رسید که اختیارات گسترده ای، از جمله حق انحلال محاکم و مراجع قضایی و ادارت زاید دادگستری و تشکیل مجدد آنها پس از تصفیه را دارا بود. دیگر ویژگی های این دوره عبارتند از:  
ـ ۲۵ اسفند ۱۳۵۷ طبق لایحه قانونی، دیوان عالی کشور و دادسرای آن و دادگاه های انتظامی و تجدید نظر منحل شد.  
ـ در ۱۵ فروردین ۱۳۵۸ دیوان عالی کشور با ترکیب جدیدی ایجاد شد.  
ـ طبق اصل ۱۷۴ قانون اساسی، «سازمان بازرسی کل کشور»، به جای «اداره کل بازرسی وزارت دادگستری و سازمان شاهنشاهی» زیر نظر قوه قضاییه به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین و مقررات در دستگاه های اداری تشکیل شد.  
ـ به موجب ماده واحده مصوب ۱۱ اردیبهشت ۵۸ دادگا ه های نظام صنفی، منحل و رسیدگی به جرایم مختلف صنفی به دادگاه های جنحه محول شد.  
ـ با تصویب لایحه قانونی تشکیل دادگاه های عمومی، دادگاه های مدنی خاص دادگاه ها و دادسرای انقلاب در کنار دادگستری عمومی ایجاد شد.  
ـ به استناد ماده ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه به عنوان یک قوه مستقل و جدا از وزارت دادگستری شناخته شده است؛ در حالی که در قانون اساسی مشروطه، وزارت دادگستری به عنوان عالی ترین تشکیلات و وزیر دادگستری به عنوان عالی ترین مدیر دستگاه قضایی، هدایت و مدیریت قوه قضاییه را از زمان مشروطه تا انقلاب عهده دار بود و سازمان قوه قضاییه جایگاهی در سازمان حکومت نداشت.  
ـ در اصل ۱۵۷ قانون اساسی، مدیریت کلان قوه قضاییه به «شورای عالی قضایی» سپرده شده بود.  
ـ در ساختار جدید، اختیارات وزارت دادگستری کاهش و عمده کارهای آن به شورای عالی قضایی انتقال یافت. وزیر دادگستری بر امور قضایی و تشکیلاتی قوه قضاییه اشراف و تسلطی نداشت، بلکه حکم نماینده قوه قضاییه در جلسه هیأت دولت و مجلس را داشت تا از طرح ها و لوایح قضایی دفاع کند.  
ـ دادگاه های نظامی زیر لوای قوه قضاییه درآمد و «سازمان قضایی نیروهای مسلح»، به عنوان یک سازمان وابسته به قوه قضاییه، طبق اصل ۱۷۲ قانون اساسی تشکیل شد.  
ـ به موجب اصل ۱۷۳ قانون اساسی، تشکیلات جدیدی با نام «دیوان عدالت اداری» ایجاد شد.  
ـ یکی دیگر از تشکیلات مفیدی که بعد از انقلاب ایجاد شد، «سازمان بازرسی کل کشور» بود.  
ـ سه سال نخست بعد از انقلاب، به دلایلی از قبیل دوگانگی اندیشه قضایی، فوریت پیشامدهای قضایی و کم تجربگی عناصر انقلابی، دوران هرج و مرج بحران قضایی بود.  
ـ صدور فرمان ۸ ماده ای امام خمینی (ره) در ۲۵ آذر ۱۳۶۱ نقطه عطفی در تحول نظام قضایی پس از انقلاب بود. در بند اول این فرمان، بر جاری شدن قوانین شرعی به ویژه در امور قضایی، و در بند ۲ بر رسیدگی به صلاحیت مأموران قضایی و پاکسازی دستگاه قضایی و در بندهای بعدی نیز بر مصونیت و امنیت قضایی افراد تأکید شد.  
ـ در مرداد ماه ۱۳۶۴ به منظور پیشبرد مسئولیت های شورای عالی قضایی و ترتیب تصمیم گیری و اداره شورا آیین نامه ای در ۳۹ ماده و ۴ تبصره به تصویب رسید.  
ـ اشکالات و معایب ناشی از نظام شورایی مدیریت دستگاه قضایی و همچنین بعضی نارسایی های دیگر سبب شد امام خمینی در ۲۳ بهمن ۱۳۶۷ در نامه ای از رئیس جمهور بخواهد تا در جلسه ای مرکب از سران سه قوه و اعضای شورای عالی قضایی، موضوع تقسیم کار شورای عالی قضایی را بررسی کرده، طرح های خود را به ایشان ارائه دهند. در این جلسه، حوزه مسئولیت وزیر دادگستری، «کلیه امور اجرایی دادگستری و پزشکی قانونی» تعیین شده بود. اموری از قبیل تعیین حقوقدانان شورای نگهبان و نماینده قوه قضاییه در شورای سرپرستی صدا و سیما نیز به پیشنهاد وزیر دادگستری موکول شد. رفع کمبود مسکن قضات، تشکیل سمینارها و ارتباط با دولت و مجلس نیز از وظایف خود شورا تعیین شد. طرح مذکور در ۲۶ بهمن به تأیید امام رسید. دیری نپایید که با طرح موضوع بازنگری در قانون اساسی، موضوع تمرکز در مدیریت قوه قضاییه در زمره موارد بازنگری قرار گرفت و پس از تصویب نهایی اصلاحات قانون اساسی، دوره جدیدی از مدیریت دستگاه قضایی آغاز شد.  
ـ حضرت امام در ۴ اردیبهشت ۱۳۶۸در نامه ای به رئیس جمهور وقت، به منظور اصلاح در قانون اساسی، هیأتی مرکب از ۲۰ نفر را تعیین و معرفی ۵ تن دیگر را به انتخاب مجلس واگذار کردند. در بند ۳ از نامه ایشان، «تمرکز در مدیریت قوه قضاییه» به عنوان یکی از موضوعات مورد بازنگری تعیین شده بود. هنگام بحث بر سر تمرکز در مدیریت قوه قضاییه، درباره جایگاه، وظایف و اختیارات وزیر دادگستری نیز بحث شد و حذف پست وزارت دادگستری، به پیشنهاد میرحسین موسوی (نخست وزیر) و حسن حبیبی (وزیر دادگستری) بنا به تجربیات ده ساله آنها مطرح و پیشنهاد شد رئیس قوه قضاییه یک معاون اجرایی و پارلمانی داشته باشد که در هیأت دولت شرکت کند؛ زیرا وزیر از یک طرف در مقابل مجلس مسئول است و از طرف دیگر هیچ اختیاری ندارد.  
مخالفان حذف پست وزارت دادگستری معتقد بودند وزیر از اعتبار بالایی برخوردار است؛ زیرا به وسیله رئیس جمهور و مجلس انتخاب می شود و حذف آن به اعتبار دستگاه قضایی لطمه می زند. وزیر دادگستری، در اجرای اصل ۱۶۰ قانون اساسی، رابط قوه قضاییه با قوه مجریه و مقننه است. او، به عنوان عضو کابینه، در مقابل مردم و مراجع قانونی، مسئول است و در روابط بین المللی نیز، به عنوان مسئول و طرف قرارداد، حسب مورد، مقبول است. ضمناً او در جلسات هیأت دولت حضور یافته، حق رأی دارد و باید از طرح ها و لوایح قضایی و سایر لوایح مربوط به وزارت دادگستری دفاع کند؛ بنابراین، وزیر دادگستری، در قبال مسئولیت های خود، اختیارات کافی ندارد و در سازمان حکومتی از جایگاه ویژه ای برخوردار نیست.  
در حال حاضر، طبق اصل ۴ قانون اساسی، انطباق کلیه قوانین و مقررات با موازین اسلامی، ضروری است. در نتیجه، کلیه قوانین و مقررات قضایی، قوانین آیین دادرسی (اعم از مدنی و کیفری) و قوانین ماهوی و بالاخره تمام قوانین جاری باید با قوانین و موازین فقه اسلامی منطبق باشد

اصــل شــفافیت، تضمیــن کیفیــت قانــون و آراء قضایـی ازنظـر قابلیـت فهـم و وضـوح آن بـرای همـه شــهروندان باهــدف افزایــش اعتبــار نظــام حقوقــی اســت. بــر اســاس ایــن اصــل، تصمیمــات مراجــع قضایــی، شــبه قضایــی و اداری بایــد عــاری از ابهــام بــوده و دارای انســجام باشــد. در ایــن راســتا: ١ - لوایــح قضایــی، آیین نامه هــا و بخشــنامه های قضایـی بایـد بـه نحـوی نـگارش شـود کـه بـرای همـه شــهروندان و قضــات در مقــام اســتناد واضــح و قابل فهـم باشـد. ۲ -همـه آراء قضایـی بایـد مسـتدل و مســتند بــه قانــون و موجــه باشــد و بــه اصحــاب دعـوا ابـلاغ شـود. قضـات مکلفنـد بـا پرهیـز از بـه کار بــردن الفــاظ و عبــارات کلــی و مبهــم، فرآینــد اتخــاذ تصمیــم و دلیــل آن را بــا جزئیــات در رأی خــود منعکــس کننــد، به نحویکــه امــکان نظــارت دقیــق بـر فراینـد تصمیمگیـری از سـوی مرجـع بالاتـر فراهـم شــود. تصمیمــات اداری اتخــاذ شــده در فراینــد دادرســی نیــز درصورتیکــه بــر حقــوق طرفیــن دعــوا تأثیــر گــذارد بایــد مســتدل باشــد و بــه آنهــا اعـلـام شـود. ٣ -جهـت ارتقـاء شـفافیت فراینـد رسـیدگی در مراجــع قضایــی اقدامــات زیــر در دســتور کار قضاییــه قــرار میگیــرد: الــف- جهــت ســهولت قوه دسترسـی مـردم، برنامـه و اوقـات رسـیدگی جلسـات ّ قضاییـه منتشـر و در علنـی دادگاه هـا در تارنمـای قوه نمایشــگرهای تعبیــه شــده در دادگاه هــا نیــز مهر ماه 1399 نشریه روابط عمومی كانون وکلای دادگستری مركز ّتحقیقات قضایی سند امنیتی در ۳۷ ماده از سوی آیت الله رییسی ‌‌قضاییه ابلاغ شد رئیس قوه مصوبــه مــور خ 27/7/1399 هیــات مدیــره کانــون وکلای دادگســتری مرکــز در خصــوص اظهــارات معــاون رئیــس قــوه قضاییــه مبنــی بــر تاســیس اداره نظــارت بــر وکا لت اسـتقلال کانـون وکالت، بـا دادرسـی منصفانـه، احقـاق حقـوق شـهروندان و اعتبـار و منزلـت دسـتگاه قضایـی پیونـد خـورده اسـت. براین اسـاس، کانون وکلای دادگسـتری مرکز، مسـتندا به بند »ب« مادۀ ۶ لایحه قانونی اسـتقلال، نظارت سـازمانی بر اعمال وکالت را ازجملـه صالحیت هـای ذاتـی و انحصـاری کانون هـای وکالت دادگسـتری دانسـته و ضمـن تأ کیـد بـر اجـرای اسـتثنایی و مـوردی اختیارات منصوص در مواد ۱٥ ،۱۶ ،۱۸ و ۲۱ لایحه قانونی اسـتقلال كانون وكالت توسـط مقامات مذکور در این مواد، خاطر نشـان میسـازد كـه اختیـارات اداره کل جدیدالتأسـیس نظـارت در معاونـت محتـرم حقوقـی و امـور مجلـس قـوۀ قضاییـه، بـه اعضـای کانونهـای وکلا دادگسـتری قابلیـت اعمـال قانونـى نداشـته و گسـترش اختیـارات اسـتثنایی و مـوردی منصـوص در مـواد فوق، مغایـر بـا قانـون و ناقـض اسـتقلال کانـون وکلاسـت از ریاسـت محتـرم قـوۀ قضاییـه انتظـار دارد در راسـتای تحقـق اصـول منـدرج در سـند امنیـت قضایـی، از تسـرى اختیـارات ادارۀ مذکـور بـه اعضـاى کانون هـای وکلای دادگسـتری جلوگیـری بـه عمـل آورنـد ســند امنیــت قضایــی در ۳۷ مــاده از ســوی قضاییـه ابـلاغ شـدآیـت الله رییسـی، رئیـس قوه متــن ایــن ســند بــه شرح زیــر اســت ســند امنیــت قضایــی در اجـرای بنـد »به مـاده ۱۲۰ قانــون برنامــه ششــم توســعه اقتصــادی، اجتماعــی و فرهنگــی جمهــوری اســامی ایــران مصــوب ۱۳۹۵ و به منظــور تحقــق اهــداف بندهــای ۶۵ ،۶۶ و ۶۷ سیاســتهای کلــی قانــون برنامــه ششــم توســعه کشــور مصــوب ۱۳۹۴« ســند امنیــت قضایــی« بــه شــر ح مــواد آتــی اســت. مقدمــه نظــام قضایــی در قانــون اساســی نقــش بنیادیــن دارد. لــذا اصــل یکصــد و پنجاه وشــش قانـون اساسـی، وظیفـه پشـتیبانی از حقـوق فـردی و اجتماعـی و همچنیـن تحقـق بخشـی بـه عدالـت را بـر قضاییـه نهـاده اسـت. در راسـتای ایفـای عهـده قو ایــن نقــش، اشــخاص حــق دارنــد از آثــار و نتایــج حقوقـی و قضایـی رفتـار و اعمـال خـود و دیگـران در حـدود قانـون آ گاه باشـند. ایـن مهـم، مسـتلزم ثبات نســبی در وضــع قواعــد و اجــرای آنهــا و احتــرام بــه حقـوق مکتسـبه افـراد اسـت حقـوق اشـخاص ایمن بــه آن، نخواهــد بــود، مگــر آنکــه بــه هنــگام تع نظــام قضایــی شایســته، مســتقل و قانــون محــور بــرای دادخواهــی و احقــاق حــق حضــور داشــته باشــد. در جامعــه مردم ســالار و اســامی، اعتمــاد عمومـی بـه نظـام قضایـی، اقتدار و انسـجام دسـتگاه قضایــی از اهمیــت ویــژه برخــوردار اســت. امنیــت قضایــی حالتــی اســت کــه در آن، حیثیــت جــان، مــال و کلیــه امــور مــادی و معنــوی اشــخاص در حمایــت قانــون و مصــون از تعــرض باشــد و تأمیــن چنیــن امنیــت عادلانه بــرای همــه بــر عهــده ّ قضاییـه قـرار گرفتـه اسـت. ایـن سـند تـلاش دارد قوه بــا ترســیم سیاســت های کلــی مرتبــط بــا تأمیــن امنیـت قضایـی شـهروندان و بـا رویکـرد تحـول نظـام قضایــی، گام بــردارد. پایبنــدی بــه اصــل حا کمیــت قضاییــه و قضــات قانــون و اصــل اســتقلال قوه دادگسـتری از الزامـات بنیادیـن دسـتیابی بـه امنیـت قضایــی اســت. بــرای دســتیابی بــه ایــن هــدف، همــکاری ســایر قــوا، نهادهــا و مشــارکت مــردم کــه صاحبــان اصلــی ایــن حقــوق هســتند، ضــروری اســت. ایجــاد امنیــت قضایــی، عمــوم جامعــه را بــه تأمیـن حقـوق شـهروندی مطمئـن خواهـد سـاخت و آرامـش خاطـر شـهروندان را از عـدم تضییـع حقـوق بنیادیــن آنــان فراهــم مــیآورد. در ایــن راســتا، بنــد چهاردهــم از اصــل ســوم قانــون اساســی، ایجــاد امنیــت قضایــی عادلانــه بــرای همــگان را از امــوری دانســته کــه دولــت بایــد بــرای تحقــق آن تمــام امکانـات خـود را بـه کار گیـرد. در سیاسـت های کلـی قضایـی، مصـوب مقـام معظـم رهبـری مصـوب ۱۳۸۱ نیـز بـر اصـاح سـاختار نظـام قضایـی کشـور در جهـت تضمیـن عدالـت و تأمیـن حقـوق فـردی و اجتماعـی تأ کیــد شــده اســت همچنیــن، ســند چشــم انداز جمهــوری اســامی ایــران در افــق ۱۴۰۴ هجــری شمســی، بهره منــدی از امنیــت قضایــی را از ویژ گی هــای جامعــه ایرانــی در افــق ایــن چشــم انداز، برشــمرده اســت بخــش اول: هــدف و اصــول امنیــت قضایــی مــاده ۱ :هــدف امنیــت قضایــی هــدف امنیــت قضایــی، رســیدن بــه عدالــت قضایــی اســت کــه اثــر آن ایجــاد اعتمــاد شــهروندان بــه قانــون و نظــام قضایــی اســت تــا در چارچـوب آن اشـخاص از آسـودگی خاطـر و احسـاس امنیــت در تضمیــن و احقــاق حقــوق و آزادیهای خــود برخــوردار شــوند. مــاده ۲ -اصــل اعتمــاد و انتظــار مشــروع ١ -اصــل اعتمــاد مشــروع، عبــارت اسـت از امـکان پیشبینـی نتایـج نظـام حقوقـی کـه درنهایــت میتوانــد اعتمــاد شــهروندان بــه نظــام قضایــی را جلــب کنــد. ۲ -تحقــق امنیــت قضایــی، مســتلزم احتــرام بــه حقــوق مکتســبه اشــخاص و حمایــت از انتظــارات مشــروع آنــان اســت. رعایــت امــور مذکــور در عرصــه تصمیم گیری هــای قضایــی و اداری در راسـتای اصـل کلـی اعتمـاد مشـروع، عـاوه بـر ثبـات و پیشبینـی پذیـری نظـام حقوقـی، نقـض حقـوق و آزادیهـا را نیـز کاهـش میدهـد. انتظـارات مشــروع عبــارت اســت از خواســتهها و توقعــات معقولـی کـه در روابـط متقابـل افـراد بـا مقامـات )اعـم از قضایــی و اداری( در اثــر تصمیمــات،اعلامات سیاســتها و رویه هــای اداری و اجرایــی ایجــاد شــده و در صــورت نقــض میتوانــد نقــض میتوانــد موجــب ایــراد خسـارت شـود.

مـاده ۳ -اصـل عطـف بـه ماسـبق نشـدن قوانیـن و مقـررات یـا قبـح عقـاب بلابیـان. قوانیـن و مقـررات عطـف بـه ماسـبق نمی شـوند مگـر در خــود آنهــا ترتیــب دیگــری مقــرر شــده باشــد هیــچ فعلــی یــا تــرک فعلــی بــه اســتناد قانونــی کــه بعـدازآن وضـع شـده اسـت جـرم محسـوب نمی شـود و مرتکــب آن مشــمول مجــازات بعــدی نمی شــود مگـر مجـازات بعـدی اخـف باشـد افـراد حـق دارنـد پیــش از ارتــکاب یــک عمــل یــا ورود بــه وضعیتــی حقوقـی از لـوازم و عواقـب قانونـی آن آگاهـی یابنـد احتـرام بـه ایـن اصـل بایـد در مصوبـات و تصمیمـات مراجــع قضایــی، شــبه قضایــی و اداری، به ویــژه در مـواردی کـه بـه حقـوق مکتسـبه افـراد مربوط اسـت، تأمیـن شـود. مـاده ۴ -اصـل قانونـی بـودن جـرم و مجــازات. رأی مراجــع قضایــی، اداری و شــبه قضایــی بایــد مســتدل، موجــه و مســتند بــه مــواد قانونـی باشـد. دادگاه صالـح جـز بـه اسـتناد قانـون، حکــم بــه مجرمیــت و تعییــن مجــازات نمی دهــد و مجازاتهـای همیـن حکـم دربـاره تعییـن تخلف انتظامــی جــاری اســت. حکــم بــه مجــرم بــودن و تعییـن مجـازات تنهـا بـه اسـتناد قانـون و بـه حکـم دادگاه صالــح اســت. مــاده ۵ -اصــل شــفافیت بی طرفــی. الــف- اصــل اســتقلال قضایــی پیش شــرط تحقــق امنیــت قضایــی و تضمیــن اساســی بــرای رســیدگی عادلانــه اســت. در راســتای وظایــف مصــر ح در اصــل ۱۵۶ قانــون اساســی کــه ّ قضاییـه را قـوهای مسـتقل از سـایر قـوا، پشـتیبان قو حقـوق فـردی و اجتماعـی معرفـی میکنـد، ایـن قـوه از هرگونــه اعمالنفــوذ از اشــخاص، نهادهــا و دیگــر قـوا مصـون اسـت. ب- قضـات در تصمیمگیریهـای خــود در تمــام مراحــل دادرســی مســتقل هســتند و هرگونــه اعمــال فشــار ازجملــه جابجایــی اجبــاری موضــوع اصــل یکصــد و شــصت وچهار قانــون اساسـی و منـع دیگـر حقـوق قانونـی بـر آنهـا ممنـوع اســت. پ- قاضــی بایــد درنهایــت بیطرفــی بــه دادرسـی بپـردازد. هرگونـه اعمـال تبعیـض، تعصـب و پیــشداوری قاضــی تحــت تأثیــر افــکار و عقایــد شــخصی و عوامــل درونــی یــا بیرونــی مبنــی بــر حمایـت ازیکطـرف دعـوی، نقـض اصـل بیطرفـی محســوب میشــود و بــا متخلــف طبــق قانــون برخـورد خواهـد شـد. مـاده ۷ -اصـل تمرکـز بـر امـور قضایــی. فکیــک عمــل قضایــی از عمــل اجرایــی و اصــل تمرکــز بــر امــور قضایــی الزامــه تفکیــک قــوا و اصــل اســتقلال قضایــی اســت. بنــا بــه اصــل ۱۵۶ قضاییــه در راســتای رســالت قانــون اساســی، قو اصلـی خـود بـه امـر قضایـی و نظارتـی میپـردازد. در قضاییــه بــا اســتفاده حدا کثــری از ایــن راســتا قوه ظرفیــت دســتگاههای اجرایــی و بخــش خصوصــی نسـبت بـه برون سـپاری امـور غیـر قضایـی اقـدام الزم را بـه عمـل مـیآورد. عـلاوه بـر ایـن از توسـعه بی رویـه مراجـع غیـر قضایـی ممانعـت مینمایـد و درهرحـال ایجـاد هـر مرجـع شـبه قضایـی بـا حضـور عضـو قاضـی قضاییــه می باشــد. بدیــن منــوط بــه موافقــت قوه قضاییـه خـروج منظـور و در راسـتای طـر ح تحـول قوه پرونده هــای بــا صبغــه غیــر قضایــی از صلاحیت محا کـم باعـث افزایـش کارآمـدی دسـتگاه قضایـی، کاهــش اطالــه دادرســی و تضمیــن اصــل امنیــت قضایــی خواهــد شــد. مــاده ۸ -اصــل برابــری در مقابــل قانــون. همــه اشــخاص در مقابــل قانــون و مراجــع دادگســتری مســاوی هســتند. در راســتای تضمیـن قانونـی اصـل برابـری، رفتـار برابـر و یکسـان بـا همـه اشـخاص در مراجـع قضایـی، شـبه قضایـی و اداری، شــرط ضــروری دادرســی عادلانه اســت. بــه ایـن منظـور، همـه افـراد بـدون تبعیـض از هـر حیـث از قبیـل جنسـیت، نـژاد، رنـگ، زبـان، دیـن، عقایـد سیاســی و دیگــر ویژگیها از حــق دادخواهــی و دادرســی عادلانــه برخوردارنــد. بخــش دوم: حقــوق عــام شــهروندی مربــوط بــه امنیــت قضایــی. مــاده ۹ -حــق دادخواهــی و دسترســی بــه مراجــع قضایـی. الـف- دادخواهـی حـق هـر شـخص اسـت و اعمــال هرگونــه ممانعــت، محدودیــت و تبعیــض در احقــاق حــق ممنــوع اســت. دسترســی آســان بــه صفحه نمایـش گذاشـته شـود. ب- صـدا و تصویـر جلسـات رســیدگی بــه تشــخیص دادگاه یــا در صــورت درخواســت شــا کی یــا طرفیــن دعــوی به طــور کامــل ضبــط و در ســوابق پرونــده نگهــداری شــود. در صـورت مخالفـت بـا ایـن درخواسـت، دادگاه بـه نحـو مســتدل آن را رد میکنــد. عـلـاوه بــر ایــن، قضــات میتواننــد از مــرور محتــوای ضبط شــده در صــدور رأی اسـتفاده کننـد. در فراینـد دادرسـی، دادسـتان، طرفیــن دعــوا یــا وکلای آنهــا، میتواننــد تحــت نظــارت مراجــع قضایــی محتــوای ضبط شــده را به عنـوان مـدرک مـورد ملاحظـه و اسـتناد قـرار گیـرد. پ- آراء قطعــی دادگاههــا بــا هــدف تحلیــل و نقــد صاحب نظــران و متخصصــان به صــورت کامــل ضمـن حفـظ حریـم خصوصـی اشـخاص در تارنمـای قضاییــه منتشــر و در دســترس عمــوم قــرار می گیــرد. مــاده ۶ -اصــل اســتقلال قضایــی و ، امنیت تحقق مستلزم احترام به حقوق مکتسبه اشخاص و حمایت از انتظارات مشروع آنان است دادگســتری مرکــز مقــررۀ زیــر را دربــارۀ کارآمــوزی و در قالــب نظامــات در تاریــخ 27/7/1399 تصویــب نمــود: مصوبــه: »پذیــرش سرپرســتی کارآمــوز وکالــت توســط وکالی عضــو کانــون ً از بیــن کارآمــوزان عضــو کانــون وکلای دادگســتری مرکــز صرفــا دادگسـتری امکانپذیـر بـوده و قبـول کارآمـوز خـار ج از افـراد مذکـور ممنـوع اســت. ایــن مقــرره به ِ عنــوان نظامــات کانــون به اتفــاق آرا تصویــب شــد.« مراجــع صالــح قضایــی، شــبه قضایــی، انتظامــی و ّ قضاییـه اداری حـق بنیادیـن هـر شـخص اسـت و قوه بایـد مراجـع قضایـی را در نواحـیای از شـهر مسـتقر نمایـد تـا بـه سـهولت در دسـترس شـهروندان باشـد. ب- دسترســی مؤثــر افــراد توان خــواه و ســالمندان بـه انـواع مراجـع دادرسـی بـر مبنـای برابـر بـا دیگـران در تمـام مراحـل دادرسـی بایـد تضمیـن شـود. بدیـن قضاییـه مکلـف اسـت از طریـق جایابـی منظـور، قوه ســاختمان های دادگســتری بــا توجــه بــه موقعیــت شــهری، جمعیــت و فاصلــه مکانــی متناسب سـازی ایـن سـاختمان ها بـرای اسـتفاده ی ایـن افـراد، در نظـر گرفتـن محـل پـارک و نظایـر آن را فراهـم کنـد و عـاوه بـر آن نسـبت بـه مناسب سـازی فیزیکـی مراجـع قضایـی، شـبه قضایـی و اداری قبلـی و قدیمــی به منظــور دسترســی آســان آنــان اقــدام نمـوده و همچنیـن شـرایط ویـژه نگهـداری و مراقبـت از آنهـا در فضـای موردنظـر را مهیـا سـازد. مـاده ۱۰ - حـق رسـیدگی و دادرسـی در مهلـت معقـول: الـف- همـه مراجـع قضایـی بایـد در مهلـت معقـول و بـدون تأخیــر غیرموجــه، بــه دعــاوی رســیدگی و تصمیــم مقتضـی اتخـاذ کننـد و از هرگونـه اقدامـی کـه باعـث ایجــاد اختــال یــا طوالنــی شــدن فراینــد دادرســی شـود، جلوگیـری کننـد. احقـاق حـق محکوملـه بایـد بهطـور کامـل و در اسـر ع وقـت صـورت پذیـرد. ب- در راســتای وظیفــه رســیدگی در مهلــت معقــول، ّ قضاییــه امکانــات الزام را بــرای تســریع در قوه رســیدگی و کاهــش ورودی پرونــده از طریــق روش هایـی ماننـد کاهـش عناویـن مجرمانـه، اتخـاذ تدابیـر پیشـگیرانه از وقـوع جرائـم در تعامـل بـا دیگـر قـوا و ممانعـت از اقدامـات اختـاف انگیـز یـا فسـاد آور یـا جـرم خیـز در سـطوح مختلـف مدیریتـی دولتـی یـا خصوصـی، ایجـاد و توسـعه نهادهـای حـل اختـاف غیـر قضایـی، گسـترش فنـاوری اطالعـات، تخصصـی کــردن دادســراها و دادگاههــا، افزایــش کارایــی دســتگاه قضــا فراهــم و در صــورت ضــرورت بــه تأسـیس شـعب جدیـد دادسـرا و دادگاه و اسـتخدام کارکنـان قضایـی و غیـر قضایـی اقـدام میکنـد. مـاده ۱۱ -حــق رســیدگی علنــی: محا کمــات در همــه دادگاههـا علنـی برگـزار میشـود، مگـر آنچـه در قانـون اســتثنا شــده اســت. قضــات موظفنــد اســتثنائات پیش بینی شـده را بـه نحـو مضیـق تفسـیر و همـواره بــا احــراز ضــرورت و اصــل تناســب آنهــا را اعمــال کننـد. در مـواردی کـه طرفیـن دعـوا یـا یکـی از آنهـا درخواسـت رسـیدگی علنـی کننـد، دادگاه در حـدود قانــون و تنهــا بــا ارائــه دلیــل مســتند و مدلــل، میتوانــد قــرار غیرعلنــی بــودن جلســه رســیدگی را صـادر کنـد. مـاده ۱۲ -حـق بهره منـدی از خدمـات صفحه حقوقـی: الـف- اشـخاص حـق دارنـد از بـدو تـا ختـم فراینــد دادرســی در کلیــه مراجــع رســیدگی کننده، اعـم از مراجـع قضایـی و شـبه قضایـی آزادانـه وکیـل انتخـاب کننـد. تحمیـل وکیـل یـا تحدیـد حـق آزادی انتخـاب وکیـل ممنـوع اسـت. ب- در نظـام اسـامی وظیفــه وکلای دفــاع از مــوکل در جهــت احقــاق حــق اسـت و بـا توجـه بـه نقـش مهمـی کـه وکلا در نظـام قضایــی و اجــرای عدالــت بــر عهــده دارنــد، بایــد از تعقیــب بــه ســبب دفــاع از حقــوق مــوکل مصــون بـوده و بتواننـد بهصـورت مسـتقل و فـار غ از هرگونـه فشــار سیاســی داخلــی و خارجــی، تهدیــد و آزار و قضاییــه بــرای اذیــت بــه فعالیــت بپردازنــد. پ- قوه اشــخاصی کــه قــادر بــه پرداخــت هزینــه خدمــات حقوقــی اعــم از مشــاوره و وکالــت یــا کارشناســی یــا داوری اجبـاری نیسـتند، امـکان بهره منـدی از ایـن خدمـات را به طـور رایـگان یـا ارزانتـر فراهـم میکنـد. مــاده ۱۳ -حــق حریــم خصوصــی: ۱ -حریــم خصوصــی عبــارت اســت از قلمــرو زندگــی خصوصــی اشــخاص کــه انتظــار نقــض آن را ندارنــد و هرگونــه تعــرض و مداخلــه دیگــران ازجملــه ورود، نظــارت و دسترســی بــه آن بــدون رضایــت شــخص ممنــوع اســت. تمامیــت جســمانی، مســکن، محــل کار، اطالعــات و ارتباطــات خصوصــی شــخص ازجملــه ســاحات حریــم خصوصــی وی به حســاب می آیــد. ۲ -هــر کــس از حــق احتــرام بــه حریــم خصوصــی و خانوادگـی، خانـه و مراسـات خـود برخـوردار اسـت. هرگونـه بازرسـی اما کـن، اشـخاص، اشـیاء و ورود بـه منـازل تنهـا بـا حکـم قانـون و بـا دسـتور مقـام قضایی ممکـن اسـت. بـرای بازرسـی از محـل کار افـرادی کـه به واســطه شــغل خــود اســرار دیگــران نــزد آنهــا محفــوظ اســت، نظیــر وکلا و پزشــکان بایــد ترتیــب خاصــی مقــرر شــود. مــاده ۱۴ -احیــای حقــوق عامــه: احیــای حقــوق عامــه یکــی از وظایــف قضاییــه در بنــد دوم اصــل یکصــد و پنجاه وشــش قانــون اساســی اســت. ایــن قــوه در مرحلـه تصمیـم سـازی و صـدور مصوبـات قضایـی و مراجــع فــرا قــوهای کــه در آن عضویــت دارد بــرای حفـظ حقـوق اساسـی مـردم موضـوع اصـول نوزدهـم تــا چهــل و ســوم قانــون اساســی، ماننــد تأمیــن امنیـت یـا سـامت و بهداشـت عمومـی و یـا حمایـت از تولیــدات داخلــی و یــا حقــوق مصرفکننــدگان در تصمیمــات مراجــع مذکــور اهتمــام الزم را خواهــد داشــت. چنانچــه پیشبینــی شــود حقــوق و آزادیهـای بخشـی از مـردم نا گزیـر نقـض یـا تحدیـد میشــود بایــد قبــل از هــر اقدامــی از وجــود تضمینهــای کافــی بــرای تأمیــن خســارات وارد شــده اطمینــان حاصــل شــود. درصورتیکــه حقــوق بخشــی از مــردم یــا منافــع عمومــی در قالــب نظــم و اخـاق عمومـی، سـلامت عمومـی، امنیـت عمومـی و رفـاه جمعـی برخـاف قانـون نقـض گـردد، دادسـتان بهموجـب ضوابـط قانونـی و یـا مطالبـه عمومـی وارد عمـل میشـود و اقدامـات الزام و ضـروری را در جهـت احیــای حقــوق نقــض شــده، انجــام میدهــد. دادسـتان در صورتـی میتوانـد بـا اسـتناد بـه احیـای حقــوق عامــه عمــل کنــد کــه موجــب اختــال در تصمیمــات و وظایــف مدیریتــی دســتگاههای اجرایـی در چارچـوب قوانیـن و مقـررات نشـود و ورود وی ضــروری، موجــه، متناســب و مطابــق قانــون باشــد. مــاده ۹ -در اجــرای ایــن دســتورالعمل، اقدامــات دادســتانها و دیگــر مراجــع و مقامــات قضایــی بایــد به گونــه ای باشــد کــه موجــب اختــال در تصمیمــات و وظایــف مدیریتــی دســتگاههای اجرایــی در چارچــوب قوانیــن و مقــررات نشــود.

درراستای وظیفه فوق اشخاصی که در خصــوص نقـض قانـون توسـط مأمـوران دسـتگاههای اجرایـی و قضایــی یــا جرائــم ارتکابــی از ناحیــه آنــان گــزارش کــرده یــا مبــادرت بــه افشــای فســاد میکننــد، بایــد موردحمایــت و تشــویق قرار گیرند مرجعــی بــرای اعــام آنــان تعییــن شــود. ادلــه ارائه شــده توسط آنان باید کامــل وبا ذکــر مصــداق باشد وهویت آنـان نبایـد افشـا شود مـاده15 قاعـده تسـلیط یاحق مالکیــت مشــروع حق مالکیت مردم تحصیل اموال از راه قانونــی موردحمایــت از راه قانونــی موردحمایــت حصیـ قانــون اسـت و تأمیـن امنیـت مالکیـت و تسـهیل کسـب وکار مشــروع، حفــظ ثبــات در اســباب تملــک و قراردادهــای مــردم و اصــل آزادی قراردادهــا الزامــی قضاییــه بــا همــکاری مراجــع دیگــر اســت. قوه انتظامـی و دولتـی بـا جرائـم علیـه امـوال و مالکیـت ماننــد کلاهبرداری تصــرف عدوانــی، ســرقت مقابلــه ّ قضاییــه بــر حفــظ حقــوق مــادی و میکنــد. قوه معنــوی مالکیــت فکــری شــهروندان اهتمــام مــی ورزد. حــق اشــخاص در دسترســی و یــا تملــک منابـع طبیعـی در حـدود قانـون و بـا تعهد به حفظ وبقای منابع بدون ورود خســارت بــه محیط زیسـت ومیراث مشترک ملی وانسان است چنانچه تصرفات مذکــورغیر قانونــی یــامخل به محیط زیست یاتخریب میـراث فرهنگـی وتاریخی باشد یا مغایــر و مزاحــم حقــوق قانونی دیگران باشد مقابله با آن از وظایــف دســتگاه قضایــی وانتظامی است ماده 16اصل جبران خسارتی که به سبب اقدامات یا بی توجهی یکـی از مقامـات رسمی در جهت خـلاف حقـوق قیدشـده در قانون اساســی یــا ســایر قوانیــن و مقــررات وارد می شــود، عـلـاوه بــر مــواردی کــه به طــور خــاص جبـران آن

در قوانیـن کشـور پیشبینـی شـده است بایـد در قالـب قواعـد عـام مسـؤولیت مدنـی از سـوی دولــت یــا شــخص مقصــر جبــران شــود مــاده ۱۷ –حق مبــارزه بــا فســاد هــر شــخص بایــد حــق دسترسـی بـه نهادهـای مبـارزه بـا فسـاد را به منظـور شــکایت از طــرز کارو ســوء مدیریــت و رفتــار فســاد آمیــز همــه اشــخاص حقیقــی و حقوقــی را داشــته باشــد.

مــاده 18 حــق حمایــت دیپلماتیــک و کنسـولی: هـر یـک از اتبـاع جمهـوری اسـلامی ایـران در قلمــرو کشــورهای دیگــر از حــق حمایــت دیپلماتیـک و کنسـولی ماننـد کمـک و مسـاعدت بـه آنهــا در حفــظ امــوال، منافــع و مالکیــت فکــری و به خصــوص حفــظ منافــع اتبــاع محجــور، صغــار و زندانیــان و حفــظ امنیــت مراسمــات قضایــی و غیــر قضایــی را دارد دولــت همچنیــن مکلــف اســت نسـبت بـه اسـتیفای حقـوق اتبـاع و دیپلماتهـای ایرانـی آسـیب دیده از اقدامـات دولت هـای خارجـی کــه در راســتای منافــع کشــور یــا مأموریت هــای محولـه متحمـل ضـرر و خسـارت شـده اند، پیگیـری نمایــد بخــش ســوم- حقــوق خــاص شــهروندی در فرآینـد دادرسـی مـاده ۱۹ -فـرض عـدم مسـؤولیت کیفــری اصــل، برائــت اســت و هیچکــس مجــرم شــناخته نمیشــود، مگــراین که جرم او در مراجــع صالـح ثابـت شـود

بـار اثبـات اتهـام بـر عهـده مدعـی اســت، همــه مقامــات عمومــی، بهویــژه ضابطــان دادگســتری، قضــات دادســرا و قضــات دادگاههــا، مکلفنـد مطابـق اصـل برائـت از پیـشداوری دربـاره نتیجــه محا کمــه پرهیــز کننــد. مــاده ۲۰ -منــع مطلـق شـکنجه و رفتارهـای تحقیرآمیـز: مظنونـان، متهمــان، شــهود و مطلعــان به هیچ وجــه نبایــد در معــرض رفتارهــای غیرانســانی یــا تحقیرآمیــز قــرار بگیرنـد. هرگونـه شـکنجه جسـمی یـا روحـی، اجبـار بــه اقــرار یــا ادای شــهادت یــا ارائــه اطلاعات رفتــار تـوأم بـا توهیـن و تحقیـر کلامی یـا عملـی، خشـونت گفتـاری یـا فیزیکـی و آزار جنسـی یـا هتـک حیثیـت و آبــروی اشــخاص مذکــور از هــر نــوع و همچنیــن هرگونـه تهدیـد، اعمـال فشـار و محدودیـت بـر خـود فــرد یــا خانــواده و نزدیــکان اشــخاص فــوق، در هــر ً ممنـوع اسـت و نتایـج حاصـل از آن شـرایطی مطلقـا نیــز قابــل اســتناد در مراجــع قضایــی نیســت. رفتارهـای مذکـور نسـبت بـه افـراد محکـوم بـه حبـس یـا زندانـی یـا تبعیدشـده فراتـر از حکـم قضایـی صـادر شـده، ممنـوع و موجـب مجـازات اسـت. مـاده ۲۱ - اصــل شــخصی بــودن: بــا توجــه بــه اصــل شــخصی بـودن جـرم و مجـازات محکومیتهـا بایـد بـر طبـق ترتیبــات قانونــی و منحصــر بــه مباشــر، شــریک و معــاون جــرم باشــد و افــرادی کــه ارتــکاب رفتــار مجرمانـه بـه آنهـا انتسـاب نـدارد، مصـون از تعقیـب و مجـازات هسـتند. مـاده ۲۲ -اصـل منـع محاکمـه مجــدد: هیچکــس را نمی تــوان بــه ســبب یــک رفتــار دو بــار محا کمــه و مجــازات کــرد. دادگاههــا در ً رســیدگی و حکــم قطعــی صــادر موضوعــی کــه قبــا شــده اســت، حــق دادرســی مجــدد را ندارنــد، مگــر آنکــه حکــم قطعــی توســط مرجــع ذیصــاح نقــض شود. ماده ۲۳ -حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی: هرکــس حــق دارد نســبت بــه تصمیــم یــک مرجــع قضایــی یــا اداری کــه بــه ضــرر او صــادر شــده اســت جــز در مــوارد مصــر ح در قانــون، اعتــراض کنــد. اجـرای مجـازات بـدون رسـیدگی بـه اعتـراض متضـرر ممنــوع اســت. مــاده ۲۴ -منــع بازداشــت غیرقانونــی و خودســرانه: هــر شــخص حــق دارد از زندگــی و آزادی و امنیــت در ســایه امنیــت قضایــی برخـوردار باشـد. هیچکـس را نمیتـوان بازداشـت یـا الـزام بـه تبعیـد یـا اقامـت اجبـاری کـرد، مگـر بـه حکم و ترتیبــی کــه قانــون معیــن کــرده اســت. قضــات موظفنــد مــوارد زیــر را در فراینــد دادرســی رعایــت نماینــد در غیــر ایــن صــورت از مصادیــق بازداشــت غیرقانونــی یــا خودســرانه به حســاب میآیــد: الــف- قـرار کفالـت یـا وثیقـه بایـد بـه نحـوی صـادر شـود کـه متهـم فرصـت کافـی بـرای تسـلیم کفیـل یـا وثیقـه در ســاعات اداری همــان روز داشــته باشــد. بــه ایــن منظــور، نبایــد بــه دلیــل عــدم ارائــه خدمــات اداری کـه دلیـل آن منتسـب بـه خـود شـخص نیسـت و بـه طولانــی شــدن بازداشــت متهــم منجــر میشــود، صــدور قــرار قبولــی کفالــت و یــا وثیقــه بــه تعویــق افتـد. ب- مـدت بازداشـت بایـد معقـول و متناسـب بــا عمــل ارتکابــی یــا اتهــام باشــد و تمدیــد مــدت بازداشـت فقـط در صـورت احـراز ضـرورت آن موجـه اسـت. پ- ضابطـان دسـتگیر کننـده بایـد در اسـر ع وقــت خانــواده شــخص بازداشتشــده را بــه طریــق مقتضـی از اصـل بازداشـت و محـل آن مطلـع کننـد. همچنیــن، در صــورت تغییــر محــل بازداشــت ایــن امــر بایــد بــه اطـلـاع خانــواده شــخص برســد. ت- درصورتیکــه شــخص بازداشتشــده تبعــه دولــت »مدت بازداشت باید معقول و متناسب با عمل ارتکابی یا اتهام باشد و تمدید مدت بازداشت فقط در صورت احراز ضرورت آن موجه است« »هر شخص باید حق دسترسی به نهادهای مبارزه با فساد را به منظور شکایت از طرز کار و سوء مدیریت و رفتار فسادآمیز همه اشخاص حقیقی و حقوقی را داشته باشد« قضاییـه بازداشـت وی را از طریـق بیگانـه باشـد، قوه قضائیه ،وزارت امــور خارجــه بــه ســفارتخانه یــا دفتــر حافــظ منافــع کشــور تبعــه بازداشت شــده اطلــاع میدهــد. مأمــوران کنســولی آن دولــت حــق دارنــد، از طریــق وزارت امــور خارجــه درخواســت خــود مبنــی بــر ملاقــات، مذا کــره، مکاتبــه و یــا ترتیبــات الزم بــرای نمایندگــی قانونــی فــرد بازداشتشــده را بــه قضاییـه ارسـال نماینـد. شـخص بازداشتشـده قو خارجــی از تمامــی حقــوق قانونــی برابــر بــا ســایر اشــخاص برخــوردار اســت. ث- فــرد بازداشت شــده در اســر ع وقــت و همزمــان بــا پذیــرش در محــل بازداشـت، بایـد مـورد معاینـه پزشـکی مناسـب قـرار گیـرد و پـسازآن مراقبـت و درمـان پزشـکی در هنـگام لـزوم بـرای وی فراهـم شـود. ایـن مراقبـت و درمـان بایـد رایـگان باشـد. ج- هنگامی کـه فـرد در بازداشـت مــورد معاینــه پزشــکی قــرار میگیــرد، نــام پزشــک و نتایــج معاینــه بایــد به طــور کامــل ثبــت شــود. فــرد بازداشت شـده یـا وکیـل وی در صـورت تقاضـا، بایـد بــه پرونــده پزشــکی دسترســی داشــته باشــند. فــرد بازداشت شــده یــا وکیــل وی، حــق دارد از مقــام قضایــی معاینــه مجــدد یــا نظــر پزشــک دیگــری را درخواســت کنــد. چ- بازرســی بدنــی بــدون لبــاس ممنــوع اســت، مگــر در صــورت ضــرورت قطعــی و درهرصــورت بایــد بــا رعایــت دقیــق موازیــن شــرعی انجــام شــود. بازرســی بــا شــرایط فــوق بایــد فقــط از ســوی متخصصــان مراقبتهــای بهداشــتی یــا حداقـل کارکنانـی انجـام شـود کـه به خوبـی از طـرف متخصصــان پزشــکی مطابــق اســتانداردهای بهداشــتی، ســلامتی و ایمنــی آموزش دیــده باشــند قضاییــه در طــول مدتــی کــه فــرد در اما کــن - تحـت نظـر ایـن قـوه یـا سـازمانهای وابسـته بـه آن بازداشـت اسـت، شـرایط مناسـب را ازنظـر امکانـات رفاهـی، بهداشـتی، آموزشـی و غیـره فراهـم میکنـد؛ به نحوی کــه کرامــت انســانی افــراد حفــظ شــود. خ- نگهــداری فــرد در بازداشــت به گونــه ای کــه وی به طــور موقــت یــا دائــم از اســتفاده از حس هــای طبیعـی خـود ماننـد دیـدن یـا شـنیدن، بـا آ گاهـی از مـکان و گذشـت زمـان محـروم شـود، نقـض کرامـت انســانی و مقــررات به حســاب می آیــد. مــاده ۲۵ - برخـورداری از امکانـات اعـم از رفاهـی و بهداشـتی در طـول دادرسـی کیفـری: بـا توجـه بـه اصـل کرامت انســانی و برخــورداری عمــوم شــهروندان از حقــوق اولیــه، بایــد بــا متهــم به عنــوان یــک بی گنــاه رفتــار شــود. بدیــن منظــور، در طــول مــدت بازداشــت تمامــی شــرایط انســانی ازنظــر امکانــات رفاهــی، بهداشـتی، خدمـات پزشـکی، تغذیـه، دسترسـی بـه ارتباطــات، بــرای او فراهــم میشــود. وضعیــت بازداشــتگاهها ازنظــر موقعیــت مکانــی و فضــای فیزیکــی و حقــوق بازداشت شــدگان بایســتی استانداردسـازی شـود تـا در سراسـر بازداشـتگاه های کشــور به صــورت یکپارچــه عملیاتــی شــود. مــاده ۲۶ -حــق دفــاع و انتخــاب وکیــل: متهــم بایــد از شـرایط مناسـب جهـت تهیـه و ارائـه دفـاع در فرصـت کافــی و مهلــت معقــول برخــوردار باشــد، و بتوانــد از مشـاوره و انتخـاب و داشـتن وکیـل و ارتبـاط بـا وی، مطالعـه پرونـده بهره منـد و بـه شـهود یـا مطلعیـن یـا کارشناسـان پرونـده دسترسـی داشـته و از وضعیـت روحـی و جسـمی مناسـب بـرای ارائـه دلیـل و دفـاع برخـوردار باشـد. مـاده ۲۷ -حقـوق ویـژه زندانیـان و محرومـان از آزادی: محکومـان بـه حبـس بایـد از تمــام حقــوق اولیــه برخــوردار باشــند و در شــرایطی نگهـداری شـوند کـه از امکانـات رفاهـی، بهداشـتی، حرفه آمــوزی، بازپــروری و غیــره بهــره گیرنــد. زندانیـان در چارچـوب قانـون حـق مرخصـی دارنـد و هرگونــه برخــورد ســلیقه ای و تبعیض آمیــز در اســتفاده از حــق مرخصــی نســبت بــه زندانیــان ممنــوع اســت. ســامت جســمی و روحــی زندانیــان بهطــور منظــم مــورد پایــش قــرار میگیــرد. وضعیــت ســامتی زندانیــان بایــد بهصــورت مرتــب بــه اطــاع خانــواده آنــان برســد، نگهــداری انفــرادی زندانیــان به طــور موقــت نســبت بــه ممنــوع اســت و صرفــا زندانیــان شورشــی یــا متمــرد کــه حضــور آنهــا موجــب آســیب بــه دیگــران شــود بــا روابط عمومی كانون وكلای دادگستری مركز اســتانداردهای حقــوق زندانیــان و دسترســی بــه امکانـات متعـارف، مجـاز اسـت. همیـن حقـوق بـرای تبعیدشــدگان و دیگــر افــراد محــروم از آزادی وجــود دارد. ا گـر زندانـی اعتصـاب غـذا کنـد، مراتـب جهـت صــدور دســتور مقتضــی بــه قاضــی رســیدگیکننده اعــام میشــود. مــاده ۲۸ -حــق اعــاده حیثیــت و بــاز اجتماعــی شــدن محکومــان: حــق همــه محکومـان اسـت کـه پـس از اجـرای حکـم بـه زندگـی شــرافتمندانه خــود بازگردنــد و از همــه حقــوق شـهروندی به ویـژه اشـتغال بـه کار برخـوردار شـوند محرومیــت اجتماعــی هــر محکــوم جــز در مــوارد مصــر ح قانونــی و در حــدود و زمــان تعیینشــده، ممنــوع اســت. به منظــور تأمیــن امنیــت و منافــع خانــواده و ســایر افــراد جامعــه و حمایــت از فــرد در روابــط بــا اجتمــاع بــا هــدف توانمندســازی زندانــی آزادشــده همــگام بــا تحــولات اجتماعــی، از همــان آغـاز محکومیـت بایـد بـه آینـده زندانـی پـس از خـروج از زنــدان توجــه شــود. در ایــن راســتا، مرا کــز و سـازمان های رسـمی دولتـی یـا بخـش خصوصـی بـا همــکاری یکدیگــر، صلاحیت بازیابــی جایــگاه اجتماعــی شــخص تــا مدت زمــان معینــی پــس از آزادی از حبــس را دارنــد. مــاده ۲۹ -اســتناد بــه اصــول کلــی حقوقــی: در مــوارد تعــارض، ابهــام، نقــص یــا نبــود قانــون در قضایــای مطــروح، قضــات میتواننـد عـاوه بـر امـکان مراجعـه بـه منابـع معتبـر اســامی یــا فتــاوای معتبــر، بــه اصــول کلــی حقوقــی کــه مغایــر شــر ع نباشــد نیــز توجــه ویــژه نمــوده و بــا اســتناد بــه اصــول مذکــور، حکــم پرونــده را صــادر نماینــد. مــاده ۳۰ -حقــوق خــاص دادرســیهای اداری: الـف- تمامـی مراجـع اداری، نظیـر هیئتهـا و کمیســیونها در رســیدگی بــه پروندههــای مســتخدمان کــه جنبــه مجــازات دارد، مکلــف بــه رعایــت اصــول دادرســی عادلانــه و اصــول دادرســی اداری و تضمیــن حداقــل حقــوق آنهــا بــا رعایــت تناســب بیــن تخلــف و حکــم هســتند. ب- ا گــر تصمیــم یــا اقــدام نهــاد یــا مقــام اداری در دیــوان عدالــت اداری مــورد رســیدگی قــرار گرفتــه و ابطــال شـود، اتخـاذ همـان تصمیـم یـا ارتـکاب همـان اقـدام بهصــورت مجــدد از ســوی نهــاد یــا مقــام اداری مذکـور یـا نهادهـای مشـابه آن به صـورت تعمـدی یـا از روی مسـامحه تخلـف اداری محسـوب میشـود و میتوانــد مشــمول بنــد ۳۰ مــاده ۸ قانــون رســیدگی تخلّفــات اداری، مصــوب ۱۳۷۲ باشــد. بخــش بــه تخل چهـارم: راهبردهـا. مـاده ۳۱ :در راسـتای حمایـت از قضاییـه در جهـت صنایـع و رونـق تولیـد داخلـی، قو نیــل بــه اقتصــاد مقاومتــی تدابیــر پیشــگیرانه و حمایتــی حقوقــی و قضایــی را ضمــن رســیدگی بــه پروندههــای اقتصــادی در زمینه هــای زیــر اتخــاذ خواهــد نمــود: الــف- جلوگیــری از ورشکســتگی فعـالان اقتصـادی و تولیـدی؛ عدم تعطیلـی کارگاه ها و بنگاههــای اقتصــادی؛ ب- ایجــاد زمینــه تــداوم فعالیــت کارآفرینــان، شــرکتها و مؤسســات دانش بنیـان و فعـالان اقتصـادی بدهـکار، از طریـق راهکارهـای قانونـی؛ مـاده ۳۲ -سـازمان ثبت اسـناد و امــا ک کشــور نســبت بــه تثبیــت کامــل مالکیــت بخــش خصوصــی و مالکیــت دولــت بــر انفــال و ثروتهــای عمومــی از طریــق اتمــام طــر ح کاداســتر )حــد نــگار در اســر ع وقــت اقــدام مینمایــد و سـازمان بازرسـی کل کشـور بایـد نسـبت بـه اقدامـات مســتمر دســتگاههای اجرایــی ذیربــط بــرای مستندســازی امــوال ابنیــه، اراضــی، امــا ک و دیگــر امـوال غیرمنقـول دولتـی نظـارت نمایـد. مـاده ۳۳: بــا توجــه بــه تأثیــر احســاس امنیــت قضایــی در عملکــرد فعــالان بخــش اقتصــادی کشــور و بهبــود فضــای کســب وکار و جهــش تولیــد، قــوۀ قضائیــه نســبت بــه ایجــاد شــعب تخصصــی از دادگاههــا و دادســراها ویــژه رســیدگی بــه امــور اقتصــادی اقــدام میکنــد. معاونــت راهبــردی و آمــار و فنــاوری اطالعــات بــا همــکاری معاونــت حقوقــی و امــور ّقضاییـه مجلـس و مرکـز آمـار و فنـاوری اطلاعات قوه بعــد از نیازســنجی ایجــاد شــعب مذکــور در ســطح کشـور، ظـرف مـدت شـش مـاه از تصویـب ایـن سـند، قضاییــه پیشــنهادات خــود را بــه حــوزه ریاســت قوه اعـلـام میکننــد. مــاده ۳۴ :در راســتای کاهــش اطالـه دادرسـی و اصـل تمرکـز بـر امـور قضایـی، قـوه قضائیــه بــا توجــه بــه نتیجــه مطالعــات میدانــی و پژوهشــی و بــا همــکاری افــراد صاحب نظــر و معاونت هـای راهبـردی و آمـار و فنـاوری اطلاعـات و حقوقـی و امـور مجلـس، امـوری کـه به معنـای اخص غیــر قضایی انــد، امــا در حــال حاضــر در صلاحیــت قــوۀ قضائیــه قــرار دارنــد، احصــا و در قالــب لایحــه قضایــی جهــت جــرای تشــریفات قانونــی بــه حــوزه ّ قضاییـه اعلـام میکنـد. مـاده ۳۵ :الـف( ریاسـت قوه به منظــور ارتقــاء اصــل حا کمیــت قانــون و اعتمــاد شــهروندان بــه نظــام قضایــی و در راســتای سیاسـتهای قضایـی، آمـوزش همگانـی شـهروندان نســبت بــه حقــوق شــهروندی و حقــوق و تکالیــف متقابــل شــهروند - نظــام قضایــی بــا همــکاری قــوه مجریــه، در دســتور کار نهادهــای ذیربــط ازجملــه صداوســیما قــرار خواهــد گرفــت. ب) بهمنظــور دســتیابی عملــی بــه اهــداف ایــن ســند و ارتقــاء امنیــت قضایــی و تضمیــن حقــوق شــهروندی، قضاییــه موظــف اســت نظــام جامــع آمــوزش قضــات و کارمنــدان را از طریــق استانداردســازی آمـوزش قضـات و کارمنـدان پـس از جـذب و پیـش از شـروع بـه کار و همچنیـن ضمـن خدمـت و پیـش از ارتقــاء تدویــن کنــد؛ به نحوی کــه آنــان، به ویــژه در مراجــع تخصصــی، آموزش هــای الزام را بــرای انجــام شایسـته وظایـف خـود دریافـت کننـد. پ( معاونـت منابـع انسـانی و امـور فرهنگـی بـا همـکاری معاونـت حقوقــی و امــور مجلــس در راســتای ارتقــای ســطح اطمینــان بــه آرای امــور اقتصــادی و تســریع در رســیدگی و اســتاندارد نمــودن فراینــد رســیدگی بــه ایــن امــور، در شــعب ویــژه، نســبت بــه جــذب، شناســایی، آمــوزش و تربیــت قضــات ایــن شــعبات اقــدام میکنــد. مــاده ۳۶ :بــرای تســهیل پذیــرش و سـازگاری قضـات و کارکنـان بـا سـازوکارها و رویه هـای ارتقـاء شـفافیت در نظـام قضایـی، پیـش از عملیاتـی شــدن روشهــای مربــوط بایــد آموزش هــای الزام در اختیــار آنهــا قــرار بگیــرد. مــاده ۳۷ :در راســتای افزایــش ســرعت رســیدگی بــه پرونده هــا، ســهولت دسترسـی آزاد شـهروندان بـه اطالعـات قضایـی خـود قوه قضاییـه افزایـش و حفـظ امنیـت ایـن اطلاعـات، قوه سـطح اسـتفاده از فنـاوری اطاعـات در امـور اداری و قضایــی قــوه و ارتقــاء ســرعت، کیفیــت و کمیــت دسترســی شــهروندان بــه اطاعــات قضایــی خــود و تقویــت امنیــت اطاعــات در فنــاوری مورداســتفاده در دادگاههــا و دفاتــر خدمــات الکترونیکــی را در دستور کار خود قرار میدهد سید ابراهیم رئیسی صفحهِ همه محکومان است ّ »حق که پس از اجرای حکم به زندگی شرافتمندانه خود باز گردند و از همه حقوق شهروندی به ویژه اشتغال به کار برخوردار شوند اجتماعی هر محرومی محکوم جز در موارد مصر ح قانونی و در حدود و زمان تعیین نشده، ممنوع است. به منظور تأمین امنیت و منافع خانواده و سایر افراد جامعه و حمایت از فرد در روابط با اجتماع با هدف توانمندسازی زندانی آزادشده همگام با تحولات اجتماعی، از همان آغاز محکومیت باید به آینده زندانی پس از خروج از زندان توجه شود« نقد آرای مراجع قضایی و اختصاصی غیر قضایی نهال درخت گیلاس و دادگاه صالح« صلاحیـت محلـی ظاهـر میشـود. قانـون مدنـی در مـواد 11 تـا 22 معیارهـای شـناخت ایـن امـوال و مصادیـق آنهـا را بیـان کـرده ِ یکـی از آثـار مهـم تقسـیم امـوال بـه منقـول و غیـر منقـول در شـناخت مرجـعِ ِ قضایـی دارای صلاحیت طــی مــواد 12،13 و 15دربــارۀ دادگاه صالــح رســیدگی و قانــون آییــن دادرســی مدنــی نیــز در بــاب صالحی بــه دعــاوی منقــول و غیــر منقــول احکامــی را مقــرر نمــوده اســت. دعــاوی راجــع بــه مــال منقــول »شــخصی« می‌کنـد. دعـاوی مربـوط ّ تشکیل دادگاه محـل اقامـت خوانـده« تبعی محسـوب میشـود و از قاعـدۀ کلـی »صالحی بـه مـال غیـر منقـول در دادگاه محـل وقـوع ایـن مـال طـر ح میشـوند و اسـتثنایی هسـتند بـر قاعـده مرقومه »نهـال درخـت چـه وضعیتـی دارد« موضـوع ایـن نوشـته اسـت. »تأثیر جنون ادواری بر عقد وکالتماجـرا به طـور سـاده از ایـن قـرار اسـت کـه پـساز اعطـای وکالـت مـوکل دچـار جنـون ادواری میشـود، وکیـل نیـز بیخبـر از آنچـه بـرای مـوکل اتفـاق افتـاده بـا اختیـاری کـه داشـته وکالـت خویـش را بـه دیگـری و آن دیگری بـه دیگران ّ و سـپس ّ محجـور ساز گاهـی از ایـن اتفاقـات دادخواسـتی بـه خواسـته ابطـال وکالت اولی تفویـض می‌کننـد. قیم ّ نیـز بـا اوسـت، وکالـت عقـد جایـز اسـت و جنـون سـبب از بیـن رفتـن آن وکالت هـای بعـدی ارائـه میدهـدو حـق ّ طبیعـی میشـود. بـا از بیـن رفتـن وکالـت اعطایـی از سـوی خواهـان )مـوکل( بـه خوانـده ردیـف نخسـت )وکیـل او اسـت کـه وکالت هـای بعـدی نیـز باقـی نخواهـد مانـد، چـرا که ایـن وکالتها بـر پایه وکالت نخسـت منعقد شـده اند دادگاه تجدیـد نظـر به گونـۀ دیگـری می اندیشـد... ســند امنیــت قضائــی در بردارنــده اصــول بنیادینـی اسـت کـه از یک طرف بـر رعایت حقوق و آزادی هـای اشـخاص در جامعـه تأ کیـد میکنـد و از طــرف دیگــر تکالیــف صاحــب منصبــان حکومــت را در قبــال حمایــت از ایــن حقــوق و آزادیهــا و رعایــت آنهــا مشــخص می نمایــد. هـدف از تنظیـم ایـن سـند ایجـاد امنیـت قضایـی رســیدن بــه عدالــت بــرای شــهروندان و نهایتــا قضایــی در فرآینــد رســیدگیهای حقوقــی و کیفـری اسـت. بـرای رسـیدن بـه ایـن هـدف بـه اصـول و قواعـدی اسـتناد شـده اسـت کـه غالـب آنهـا در قوانیـن موضوعـۀ کشـور از جملـه قانـون اساســی و قوانیــن عــادی وجــود دارد ولیکــن قرائت هــای متفــاوت و یــا عــدم اجــرای دقیــق آنهــا ریاســت محتــرم قــوۀ قضائیــه را در دوره جدیــد بــر آن داشــته کــه بــر رعایــت آنهــا تأ کیــد نمایــد.2 -ســرلوحه ایــن ســند اصــل اعتمــاد و انتظـار مشـروع شـهروندان اسـت. رئیـس محتـرم قــوۀ قضائیــه بــه درســتی واقــف بــوده اســت کــه ا گــر اعتمــاد عمومــی بــه دســتگاه قضــا از بیــن بــرود و توجهــی بــه انتظــارات مشــروع مــردم نشـود، سـخن از ایجـاد امنیـت قضایـی بیمعنـی خواهــد بــود بــه همیــن دلیــل رکــن رکیــن ایــن سـند را تحکیـم اعتمـاد عمومـی بـه دسـتگاه قضـا و توجــه بــه انتظــار مشــروع مــردم از مســئولین قضایــی قــرار داده اســت. 3 -بــدون شــک افزایــش اعتمــاد عمومــی در دســتگاه قضایــی زمانــی محقــق میشــود کــه صاحــب منصبــان قضایـی بـه اصـول دیگـر اشـاره شـده در سـند بـه عنـوان اصـول بنیادیـن دادرسـی توجـه نماینـد. 4 -از جمله ایــن اصــول کــه رعایــت دقیــق آنهــا اصــل اساســی اعتمــاد عمومــی را تضمیــن مینمایــد، اصــل برابــری اشــخاص در مقابــل قانـون، اصـل عطـف بـه ماسـبق نشـدن قوانیـن و مقـررات، اصـل قانونـی بـودن جـرم و مجـازات، اصـل شـفافیت در رسـیدگیها و اصـل اسـتقالل و بیطرفــی قاضــی اســت کــه ا گــر بــه درســتی و آنگونـه کـه در آموزههـای حقوقـی بـه آنهـا اشـاره شــده توســط قضــات عالــم و مســلط بــر موازیــن قضایـی رعایت شـود بدون شـک بخـش مهمی از امنیـت قضایـی شـهروندان رعایـت خواهـد شـد. 5 -البتـه در ایـن بخـش جـای دو اصـل بنیادیـن دیگـر یعنـی اصـل تقابلـی بـودن دادرسـی و اصـل حــق ّ دفــاع مســتقل کــه لازمه امنیــت قضایــی اســت، خالیســت کــه امیــدوارم ریاســت محتــرم قــوۀ قضائیــه بــا روشــن بینــی کــه دارنــد ایــن دو اصـل بنیادیـن را نیـز کـه تضمیـن کننـده حقـوق دفاعـی اشـخاص در مراجـع قضایـی اسـت اضافه نماینــد. 6 -از ویژ گیهــای مهــم ایــن ســند پرداختـن بـه حقـوق عـام و خـاص شـهروندان در فراینـد رسـیدگیهای قضایـی اسـت.7 -از جملـه حقــوق عــام شــهروندی مذکــور در ایــن ســند، حــق دادخواهــی و دسترســی آســان بــه مراجــع قضایـی اسـت کـه در قانـون اساسـی بـر رعایت ان تأ کیـد شـده اسـت. حـق رسـیدگی و دادرسـی در مـدت معقـول حـق دیگـری اسـت که امـروزه عدم تحقــق آن در بســیاری از بخشهــای قضایــی حقــوق شــهروندان را بــه مخاطــره انداختــه اســت. حــق ّ رســیدگی علنــی دادگاههــا از جملــه حقــوق دیگــر اشــاره شــده اســت کــه متأســفانه توسـط برخـی از دادگاه هـا بـه دلیـل عـدم وجـود فضــای کافــی بــرای تماشــاچی و بــدون صــدور قـرار غیرعلنـی بـودن محا کمـه، رعایـت نمیشـود ِ بهره منــدی از وکیــل ّ و از همــه مهمتــر حــق مســتقل از بــدو تــا ختــم فرآینــد دادرســی در کل مراجــع رســیدگی کننده اعــم از مراجــع قضایــی و شــبه قضایــی اســت. در ایــن بخــش ریاســت محتـرم قـوۀ قضائیـه بـه درسـتی بـه حـق انتخـاب آزادانه وکیـل و ممنوعیـت هرگونـه تحمیـل وکیـل یــا تهدیــد حــق آزادی انتخــاب وکیــل همچنیــن مصونیـت وکیـل از تعقیـب در مقـام دفـاع تا کید و اسـتقلال وکیـل را فـار غ از هرگونـه فشـار سیاسـی و تهدیــد و آزار و اذیــت مــورد توجــه قــرار داده اسـت. 8 -اجـرای ایـن بخـش از سـند کـه بسـیار هوشــمندانه تنظیــم شــده اســت مســتلزم دو ّ ل حــذف تبصــره اقــدام قانونــی اســت. اقــدام او ذیـل مـاده 47 قانونـی آئیـن دادرسـی کیفـری کـه انتخـاب آزادانـۀ وکیـل توسـط اصحـاب دعـوی را سـلب نمـوده و بـا تحمیـل وکیـل و تحدیـد حـق آزادی انتخــاب وکیــل یکــی از حقــوق بنیادیــن ّ شــهروندی را نقــض نمــوده اســت و اقــدام دو حــذف مرکــز وکالتــی وابســته بــه قــوۀ قضائیــه و جـذب اعضـای آن در زیـر مجموعـۀ کانون هـای وکلا دادگســتری مســتقل طــی یــک فراینــد قانونــی اســت کــه انجــام آن تضمیــن کننــده اســتقلال وکیــل طبــق مفــاد ســند میباشــد عـلـاوه بــر ایــن ریاســت محتــرم قــوۀ قضائیــه بــه یکــی دیگــر از مهمتریــن نیازهــای شــهروندان و تکالیــف حا کمیــت کــه تــا کنــون بــه درســتی اجــرا نگردیــده اســت اشــاره نمــوده و آن در اختیــار گذاشــتن کمک هــای حقوقــی رایــگان بــه اشــخاص نیازمنــد اســت. ایشــان بــا وقــوف بــه تجربیــات جهانــی در ایــن خصــوص مقــرر داشـته اند کـه قـوۀ قضائیـه بایـد بـرای اشـخاصی کــه قــادر بــه پرداخــت هزینه خدمــات حقوقــی اعـم از مشـاوره و وکالـت یـا کارشناسـی یـا داوری اجبــاری نیســتند، امــکان اســتفاده از ایــن خدمـات را بـه طـور رایـگان یـا ارزان فراهـم کنـد. امــروزه در دنیــا بــرای ایــن بخــش از کمک هــای حقوقـی ردیـف بودجه علیهـده در قانـون بودجه سـنواتی در نظـر مـی گیرنـد. بـه عنـوان مثـال در انگلیـس مبلـغ 5/2 میلیـارد پونـد، در هلنـد 7/1 میلیــارد دالر و در اســترالیا یــک میلیــارد ریــال در بودجه ســالیانه بــرای کمکهــای حقوقــی قــرار میدهنــد و ســپس وجــوه مذکــور را در اختیــار وزارت دادگسـتری و کانونهـای وکال جهـت ارائـه بـه اشـخاص نیازمنـد در قالـب وکیـل معاضدتـی و تســخیری و همچنیــن افرایــش آگاهیهــای ً اجـرای ایـن حقوقـی مـردم قـرار میدهنـد. قطعـا بنــد از ســند مســتلزم قــرار دادن ردیــف بودجــه مناســب در قانــون بودجــه توســط دولــت و مجلـس اسـت کـه امسـال بـرای اولیـن بـار در ردیـف بودجه سـال 1400 کشـور قـرار گیـرد، در غیــر ایــن صــورت اجــرای ایــن بنــد از ســند متــروک باقــی خواهــد مانــد. در همیــن حــوزه ً جهـت اطـاع از سـابقه عـرض میکنـم کـه صرفـا علیرغــم اینکــه در قانــون مقــرر شــده اســت کــه بـرای هزینه وکالت هـای تسـخیری و معاضدتـی ردیــف بودجــه در نظــر گرفتــه شــود. تا کنــون حتــی یــک ریــال بودجــه معاضدتــی و تســخیری در اختیــار کانون هــای وکلای دادگســتری بــه عنــوان مرجــع ارائــه وکالت هــای معاضدتــی و تسـخیری قـرار نگرفتـه و ایـن در حالیسـت کـه از قریـب بـه یکصـد سـال پیـش کانون هـای وکلا دادگســتری خدمــات معاضدتــی و تســخیری را بـه صـورت رایـگان در اختیار شـهروندان گذاشـته انـد کـه امیـدوارم ایـن اقـدام ریاسـت محتـرم قـوه باعــث شــود کــه بــا پرداخــت مطالبــات معــوق وکالت هــای تســخیری کانون هــا ایــن بخــش از خدمـت رسـانی رایـگان کانون هـا تقویـت شـود. 9 -در بخــش حقــوق خــاص شــهروندی در فراینــد دادرســی، ســند متضمــن چنــد اصــل مترقـی اسـت کـه رعایـت آن بـرای تحقـق امنیـت قضایــی شــهروندان بســیار حیاتــی و ضــروری اســت. یکــی از ایــن اصــول اصــل منــع مطلــق شــکنجه ورفتارهــای تحقیرآمیــز اســت. ا گرچــه ایــن اصــل در قانــون اساســی و قوانیــن عــادی مــورد تأ کیــد قــرار گرفتــه و امــر جدیــدی نیســت و لیکــن پرداختــن بــه مصدایــق شــکنجه و رفتــار تحقیرآمیــز در ســند بــاب هرگونــه ابهــام و قرائت هــای مختلــف را بســته و حجــت را بــرای اشــخاصی کــه تحــت توجیهــات فــرا قانونــی رفتـار خـاف ایـن اصـل را انجـام میدادنـد 10 -ذکــر رفتارهــای غیــر انســانی یــا تحقیرآمیــز بــا مظنونــان، متهمــان، شــهود و مطلعــان از قبیــل هرگونــه شــکنجه جســمی یــا روحـی، اجبـار بـه اقـرار یـا ادای شـهادت یـا ارائـه اطالعـات، رفتـار تـوأم بـا توهیـن و تحقیـر کلامـی یــا عملــی، خشــونت گفتــاری یــا فیزیکــی و آزار جنســی یــا هتــک حیثیــت و آبــروی اشــخاص از هـر نـوع و همچنیـن هرگونـه تهدیـد، اعمـال فشـار و محدودیـت بـه خـود فـرد یـا خانـواده و نزدیـکان شـخص، از جملـه مصادیقـی اسـت کـه در سـند بــرای تمــام کــردن حجــت در فراینــد تحقیــق و حائــز اهمیــت و قابــل تقدیــر اســت. 11 -حــق ّ رســیدگیهای کیفــری بــه آن اشــاره گردیــده کــه اعتــراض و تجدیــد نظرخواهــی حــق دیگــری اســت کــه در ایــن بخــش بــه آن پرداختــه شــده اســت. در شــرایط حاضــر متأســفانه در مقــررات مــا اصــل بــر عــدم حــق اعتــراض و تجدیــد نظــر اســت. بــرای اجرایــی شــدن ایــن بنــد ضــرورت اصـاح مقـررات آییـن دادرسـی و اصـل قـرار دادن حــق ّ اعتــراض و تجدیــد نظــر ضــروری اســت. 12 -ذکــر مصادیــق بازداشــت غیــر قانونــی و خودسـرانه در مـاده 24 سـند از قبیـل بازداشـت در نتیجه راهـای کیفـری فاقـد زمـان الزام بـرای معرفــی کفیــل و وثیقــه گــذار، قرارهــای کیفــری نامناســب؛ تمدیــد قــرار بازداشــت غیــر ضــروری، و مصادیــق محــدود کننــده حقــوق بازداشــت شــده از قبیــل عــدم اطــاع خانــواده بازداشــت شــده از اصــل بازداشــت و محــل آن، عــدم معاینه پزشـکی و مراقبـت و درمـان از بازداشـت شـده، بازرسـی بدنـی بـدون لبـاس، عـدم رعایـت کرامــت انســانی، نگهــداری فــرد بازداشــت شــده بــه گونــهای کــه وی بــه صــورت موقــت یــا دائــم از اســتفاده از حسهــای طبیعــی خــود ماننــد دیـدن و شـنیدن، بـا آگاهـی از مـکان و گذشـت زمــان محــروم شــود و ممنوعیــت مطلــق اعمــال فــوق از دیگــر مــواردی اســت کــه در ســند بــه منظــور تمــام کــردن حجــت بــرای ضابطیــن قضایــی و قضــات در فراینــد رســیدگیهای کیفـری آورده شـده اسـت. مـوارد ذکـر شـده فقـط بخشــی از آموزه هــای ســند امنیــت قضایــی بــود کـه بـه طـور مختصـر بـه آن پرداختـه شـد. بـدون شــک اجــرای کامــل مفــاد ســند گامــی اساســی در جهــت حرکــت بــه ســمت تحقــق دادگســتری شایســته درکشــور خواهــد بــود کــه امیــدوارم بــا کمــک قــوای ســه گانــه محقــق شــود. کانــون وکلای دادگسـتری بـا اسـتقبال از رویکـرد مترقـی ســند امنیــت قضایــی، آمادگــی خــود را جهــت کمـک بـه اجرایـی شـدن مفـاد آن اعـلام مـیدارد. توضيحات رئيس كانون وكلای دادگستری مركز درباره سندّ قضايی امنيتی ا گر اعتماد عمومی به دستگاه قضا از بین برود و توجهی به انتظارات مشروع مردم نشود، سخن از ایجاد امنیت قضایی بی معنی خواهد بود امروزه در دنیا برای این بخش از کمک های حقوقی ردیف بودجه علیهده در قانون بودجه سنواتی در نظر میگیرند نقد آرای مراجع قضایی و اختصاصی غیر قضایی »نتیجهای باطل بر مبنای باطل« نقد رأی وحدت رویه شماره 499 - 450 هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هیــأت عمومــی دیــوان عدالــت اداری بــا صــدور رأی وحــدت رویــه های موجبــات قطــع حمایت هــای قضایــی کارشناســان ّ واحـده قانـون حمایـت حقوقـی سـازمانهای دولتـی را فراهـم نمـوده اسـت. ایـن حمایتهـای قضایـی به موجـب ّ ب 1379 برقـرار ّ ب 1376 و آیین نامه اجرایـی آن قانـون مصـو ّح قضایـی از کارکنـان دولـت و پرسـنل نیروهـای مسـلح ّ 13 آیین نامه مذکــور ســازمان های دولتــی مجــاز بودنــد بــرای جبــران زحمــات کارشناســان گردیــده بــود. در اجــرای مــاد حقوقـی خـود حدا کثـر چهـل درصـد فوق العـاده جـذب پرداخـت نماینـد. بـا تصویـب قانـون مدیریـت خدمـات کشـور در ّ ه 78 آن کلیـه مبانـی پرداخـت خـار ج از ضوابـط وو مقـررات قانـون مدیریـت خدمـات کشـوری سـال 1386 و بـه موجـب این مـاد لغـو گردیـد « »دعوی مطالبه وجه چک خار ج از مد آرای متفاوت آثار متعدد برخـی از محاکـم تعلـل نـا متعـارف دارنـدۀ چـک در اقامه دعـوا را آمارهـای بـر انصـراف علمـی او از مطالبه خسـارت تأخیـر تأدیـه )از زمـان سررسـید تـا زمـان اقامه و تـرک فعلـی از جانـب وی تلقـی می‌کننـد و در نتیجـه خسـارت تأخیـر تأدیـه را تنهـا از زمـان طـر ح دعـوا قابـل مطالبـه میداننــد.)

نتیجه گیری

امروزه تامین و تضمین امنیت قضایی شهروندان دارای اهمیت فراوانی است امنیت قضایی شهروندان به خصوص متهمان در پرتو اصل بنیادین برائت که اصل مهم و کلیدی و راهگشا محسوب شده ، تامین خواهد شد بر اساس این اصل هیچ کس گناهکار نیست مگر آن که خلافش ثابت شود در حقوق ایران ، بر اساس این اصل در قانون اساسی پیش بینی شده است ودر قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب 1392نیز اصل مطرح گردید اصل برائت که باعث ایجاد امنیت قضایی در میان شهروندان می شود رعایتش در جهت حفظ و بقای نظام و جلوگیری از آسیب ها و نا امنی در حوزه امنیت قضایی لازم و ضروری است اصل برائت نقش مهم و کلیدی در تعیین سر نوشت متهم در دادرسی های کیفری دارد یکی از نتایج این اصل ، تضمین حقوق دفاعی متهم است در پرتو اصل برائت که این حقوق دفاعی برای متهم تامین و مورد تضمین قرار می گیرد : تکلیف مدعی العموم یا شاکی به ارائه دلیل اتهام ، منع توسل به روش های غیر قانونی جهت تحصیل دلیل ، تفسیر شک به نفع متهم وممنوعیت صدور حکم بر مبنای ظن وگمان، تفهیم فوری نوع و علت اتهام ، خودداری از پیش داوری در مورد متهم ، حق داشتن وکیل مدافع و تامین امکانات دفاعی لازم برای متهم

در طول نیم قرن گذشته ، تحولات عمده ای در زمینه حقوق متهم رخ داده است بدیهی است قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز نمی تواند نسبت به این تحولات بی توجه باشد زیرا رعایت موازین حقوق بشر در خصوص متهم ، صدور احکام مبتنی بر عدالت را در دادگاه در پی خواهد داشت و این هدف به مقصود نخواهد رسید مگر آنکه عدالت نه تنها نسبت به قربانیان جرایم ، بلکه نسبت به کلیه طرف ها از جمله افرادی که به عنوان متهم در دادگاه حاضر می شوند اعمال گردد از جمله حقوقی که در نظام بین المللی حقوق بشر مورد تایید و تاکید قرار گرفته حق برخورداری از وکیل و تفهیم حق داشتن وکیل است که از نو آوری های قانون گذار در قانون آیین دادرسی کیفری جدید است این موضوع در جهت تامین منافع متهم بوده و در روند رسیدگی به پرونده وحقوق شهروندی و امنیت قضایی نقش مهمی دارد از طرفی دیگر عدالت قضایی نیز که سبب تضمین امنیت قضایی می شود ایجاب می کند تا فردی که به اطلاعات حقوقی وقوانین آشنایی دارد در کنار متهم حضور یابد و از این طریق متهم به علت عدم آشنایی به قوانین دچار سردرگمی نشود

در واقع، یکی از انواع معاضدت هایی که اشخاص تحت تحقیق ، تعقیب ، یا محاکمه استحقاق آن را دارند معاضدت حقوقی است که خود یکی از حقوق و تضمین های بنیادی دادرسی عادلانه است و باید از همان آغاز فرآیند کیفری تامین گردد حق داشتن وکیل و تامین ارتباط آزادانه با او شاخص ترین تضمین برای حقوق مظنون و متهم در منصفانه دادرسی است حق برخورداری از وکیل از وکیل در اسناد فراملی به دفعات مورد حمایت قرار گرفته است که از آن جمله می توان می توان به بند 3 ماده6 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بند 1 ماده 17 مجموعه اصول حمایت از همه افراد تحت هر گونه حبس یا بازداشت ، اصل بنیادین نقش وکلا 1990 اشاره کرد اصل اول از اصول اساسی راجع به نقش وکلا می گوید همه اشخاص حق دارند از معاضدت وکیل منتخب برای حمایت و احراز حقوقشان و دفاع از خویش در تمام مراحل دادرسی کیفری بهره ببرند بنابراین حق بر وکیل عنصری مهم درحق برخورداری از امکانات کافی برای آماده سازی دفاع و حق بر دفاع در راستای اصل برائت به حساب آمده و عادلانه بودن دادرسی را تضمین می کند در گذشته حق داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی چه در ایران و چه در کشور های دیگر مورد تردید بود اما امروزه این حق در بسیاری کشور ها از جمله ایران پذیرفته شده است و متهم حق داشتن وکیل را در سه مرحله تحت نظر ، تحقیقات مقدماتی و دادرسی دارد

منابع

1 -آخوندی،محمود (1380).آیین دادرسی کیفری ، تهران : وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

2 -آشوری ، داریوش (1370)، دانشنامه سیاسی تهران : نشر مروارید

3 -آشوری ، محمد (1376)، عدالت کیفری (مجموعه مقالات ) تهران : نشر گنج دانش

4- آشوری ، محمد (1383) ، بررسی مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه کنوانسیون اروپایی

حقوق بشر ، مفاهیم مساوات ، انصاف و عدالت ، تهران : نشر گرایش

5- آشوری ، محمد (1385 ) ، آیین دادرسی کیفری ، تهران : انتشارات سمت

6-آشوری ، محمد وسپهری ، روح الله (1392 ) بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران وفرانسه آموزه های حقوق کیفری ، دوره جدید (6)

7-اسلامی ، محمد (1387) بررسی حق دفاع متهم در ایران (پایان نامه ارشد )

حقوق جزا و جرم شناسی ، دانشگاه شهید بهشتی ، تهران ، ایران

8- اسماعیلیان ، شاپور (1386) . استقلال وکیل شرط محاکمه عادلانه . خبرنامه کانون وکلای دادگستری اصفهان ، (12)

9-امیدی ، جلیلی (1383) دکتر آشوری و حقوق دفاعی متهم ، علوم جنایی (مجموعه مقالات )تهران : نشر سمت

10- پاک نیت ، مصطفی (1389) . جلوه های رفتار منصفانه نسبت به بزه دیده در مقررات دادرسی کیفری ایران و سازمان ملل متحد (پایان نامه کارشناسی ارشد ) دانشگاه شهید بهشتی تهران ، ایران

11-ثقفی کوفی اصفهانی ، محمد (1355)،الغارات ، تهران : انتشارات انجمن آثار ملی

12- حر عاملی ، محمد بن حسن (بی تا) وسائل الشیعه الی التحصیل مسائل الشریعه بی جا : نشر دارا احیاء التراث العربی ، موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی ، قم

13-خالقی ، علی (1393)، نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری تهران ، نشر شهر دانش

14-خزانی ، منوچهر (1377)، فرآیند کیفری تهران : نشر گنج دانش

15- راغب اصفهانی ، حسین بن محمد (1386)، المفردات فی غریب القرآن قم : مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی

16- رحیمی نژاد ، اسماعیل (1387)، کرامت انسانی در حقوق کیفری ، تهران : نشر میزان

17- زارعی ، محمد حسین (1387) ،امنیت قضایی به مثابه حق . مجله مجلس و پژوهش ، (56)

18- زراعت ، عباس (1392) ،اصول آیین دادرسی کیفری تهران : نشر مجد

19 – ساداتی ، سید محمود (1389) ، امنیت قضایی در جمهموری اسلامی ایران ، ماهنامه دادرسی ، (79)

20 – ساقیان ، محمد مهدی (1393) ، تحولات حق متهم برداشتن وکیل در مرحله تحت نظر در حقوق ایران و فرانسه ، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی ، (1)

21- ساقیان، محمد مهدی (1393) ، تقویت حقوق و آزادی های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری 1392 ، پژوهش حقوق کیفری ، (6)

22-شاملو ، باقر (1383) ، اصل برائت در نظام های نوین دادرسی ، علوم جنایی (مجموعه مقالات) در تجلیل از دکتر محمد آشوری ) تهران : انتشارات سمت

23- شفیع زاده ، توحید (1392)، مطالعه الگو های دو گانه عدالت کیفری هربرت پارکر ، با تکیه برارزیابی عدالت کیفری ایران در پرتو آن الگوها .(پایان نامه کارشناسی ارشد )/دانشگاه شهید بهشتی ، تهران ، ایران

24- طهماسبی ، جواد (1396) . آیین دادرسی کیفری . تهران : نشر میزان

25- عباسی ، محمود و جمشیدی ، علیرضا (1396) ، گفتار هایی در حقوق شهروندی . تهران : نشر میزان

26-علی اکبری ، رستم ، کرمی ، پدرام و کنجوری ، مجتبی (1394) بررسی مصادیق حقوق دفاعی متهم در قانون جدید آیین دادرسی کیفری . همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری سال 1392 در بوته نقد ، مراغه ، انجمن حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه

27- علیزاده طباطبایی ، سید محمود (1385) ترازوی عدالت با وکیل میزان می شود . روز نامه شرق

28 – فرح بخش ، مجتبی ( 1385) مفهوم و مبانی حقوق دفاعی متهم . مجله حقوقی دادگستری ،( 56و 57)

29- فضائلی ، مصطفی (1387 ) . دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین المللی . تهران : انتشارات شهر دانش

30- قپانچی ، حسام و دانش ناری ، حمید رضا (1391)الگو های دو گانه فرآیند کیفری کنترل جرم و دادرسی منصفانه آموزه های حقوق کیفری . دانشگاه علوم رضوی

Abstract

Judicial security To clarify Several dimensions of Concept of judicial security Although the use of this word At Today's writings The concept

are increasing With this description, it seems that the understanding is

clear and accurate This term does not exist among the common people

and even the judges and experts Hence at first Explaining some given

definitions of judicial security And after examining and criticizing them,

a comprehensive definition has suggested In the end, while examining

the case of "night bat" case, whether it existed or not Judicial security

has spoken about this caseThe purpose of this article is to present it

Specific legal indicators, while quantifying the abstract concept of

judicial security." ", the degree of capability Display it in the current

legal analysis The government of the Islamic Republic of Iran is obliged

to ensure the comprehensive rights of men and women and create Fair

judicial security for all and public equality before the Constitution"

Principle 3-Paragraph 14 Some experts, without making a specific

definition of judicial security, to review Examples of judicial

security indicators or examining the causes and examples of the

lack of judicial security The title "Judicial security of women in

Iran" (1), to examine the situation of judicial security of women in

the society Iran has investigated without giving a specific

definition of the term judicial security He discusses some of the examples and provisions in Iran's laws that, in his view, disrupt

security It is a women's judiciary. Dr. Seyyed Mohammad

Hashemi also does not give a clear definition of this concept. With

this His description describes some institutions of judicial security

in Iranian law. (2) Ishan also judge and the law as institutions

that provide freedom and security. (3), judicial security It is the

proper quality of the performance of the courts in applying the

enforcement guarantees of the law An arrangement that prevents

citizens from violating their laws and obligations. (4) definition of the term judicial security He discusses some of the



Faculty of law

M.A thesis in criminal law and criminology

Title:

The challenges of processing the judicial

security institution in Iran's justice system

with an emphasis on preventive methods

and solutions

supervisor:Amin Hajivand(phd)

BY:

Danial pournaseri

Spring 2022